

نقل قولهای از آثار مائوتسه دون



تکثیر از هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

تهیه و ترتیب کننده پیام

فهرست:

- ۱- حزب کمونیست ۱
- ۲- طبقات و مبارزه طبقاتی ۴
- ۳- سوسیالیسم و کمونیسم ۱۰
- ۴- حل صحیح تضادهای درون خلق ۱۹
- ۵- جنگ . صلح ۲۴
- ۶- آمپریالیسم و کلیه مرتجعین ببر کاغذی هستند ۳۰
- ۷- جرأت برای مبارزه و جرأت برای کسب پیروزی ۳۳
- ۸- جنگ و توده ای ۳۶
- ۹- ارتش توده ای ۴۰
- ۱۰- رهبری کمیته حزبی ۴۲
- ۱۱- مشی توده ای ۴۸
- ۱۲- کارسیاسی ۵۵
- ۱۳- مناسبات بین افسران و سربازان ۶۰
- ۱۴- مناسبات بین ارتش و حلق ۶۲
- ۱۵- دموکراسی در سه زمینه ۶۳
- ۱۶- تربیت و تعلیم نیروهای نظامی ۶۶
- ۱۷- خدمت به خلق ۶۸

۷۰	۱۸ - میهن پرستی و انترناسیونالیسم
۷۲	۱۹- قهرمانی انقلابی
۷۴	۲۰- ساختمان کشور از طریق پشتکار و صرفه جوئی
۷۷	۲۱- اتکا به نیروی خود و مبارزه سرسختانه
۸۱	۲۲- شیوه های تفکر و اسلوبهای کار
۹۲	۲۳ - تحقیق و بررسی
۹۵	۲۴- اصلاح نظرات نادرست
۱۰۱	۲۵ - وحدت
۱۰۲	۲۶ - انضباط
۱۰۴	۲۷- انتقاد و انتقاد از خود
۱۰۸	۲۸- کمونیستها
۱۱۲	۲۹- کادرها
۱۱۶	۳۰ - جوانان
۱۱۹	۳۱- زنان
۱۲۱	۳۲ - فرهنگ و هنر
۱۲۳	۳۳- آموزش

۱- حزب کمونیست

مرکز قدرتی که امر ما را رهبری می کند حزب کمونیست چین است . اساس تئوریکی که افکار ما را هدایت می کند مارکسیسم - لنینیسم است.

نطق افتتاحیه در نخستین اجلاس اولین دوره کنفرانس کشوری نمایندگان خلق جمهوری توده‌ای چین (۱۵ سپتامبر ۱۹۵۴)

برای انقلاب کردن به حزبی انقلابی احتیاج است . بدون یک حزب انقلابی بدون حزب انقلابی‌ایکه بر اساس تئوری انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و به سبک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی پایه گذاری شده باشد، نمی توان طبقه کارگر و توده‌های وسیع مردم را برای غلبه بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش رهبری کرد.

نیروهای انقلابی سراسر جهان متحد شوید. علیه تجاوز امپریالیستی پیکار کنید. نوامبر ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

بدون کوشش حزب کمونیست چین بدون وجود کمونیست های چین به مثابه ستون فقرات خلق، چین هرگز نمی تواند به استقلال و آزادی دست یابد صنعتی شود و کشاورزی خود را مدرنیزه کند.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

حزب کمونیست چین هسته رهبری کننده تمام خلق چین است . بدون وجود این هسته، امر سوسیالیسم نمی تواند پیروز شود.

سخنرانی در ملاقات با نمایندگان سومین کنگره کشوری سازمان جوانان دموکراتیک نوین چین ۲۵ مه ۱۹۵۷

حزب با انضباطی که با تئوری مارکسیسم - لنینیسم مسلح است و اسلوب انتقاد از خود را به کار می بندد . با توده‌های مردم پیوند دارد ؛ ارتشی که توسط چنین حزبی رهبری می شود جبهه واحدی مرکب از تمام طبقات و گروههای انقلابی به رهبری چنین حزبی - اینست سه سلاح عمده‌ای که ما بدان وسیله دشمن را مغلوب ساخته‌ایم.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

ما باید به توده‌ها اعتماد کنیم ما باید به حزب اعتماد کنیم - این دو اصل اساسی است . چنانچه ما نسبت به این دو اصل شک و تردیدی به خود راه دهیم قادر به انجام هیچ کاری نخواهیم بود.

درباره مسائل کثوپراتیوه کردن کشاورزی ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵

حزب کمونست چین که به تئوری و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی مسلح است سبک کار نوینی برای خلق چین آورده که اساسش عبارت است از تلفیق تئوری و عمل ، ارتباط نزدیک با توده‌های مردم و انتقاد از خود.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

یک حزب سیاسی که جنبش انقلابی عظیمی را رهبری می‌کند بدون تسلط بر تئوری انقلابی و بدون علم به تاریخ و درکی عمیق از جنبش عملی محال است که بتواند به پیروزی دست یابد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

همانطور که ما سابقاً گفتیم جنبش اصلاح سبک کار یک جنبش پر دامنه تربیت مارکسیستی است. منظور از اصلاح سبک کار اینست که تمام حزب از طریق انتقاد و انتقاد از خود مارکسیسم را مورد مطالعه قرار دهند. ما در جریان جنبش اصلاح سبک کار به یقین می‌توانیم مارکسیسم را باز هم بیشتر بیازماییم.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس

۱۹۵۷

تأمین زندگی شایسته برای خلق چند صد میلیونی چین و ساختن کشوری غنی مقتدر با فرهنگی در سطح عالی از کشوری چون چین که از نظر اقتصادی و فرهنگی عقب مانده است ، وظیفه‌ای بس صعب و دشوار است. و درست برای اینکه ما بتوانیم این وظیفه را به نحو هر چه شایسته‌تر انجام دهیم و با افراد غیر حزبی که انگیزه‌ی آنها آرمانهای عالی انسانی است و برای شرکت در اصلاحات مصمم شده‌اند همکاری بهتری داشته باشیم باید در حال و آینده جنبش‌هایی برای اصلاح سبک کار بر پا کنیم و دائماً هرآنچه را که نادرست است، از خود بزدایم.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

سیاست مبدأ حرکت کلیه فعالیت‌های عملی یک حزب انقلابی است که در پروسه و در نتیجه نهایی فعالیت‌های حزب تبلور می‌یابد. یک حزب انقلابی در اقدام به هر عملی اجباراً سیاستی اتخاذ می‌نماید و در صورتی که از اتخاذ یک سیاست سرباز زند به ناچار سیاست اشتباه‌آمیزی را در پیش می‌گیرد و چنانچه سیاست موجود را آگاهانه اجرا نکند به ناچار آن را کورکورانه به مرحله عمل در می‌آورد. آنچه که ما تجربه می‌نامیم پروسه و نتیجه نهایی اجرای سیاست است. تنها از طریق پراتیک خلق یعنی از طریق تجربه است که ما می‌توانیم ثابت کنیم آیا این سیاست صحیح بوده یا نه و معین کنیم که این سیاست تا چه اندازه درست و تا چه اندازه غلط بوده است. ولی پراتیک خلق و به ویژه پراتیک یک حزب انقلابی و توده‌های انقلابی نمی‌تواند با این یا آن سیاست در ارتباط نباشد. بدین جهت قبل از آنکه عملی انجام گیرد ما باید سیاستی را که طبق شرایط موجود فرمول بندی کرده‌ایم برای اعضای حزب و توده‌ها به روشنی تشریح نماییم. در غیر این صورت اعضای حزب و توده‌ها از راهنمایی‌های سیاسی حزب ما بدور خواهند ماند، کورکورانه عمل خواهند کرد و سیاست اشتباه‌آمیزی را اجرا خواهند نمود.

درباره سیاست صنعتی و بازرگانی ۲۷ فوریه ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

حزب ما مشی عمومی و سیاست عمومی انقلاب چین و همچنین مشی‌های مشخص مختلف برای کار و رهنمودهای سیاسی کنکرتی تعیین نموده است. ولی بسیاری از رفقا در حالیکه به مشی‌های مشخص حزب ما برای کار و رهنمودهای سیاسی کنکرت آن وقوف دارند اغلب مشی عمومی حزب ما را فراموش می‌کنند. چنانچه ما واقعاً مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را فراموش کنیم به صورت یک فرد انقلابی نابینا و نا کامل و ناآگاه در خواهیم آمد و وقتی که بخواهیم مشی‌های مشخصی برای کار و رهنمودهای سیاسی کنکرت را به عمل درآوریم سمت گیری خود را از دست خواهیم داد زمانی به چپ و زمانی به راست منحرف خواهیم شد و بدینسان به کارمان زیان خواهیم رساند.

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شانسی - سوی یوان ۱ آوریل ۱۹۴۸

ثار منتخب جلد ۴

سیاست و تاکتیک حیات حزب است رفقای رهبری در درجات مختلف باید بدان توجه فراوان مبذول دارند و در اجرای آن نباید به هیچ وجه اهمال و بی‌مبالاتی از خود نشان دهند.

بخشنامه‌ای درباره اوضاع ۲۰ مارس ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

۲- طبقات و مبارزه طبقاتی

مبارزه طبقاتی یعنی بعضی طبقات پیروز می‌شوند و بعضی نابود. این است تاریخ این است تاریخ تمدن چندین هزار ساله. تفسیر تاریخ از این دیدگاه ماتریالیسم تاریخی و از دیدگاه مقابل آن ایده‌آلیسم تاریخی است.

تصورات واهی را بدور افکنید خود را برای مبارزه آماده کنید. ۱۴ اوت ۱۹۴۹ آثار منتخب

جلد ۴

در جامعه طبقاتی هر فرد به مثابه عضوی از یک طبقه معین زندگی می‌کند و هیچ فکر و اندیشه‌ای نیست که بر آن مهر طبقاتی نخورده باشد.

درباره عمل ژوئیه ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

دگرگونی‌های اجتماعی به طور عمده به تکامل تضادهای درونی جامعه بستگی دارند یعنی به تکامل تضاد بین نیروهای مولده و مناسبات تولیدی، تضاد میان طبقات و تضاد میان نو و کهنه. تکامل این تضادهاست که جامعه را به پیش می‌راند و سرانجام منجر به نشستن جامعه نوین بر جای جامعه کهن می‌گردد.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

استثمار اقتصادی بیرحمانه و ستم سیاسی طبقه مالکین نسبت به دهقانان، آنان را وادار به برپا کردن قیام‌های متعددی علیه سلطه مالکین نمود.

... مبارزه طبقاتی دهقانان و قیام‌ها و جنگ‌های دهقانی بود که در جامعه فئودالی چین نیروی محرکه واقعی تکامل تاریخ را تشکیل می‌داد.

انقلاب چین و حزب کمونیست چین دسامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

در آخرین تحلیل، مبارزه ملی یک موضوع مبارزه طبقاتی است. در بین سفید پوستان ایلات متحده آمریکا تنها هیئت حاکمه ارتجاعی است که سپاه پوستان را مورد ستم و ظلم قرار می‌دهد. آنها به هیچ وجه نمی‌توانند نماینده کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و سایر اشخاص روشن بین که اکثریت مطلق سفید پوستان را تشکیل می‌دهند باشند.

بیانیه در پشتیبانی از مبارزه عادلانه سیاه‌پوستان امریکایی علیه تبعیضات نژادی
امپریالیسم امریکا ۸ اوت ۱۹۶۳

بر ماست که خلق را متشکل کنیم. بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا مرتجعین چین
را واژگون سازد. تمام پدیده‌های ارتجاعی با هم یکسانند؛ اگر آنها را ننزید ساقط نخواهند
شد. این درست مانند جاروب کردن کف اتاق است - علی‌القائده خس و خاشاک از جایی که
جاروب نشود به خودی خود زایل نمی‌گردد.

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن ۱۳ اوت ۱۹۴۵ آثار
منتخب جلد ۴

دشمن خود به خود از بین نمی‌رود. نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم
آمریکا در چین هیچکدام به دلخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد.

انقلاب را به سرانجام برسانیم ۳۰ دسامبر ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

انقلاب مجلس مهمانی نیست مقاله نویسی نیست نقاشی یا گلدوزی نیست انقلاب
نمی‌تواند آنقدر ظریف و آرام، آنقدر نجیب و معتدل، آنقدر مهربان و مؤدب، آنقدر خوددار و
با شفقت باشد. انقلاب شورش و طغیان است، انقلاب عملی است قهر آمیز که بدان وسیله
یک طبقه، طبقه دیگر را واژگون می‌سازد.

گزارش درباره بررسی جنبش دهقانی در استان حونان مارس ۱۹۲۷ آثار منتخب جلد ۱

چانکاپشک پیوسته در تلاش است تا هر جو قدرت و هر جو دستاورد خلق را به زور از او
برباید. و ما؟ سیاست ما اینست که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب
زمین بجنگیم. ما هم به شیوه او عمل می‌کنیم. او همیشه سعی می‌کند با یک شمشیر در
دست چپ و یک شمشیر در دست راست جنگ را به خلق تحمیل کند. ما نیز چون او دست
به شمشیر می‌بریم همانطور که چانکاپشک اکنون شمشیر خود را تیز می‌کند ما هم باید
شمشیر خود را تیز کنیم.

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن ۱۳ اوت ۱۹۴۵ آثار
منتخب جلد ۴

دشمنان ما کیستند؟ دوستان ما کدامند؟ این مسئله‌ایست که در انقلاب دارای اهمیت درجه اول می‌باشد. کلیه مبارزات انقلابی سابق چین به طور عمده بدین جهت به دستاوردهای ناچیز رسیدند که انقلابیون قادر نبودند با دوستان حقیقی خود برای حمله به دشمنان واقعی متحد شوند. حزب انقلابی راهنمای توده‌هاست؛ تا کنون هیچ انقلابی نبوده است که در اثر رهبری نادرست حزب انقلابی شکست نخورده باشد. برای کسب اطمینان به اینکه توده‌ها را منحرف نخواهیم کرد و در انقلاب به پیروزی‌هایی حتمی دست خواهیم یافت، باید توجه خود را به اتحاد با دوستان حقیقی برای حمله به دشمنان واقعی معطوف کنیم. برای تشخیص دوستان حقیقی از دشمنان واقعی ما باید به طور کلی وضعیت اقتصادی طبقات مختلف جامعه چین و برخورد آنها را نسبت به انقلاب مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

تحلیل از طبقات جامعه چین مارس ۱۹۲۶ آثار منتخب جلد ۱

کلیه دیکتاتورهای نظامی، بوروکراتها، کمپرادورها و ملاکین بزرگ که متحدین امپریالیسم می‌باشند و همچنین آن قشر مرتجع از روشنفکرانی که وابسته به این طبقات است، دشمنان ما هستند. پرولتاریای صنعتی نیروی رهبری کننده انقلاب ماست. نیمه پرولتاریا و خرده بورژوازی نزدیکترین دوستان ما می‌باشند. جناح راست بورژوازی متوسط متزلزل ممکن است به دشمنان ما و جناح چپ آن به دوستان ما بدل گردد - لیکن ما باید در برابر آنها دائماً هشیار و مراقب باشیم و نگذاریم که در صفوف ما اغتشاشی بر پا کنند.

تحلیل از طبقات جامعه چین مارس ۱۹۲۶ آثار منتخب جلد ۱

هر کس که در طرف خلق‌های انقلابی قرار بگیرد انقلابی است. هر کس که در طرف امپریالیسم، فئودالیسم و کاپیتالیسم بوروکراتیک بایستد ضد انقلابی است کسی که تنها در گفتار جانب خلق انقلابی را بگیرد ی کردارش غیر از آن باشد، یک انقلابی لفظی است. کسی که نه تنها در گفتار بلکه در کردار هم جانب خلق انقلابی را بگیرد، انقلابی به تمام معنی است.

نطق اختتامیه در دومین اجلاس هی نخستین دوره کمیته کشوری کنفرانس مشورتی

سیاسی خلق چین ۲۳ ژوئن ۱۹۵۰

من معتقدم که برای ما - چه یک فرد ، یک حزب ، یک ارتش و یا یک آموزشگاه - چندان زیننده نباشد ، اگر مورد حمله دشمن قرار نگیریم، زیرا در آن صورت حتماً چنین مفهوم خواهد شد که ما تا به سطح دشمن تنزل یافته‌ایم. این امر خوبی است اگر ما مورد حمله دشمن قرار بگیریم، زیرا آن وقت معلوم می‌شود که ما بین خود و دشمن خط فاصل روشنی کشیده‌ایم. باز بهتر خواهد شد اگر دشمن به ما وحشیانه حمله ور گردد و بدون اینکه حتی کوچکترین نقطه مثبتی برای ما قائل شود، ما را به تیره‌ترین رنگها بیالاید ، زیرا این نشان می‌دهد که ما نه تنها خط فاصل روشنی بین خود و دشمن کشیده‌ایم، بلکه در کارمان هم به موفقیت‌های بزرگی دست یافته‌ایم.

مورد حمله دشمن قرار گرفتن امر خوبی است نه بد ۲۶ مه ۱۹۳۹

ما باید از هر چیزی که دشمن با آن مخالفت می‌کند پشتیبانی کنیم و با هر چیزی که دشمن از آن طرفداری می‌کند، مخالفت ورزیم.

مصاحبه با سه خبرنگار خبرگزاری مرکزی، روزنامه سائودان و روزنامه سین مین ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

ما در موضع پرولتاریا و توده‌های مردم قرار گرفته‌ایم. این برای اعضای حزب کمونیست به این معنی است که باید در موضع حزب قرار بگیرند، خود را با روح حزبی بار آورده و با سیاست حزب وفق دهند.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن مه ۱۹۴۲ آثار منتخب ، جلد ۳

پس از نابودی دشمنان تفنگ به دست، دشمنان بدون تفنگ هنوز بر جا خواهند ماند و مسلماً بر ضد ما به مبارزه مرگ و زندگی دست خواهند زد ما هرگز نباید به این دشمنان کم بها دهیم. اگر ما این مسئله را امروز بدین سان طرح نکنیم و نفهمیم مرتکب خطاهای بسیار بزرگی خواهیم شد.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹
آثار منتخب جلد ۴

امپریالیستها و مرتجعین داخلی به هیچ وجه به شکست خود تن در نخواهند داد و تا وا پسین دم به دست و پا زدن‌های مذبحخانه ادامه خواهند داد. آنها حتی پس از برقراری نظم و

آرامش در کشور نیز به اشکال گوناگون دست به عملیات تخریبی و آشوب گرانه خواهند زد و هر روز و هر دقیقه تلاش خواهند کرد تا بار دیگر در چین به صحنه باز گردند. این امری ناگزیر و حتمی است، ما تحت هیچ شرایطی نباید هوشیاری خود را از دست دهیم.

نطق افتتاحیه در نخستین پلنوم کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

در چین گر چه تحول سوسیالیستی در مورد سیستم مالکیت به طور اساسی انجام یافته و مبارزات طبقاتی وسیع و طوفان‌سای توده‌ای که مشخصه دوره انقلاب است، اساساً پایان پذیرفته ولی بقایای طبقات سرنگون‌شده ملاکین و کمپرادورها هنوز موجود است بورژوازی هنوز برجاست و خرده بورژوازی تازه در حال تحول است. مبارزات طبقاتی هنوز تمام نشده است. مبارزات طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی، مبارزه طبقاتی بین نیروهای سیاسی گوناگون و مبارزه طبقاتی بین پرولتاریا و بورژوازی در زمینه ایدئولوژیک هنوز مبارزه‌ای طولانی و پیچیده خواهد بود و حتی گاهی بسیار حدت خواهد یافت. پرولتاریا کوشش می‌کند تا جهان را طبق جهان‌بینی خود دگرگون سازد و بورژوازی نیز سعی دارد تا جهان را طبق جهان‌بینی خود تغییر دهد. در این مورد این مسئله که سوسیالیسم یا کاپیتالیسم کدامیک بر دیگری پیروز خواهد شد، هنوز واقعاً حل نشده است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

برای اینکه در کشور ما نتیجه مبارزه ایدئولوژیک بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم معین شود، هنوز مدتها وقت لازم است. به دلیل اینکه تأثیر بورژوازی و روشنفکرانیکه از جامعه کهن برخاسته‌اند، و همچنین ایدئولوژی طبقاتی آنها در کشور ما برای مدتی طولانی همچنان باقی خواهد ماند. عدم درک کامل و یا اصولاً عدم شناخت این حقیقت، ما را به اشتباه عظیمی می‌کشاند و موجب نادیده گرفتن ضرورت مبارزه ایدئولوژیک می‌گردد.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در کشور ما، ایدئولوژی بورژوایی و خرده بورژوایی، ایدئولوژی ضد مارکسیستی برای مدتی طولانی هنوز به جا خواهد ماند. سیستم سوسیالیستی در کشور ما به طور اساسی مستقر شده است. ما در تحول مالکیت بر وسائل تولید هم اکنون به پیروزی‌های اساسی نائل آمده‌ایم ولی در جبهه سیاسی و ایدئولوژیک هنوز پیروزی کامل حاصل نکرده‌ایم. در زمینه

ایدئولوژی این مسئله که در مبارزه بین پرولتاریا و بورژوازی کدامیک بر دیگری پیروز خواهد شد، هنوز واقعاً حل نشده است. ما علیه ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی هنوز مبارزه‌ای بس طولانی در پیش داریم. عدم درک این حقیقت و دست کشیدن از مبارزه ایدئولوژیک خطاست. تمام افکار اشتباه‌آمیز، تمام گیاهان سمی و تمام اهریمنان افعی‌صفت باید مورد انتقاد قرار گیرند و بهیچوجه نباید راه را برای اشاعه آنها باز گذاشت. ولی این انتقاد باید کاملاً مستدل، تحلیلی و قانع‌کننده باشد، نه خشن، بوروکراتیک، متافیزیکی و دگماتیکی.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

دگماتیسم و رویزیونیسم هر دو ضد مارکسیسم‌اند. مارکسیسم یقین به پیشرفت خود ادامه می‌دهد، همپای پیشرفت پراتیک رشد می‌یابد و هرگز از حرکت باز نمی‌ایستد. چنانچه مارکسیسم از حرکت باز ایستد و بلا تغییر بماند، روح و حیات خود را از دست خواهد داد. ولی اصول اساسی مارکسیسم هرگز نباید نقض گردد، چه در غیر اینصورت اشتباه امری اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. به مارکسیسم از دیدگاه متافیزیکی نگریستن و آنرا به مثابه چیز بی‌جانی تلقی کردن دگماتیسم است. انکار اصول اساسی و حقیقت عام مارکسیسم، رویزیونیسم است. رویزیونیسم نوعی از ایدئولوژی بورژوازی است. رویزیونیستها تفاوت بین سوسیالیسم و کاپیتالیسم، فرق بین کاپیتالیسم، فرق بین دیکتاتوری پرولتاریا و دیکتاتوری بورژوازی را انکار می‌کنند. آنچه که آنها از آن طرفداری می‌کنند، در واقع مشی سوسیالیستی نیست، بلکه مشی سرمایه‌داری است. در شرایط کنونی، رویزیونیسم به مراتب زیان بخش‌تر از دگماتیسم است. یکی از وظایف مهم کنونی ما جبهه ایدئولوژیک، گسترش انتقاد از رویزیونیسم است.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

رویزیونیسم یا اپورتونیسم راست روندی است بورژوایی که به مراتب خطرناک‌تر از دگماتیسم است. رویزیونیستها، اپورتونیستها راست، در سخن دم از مارکسیسم می‌زنند و حتی به "دگماتیسم" نیز حمله‌ور می‌گردند. اما هدف واقعی حمله آنان جوهر و اساس مارکسیسم است. آنها با ماتریالیسم و دیالکتیک مبارزه می‌کنند و یا آن را تحریف می‌نمایند، علیه دیکتاتوری دموکراتیک خلق و رهبری حزب کمونیست برمی‌خیزند و یا سعی در تضعیف آن می‌نمایند. آنها با تحول سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم مخالفت می‌ورزند و یا تلاش در تضعیف آن دارند. پس از پیروزی اساسی انقلاب سوسیالیستی در کشور ما هنوز اشخاصی یافت می‌شوند که به عبث آرزوی احیاء کاپیتالیسم را در سر می‌پرورانند. آنها در

تمام جبهه‌ها و منجمله در جبهه ایدئولوژیک علیه طبقه کارگر به مبارزه برمی‌خیزند و در این مبارزه رویزونیستها بهترین یاران و همراهان آنان هستند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

۳- سوسیالیسم و کمونیسم

کمونیسم سیستم کامل واحدی از ایدئولوژی پرولتاریایی و در عین حال نظام اجتماعی نوینی است که با هر سیستم ایدئولوژیک و نظام اجتماعی دیگر تفاوت دارد و کامل‌ترین، مترقی‌ترین، انقلابی‌ترین و منطقی‌ترین سیستمی است که تاریخ بشر تا کنون به خود دیده است. سیستم ایدئولوژیک و نظام اجتماعی فئودالی دیگر به موزه تاریخ سپرده شده است. سیستم ایدئولوژیک و نظام اجتماعی سرمایه‌داری نیز در بخشی از جهان (در اتحاد شوروی) در موزه نهاده شده و در کشورهای دیگر چون "بیماری محتضر و آفتابی که در پس تپه‌های غرب فرو می‌نشیند" می‌ماند که عنقریب به موزه تاریخ سپرده خواهد شد. تنها سیستم ایدئولوژیک و نظام اجتماعی کمونیستی است که سرشار از طراوت و شادابی جوانی و لبریز از نیروی حیات به قدرت بهمن و سرعت آذرخش بر سراسر جهان دامن می‌گسترده.

درباره دموکراسی نوین ژانویه ۱۹۴۰ آثار منتخب جلد ۲

سراسر نظام اجتماعی سوسیالیستی جایگزین سیستم سرمایه‌داری خواهد شد؛ این قانونی است عینی و مستقل از اراده انسان. علیرغم تلاش‌های مرتجعین در باز داشتن حرکت چرخ تاریخ انقلاب دیر یا زود شعله می‌افروزد و بدون تردید به پیروزی می‌انجامد.

سخنرانی در جلسه شورای عالی اتحاد شوروی به مناسبت چهلمین سال گشت انقلاب

کبیر اکتبر سوسیالیستی ۶ نوامبر ۱۹۵۷

ما کمونیست‌ها هرگز نظرات سیاسی خود را پنهان نمی‌داریم. به یقین و بدون هیچگونه تردیدی برنامه آینده و یا برنامه حداکثر ما، هدفش کشاندن چین به سوی سوسیالیسم و کمونیسم است. نام حزب ما و جهان‌بینی مارکسیستی ما، این آرمان والای آینده به روشنی نشان می‌دهد، آینده‌ای که بس زیبا و درخشان است.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

جنبش انقلابی چین تحت رهبری حزب کمونیست در مجموع شامل دو مرحله می‌شود: انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی؛ این دو مرحله دو پروسه انقلابی را تشکیل می‌دهند که خصلتاً با هم فرق دارند و تنها وقتی که اولی پایان بیابد، می‌توان به انجام دومی پرداخت. انقلاب دموکراتیک به منزله تدارک ضرور برای انقلاب سوسیالیستی است؛ انقلاب سوسیالیستی به طور اجتناب ناپذیر دنباله انقلاب دموکراتیک است. هدف نهایی‌ایکه همه کمونیستها برای رسیدن به آن می‌کوشند، عبارت است از بنا نهادن جامعه سوسیالیستی و کمونیستی.

انقلاب چین و حزب کمونیست چین دسامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

هدف انقلاب سوسیالیستی آزاد ساختن نیروهای مولده است. تغییر کشاورزی و صنایع دستی از مالکیت فردی به مالکیت جمعی سوسیالیستی، تغییر صنایع و بازرگانی شخصی از مالکیت کاپیتالیستی به مالکیت سوسیالیستی به ناچار نیروهای مولده را به طور وسیع آزاد می‌سازد. و به این ترتیب شرایط اجتماعی را برای بسط سریع تولیدات صنعتی و کشاورزی فراهم می‌کند.

نطق در کنفرانس شورای عالی دولتی ۲۵ ژانویه ۱۹۵۶

ما اکنون نه فقط در نظام اجتماعی انقلاب می‌کنیم، یعنی مالکیت شخصی را به مالکیت همگانی تغییر می‌دهیم، بلکه در تکنولوژی نیز انقلابی به پا می‌داریم، بدین معنی که تولید صنایع دستی را به تولید ماشینی پر دامنه مدرن تغییر می‌دهیم. این دو نوع انقلاب با هم در ارتباط مستقیم‌اند. در کشاورزی، با شرایطی که در کشور ما موجود است، باید مسئله کثورتیوه کردن قبل از استفاده از ماشین‌های بزرگ حل شود (در کشورهای سرمایه‌داری کشاورزی به طور کاپیتالیستی رشد می‌یابد). از اینرو ما به هیچ وجه نباید صنایع و کشاورزی را مجزا و منفرد از یکدیگر بدانیم، و به هیچ وجه نباید روی یک طرف تأکید کنیم و به طرف دیگر کم بها دهیم.

درباره مسئله کثورتیوه کردن کشاورزی ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵

نظام اجتماعی نوین فقط چندی پیش نیست که ایجاد گشته؛ برای تحکیم آن هنوز به مدتی وقت نیاز است. نباید پنداشت که نظام نوین به مجرد اینکه ایجاد گردید، می‌تواند کاملاً مستحکم شود، این امری غیر ممکن است. نظام نوین باید قدم به قدم استحکام یابد. برای

تحکیم قطعی آن باید ضمن صنعتی کردن سوسیالیستی کشور و ادامه پیکر انقلاب سوسیالیستی در جبهه اقتصادی، در جبهه سیاسی و ایدئولوژیک نیز به طور دائم و سخت به مبارزات انقلابی سوسیالیستی پرداخت. به علاوه در اینجا وجود عوامل گوناگون بین‌المللی نیز لازم می‌آید.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

در چین مبارزه برای تحکیم نظام سوسیالیستی، مبارزه بر سر اینکه معین شود آیا سوسیالیسم چیره می‌شود یا کاپیتالیسم، هنوز طی یک دوره تاریخی بسیار طولانی ادامه خواهد داشت. ولی همه‌ی ما باید بدانیم که این نظام نوین سوسیالیستی بدون هیچ شک و تردیدی مستحکم خواهد گشت. ما به یقین می‌توانیم کشوری سوسیالیستی که دارای صنایع مدرن، کشاورزی مدرن و علم و فرهنگ مدرن باشد، بنا کنیم.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

تعداد آن روشنفکرانیکه که نسبت به دولت ما دشمنی می‌ورزند، بسیار ناچیز است. این افراد به دولت دیکتاتوری پرولتاریای ما علاقه‌ای ندارند، بلکه بیشتر به همان جامعه کهن دلبسته‌اند. آنها در هر فرصتی که به دست آورند، آشوب و بلوا بر پا می‌کنند و تلاش می‌نمایند تا حزب کمونیست را سرنگون سازند و چین کهن را عودت دهند. آنها افرادی هستند که اگر بنا می‌بود بین مشی پرولتاریایی و مشی بورژوایی، بین مشی سوسیالیستی و مشی سرمایه‌داری یکی را انتخاب کنند، با لجاجت زیاد دومی را بر می‌گزیدند. چون این مشی در واقع تحقق پذیر نیست، لذا آنها در حقیقت سر تسلیم به امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک بسایند. چنین افرادی در محافل سیاسی، صنعتی و بازرگانی، فرهنگی و آموزشی، علمی و فنی و مذهبی دیده می‌شوند. آنها فوق‌العاده مرتجع‌اند.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

مسئله جدی عبارت است از آموزش و تربیت دهقانان. اقتصاد دهقانی پراکنده است و اشتراکی کردن کشاورزی بنا بر تجربیات اتحاد شوروی مستلزم وقت زیاد و کار دقیق است. بدون اشتراکی کردن کشاورزی، سوسیالیسم کامل و استواری نمی‌تواند وجود داشته باشد.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

ما باید مطمئن باشیم که اولاً توده‌های وسیع دهقانان مایلند تحت رهبری حزب به تدریج در راه سوسیالیسم گام نهند؛ و ثانیاً حزب قادر است دهقانان را در این راه رهبری کند. این دو نکته تمام کنه مطلب بوده و جریان عمده را تشکیل می‌دهد.

درباره مسئله کئوپراتیوه کردن کشاورزی ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵

ارگان‌های رهبری در کئوپراتیوها باید موضع مسلط دهقانان میانه حال تنگدست جدید را در این ارگان‌ها تأمین کنند و دهقانان میانه حال تنگدست قدیمی و دهقانان میانه حال مرفه جدید و قدیمی را به مثابه فرهنگ نیروی کمکی تلقی نمایند. فقط به این ترتیب است که می‌توان طبق سیاست حزب، وحدت بین دهقانان فقیر و دهقانان میانه‌حال را تأمین کرد، کئوپراتیوه را مستحکم نمود، تولید را پیشرفت داد و تحول سوسیالیستی سراسر روستاها را به طور صحیح انجام داد. و الا وحدت بین دهقانان فقیر و دهقانان میانه‌حال حاصل نخواهد شد، کئوپراتیوها تحکیم نخواهند یافت، تولید پیشرفت نخواهد کرد و تحول سوسیالیستی سراسر روستاها انجام نخواهد گرفت.

مقدمه بر مقاله "چگونه کنترل کئوپراتیو اوتان از دست دهقانان میانه‌حال به دست دهقانان فقیر انتقال یافت" ۱۹۵۵

اتحاد با دهقانان میانه‌حال امری ضرور است، سرپیچی از اجرای این وظیفه خطاست. ولی طبقه کارگر و حزب کمونیست در روستاها باید به چه کسانی اتکا کنند؟ مسلماً به دهقانان فقیر. این هم در آن موقعی که علیه ملاکین مبارزه می‌شد و اصلاحات ارضی در دست اجرا بود، صدق می‌کرد و هم اینک که به خاطر تحقق تحول سوسیالیستی کشاورزی علیه دهقانان مرفه و سایر عوامل سرمایه‌داری مبارزه می‌شود، صادق است. در این دو دوره انقلاب، دهقانان میانه‌حال ابتدا متزلزل بودند. آنها تنها پس از مشاهده سیر عمومی رویدادها و پیروزی قریب‌الوقوع است که به طرف انقلاب روی می‌آورند. دهقانان فقیر باید روی دهقانان میانه‌حال کار کنند و آنها را به طرف خود جلب نمایند تا اینکه انقلاب روز به روز تا پیروزی نهایی بسط و توسعه بیابد.

مقدمه بر مقاله "درسهایی از کئوپراتیو دهقانان میانه‌حال و کئوپراتیو دهقانان فقیر در شهرستان فوآن" ۱۹۵۵

در بین دهقانان چیزدار گرایشی جدی به سوی سرمایه‌داری به چشم می‌خورد. چنانچه ما در جریان جنبش کئوپراتیوه کردن یا طی یک دوره بسیار طولانی پس از آن در کار سیاسی میان دهقانان کوچکترین غفلتی کنیم این گرایش شایع و متداول خواهد شد.

مقدمه بر مقاله "بایدعلیه گرایش به سوی سرمایه‌داری به طور قطعی مبارزه شود" ۱۹۵۵

جنبش کئوپراتیوه کردن کشاورزی، از همان آغاز؛ یک مبارزه جدی ایدئولوژیک و سیاسی بود. هیچ کئوپراتیوی نمی‌تواند بدون گذشتن از میان چنین مبارزه‌ای تأسیس یابد. قبل از اینکه یک نظام اجتماعی طراز نوین بتواند بر روی پایه‌های نظام کهن بنا گردد باید این پایه‌ها را کاملاً پاک و منزه ساخت. بقایای افکار کهن که بازتابی از نظام کهنه است، در مغز انسان‌ها برای مدت طولانی به جا مانده و به آسانی از بین نخواهد رفت. از اینرو هر کئوپراتیو پس از آنکه تأسیس شد برای اینکه استحکام بیابد، باید از میان مبارزات متعددی بگذرد. و حتی پس از استحکام، به محض اینکه از مساعی و تلاش‌های خود بکاهد، فرو خواهد ریخت.

مقدمه بر مقاله "درس جدی" ۱۹۵۵

طی سال‌های اخیر در دهات نیروهای خودرو سرمایه‌داری دائماً رشد و نمو می‌یابند، دهقانان مرفه جدید در همه جا ظاهر می‌گردند و بسیاری از دهقانان میانه‌حال مرفه در تلاش‌اند تا به دهقانان مرفه تبدیل شوند. از سوی دیگر بسیاری از دهقانان فقیر به علت کمبود وسایل تولید همچنان در فقر و تنگدستی به سر می‌برند. بعضی از آنها مقروضند و برخی دیگر زمین‌های خود را فروخته یا به اجاره می‌دهند. اگر این وضع به همین منوال ادامه یابد قطب‌گیری در دهات لاجرم روز به روز صورت جدی‌تری به خود می‌گیرد. دهقانانی که هنوز با مشکلات فراوانی دست به گریبانند، شکایت خواهند کرد که ما برای نجات آنها از خانه‌خرابی هیچ اقدامی نمی‌کنیم، و یا به آنها در رفع دشواری‌هایشان کمکی نمی‌نمائیم. آن دهقانان میانه‌حال مرفه‌ی هم که به سمت سرمایه‌داری تمایل یافته‌اند، از ما ناراضی می‌شوند، زیرا ما هیچگاه قادر به ارضای تقاضاهای آنها نخواهیم بود مگر آنکه قصد داشته باشیم در راه سرمایه‌داری گام نهمیم. آیا در چنین شرایطی باز هم امکان تحکیم اتحاد بین کارگران و دهقانان موجود است؟ بدیهی است که نه. این مسئله فقط بر یک اساس نوین قابل حل است. یعنی به موازات انجام تدریجی صنعتی کردن سوسیالیستی در صنایع دستی و صنایع و بازرگانی کاپیتالیستی باید به تحول سوسیالیستی در تمام شئون کشاورزی نیز قدم به قدم تحقق بخشید، به سخن دیگر، باید پروسه کئوپراتیوه کردن را به انجام رساند، سیستم اقتصاد

فردی را در دهات از بیخ و بن برکند تا آنکه کلیه اهالی دهات به طور روزافزون رفاه و آسایش یابند. ما معتقدیم که اتحاد بین کارگران و دهقانان فقط از این طریق قابل تحکیم است.

درباره مسئله کنوپراتیوه کردن کشاورزی "۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵

... "نقشه واحد و همه جانبه" نقشه‌ایست که مصالح خلق ۶۰۰ میلیونی کشور ما را در نظر می‌گیرد. ما باید در تدوین نقشه‌ها، در تنظیم امور یا بررسی مسائل همواره این واقعیت را مد نظر داشته باشیم که چین جمعیتی برابر ۶۰۰ میلیون نفر دارد؛ این واقعیت را هیچگاه نباید از نظر دور داشت.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

علاوه بر رهبری حزب، جمعیت ۶۰۰ میلیونی ما نیز عاملی تعیین کننده به شمار می‌رود. جمعیت بیشتر به معنای عقاید و نظرات بیشتر، حرارت و احساسات بیشتر و انرژی بیشتر است. توده‌های مردم هیچگاه مانند امروز اینقدر الهام نگرفته بودند و دارای چنین روحیه پرشور و رزمنده‌ای نبودند.

معرفی یک کنوپراتیو ۱۵ آوریل ۱۹۵۸

ویژگی بارز خلق ۶۰۰ میلیونی چین، صرف نظر از خصوصیات دیگر، فقر اقتصادی و عقب ماندگی فرهنگی است. این ممکن است بد به نظر برسد، ولی در واقع امر خوبی است. فقر و تنگدستی اراده را برای تغییر، برای اقدام به عمل و برای انقلاب کردن برمیانگیزد. بر روی یک ورق کاغذ سفید که عاری از هر گونه لکه‌ای است، تازه‌ترین و زیباترین هیروگلیفها را می‌توان نگاشت و تازه‌ترین و زیباترین پیکرها را می‌توان نقش کرد.

معرفی یک کنوپراتیو ۱۵ آوریل ۱۹۵۸

پس از پیروزی انقلاب چین در سراسر کشور و حل مسئله ارضی، باز دو تضاد اساسی در چین همچنان بر جای خواهد ماند. اولی تضادی داخلی است، یعنی تضاد بین طبقه کارگر و بورژوازی. و دومی تضادی خارجی است، یعنی تضاد بین چین و کشورهای امپریالیستی. از اینرو پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده‌ای، قدرت دولت جمهوری توده‌ای که تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارد، نباید تضعیف شود، بلکه بالعکس باید تقویت گردد.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹
آثار منتخب جلد ۴

" آیا نمی‌خواهید قدرت دولتی را براندازید؟" چرا می‌خواهیم ولی نه اکنون. ما هنوز نمی‌توانیم قدرت دولتی را بر اندازیم. برای چه؟ زیرا که امپریالیسم و ارتجاع داخلی هنوز برجاست و طبقات در داخل کشور نیز هنوز موجودند. وظیفه کنونی ما عبارت است از تقویت دستگاه دولت توده‌ای - به طور عمده ارتش توده‌ای، پلیس توده‌ای و دادگستری توده‌ای - به منظور تقویت دفاع ملی و حفظ منافع مردم.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

دولت ما یک دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق است که از طرف طبقه کارگر رهبری می‌شود و بر پایه اتحاد کارگران و دهقانان استوار است. وظایف این دیکتاتوری چیست؟ نخستین وظیفه این دیکتاتوری عبارت است از سرکوب طبقات و عناصر مرتجع و آن استثمارگران داخلی که در مقابل انقلاب سوسیالیستی از خود مقاومت نشان می‌دهند، و سرکوب تمام کسانی که در کار ساختمان سوسیالیستی تخریب می‌کنند، یا به سخن دیگر نخستین وظیفه این دیکتاتوری حل تضادهای بین ما و دشمن در درون کشور است. فی‌المثل بازداشت و محکوم ساختن بعضی از عناصر ضد انقلابی، محروم کردن ملاکین و سرمایه‌داران بوروکراتیک از حقوق انتخاباتی و سلب آزادی بیان از آنها برای یک دوران معین - همه اینها جزو وظایف این دیکتاتوری است. علاوه بر این به خاطر تأمین نظم اجتماعی و حفظ منافع توده‌های وسیع مردم نیز باید نسبت به دزدان، کلاهبرداران، جانیان، اوباشان و سایر عناصر مضر که نظم اجتماعی را به طور جدی به هم می‌زنند، دیکتاتوری اعمال شود. وظیفه دوم این دیکتاتوری عبارت است از حفاظت کشور در مقابل فعالیتهای واژگون سازنده و تجاوزات احتمالی دشمنان خارجی. در چنین وضعی دیکتاتوری وظیفه دارد که تضادهای بین ما و دشمنان خارجی را نیز حل کند. هدف این دیکتاتوری حفاظت تمام مردم کشور ماست تا آنکه آنها بتوانند در صلح و صفا کار کنند و چین را به یک کشور سوسیالیستی با صنایع مدرن، کشاورزی مدرن و علم و فرهنگ مدرن تبدیل نمایند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

دیکتاتوری دموکراتیک خلق احتیاج به رهبری طبقه کارگر دارد. زیرا این فقط طبقه کارگر است که دوراندیش‌ترین، از خود گذشته‌ترین و در انقلاب پیگیر ترین طبقه‌هاست.

سراسر تاریخ انقلاب ثابت می‌کند که بدون رهبری طبقه کارگر انقلاب محکوم به شکست است و تنها با رهبری طبقه کارگر است که انقلاب پیروز می‌گردد.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

دیکتاتوری دموکراتیک خلق بر اساس اتحاد طبقه کارگر، طبقه دهقان و خرده بورژوازی شهری و به طور عمده بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان مبتنی است، زیرا این دو طبقه ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت چین را در بر می‌گیرند. این دو طبقه در واژگون ساختن امپریالیسم و مرتجعین گومیندان نیروی عمده را تشکیل می‌دهند. گذار از دموکراسی نوین به سوسیالیسم به طور عمده وابسته به اتحاد این دو طبقه است.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

در ساختمان یک کشور مقتدر سوسیالیستی مبارزه طبقاتی، مبارزه تولیدی و آزمونهای علمی سه جنبش عظیم انقلابی را تشکیل می‌دهند. این جنبش‌ها ضامن مطمئنی برای رهایی کمونیست‌ها از بوروکراتیسم و مصونیت در مقابل رویزونیسم و دگماتیسم هستند و آنها را همیشه شکست‌ناپذیر نگه خواهند داشت. این جنبش‌ها وثیقه معتبری هستند که وحدت با توده‌های وسیع زحمتکشان و تحقق دیکتاتوری دموکراتیک را برای پرولتاریا ممکن می‌سازند. بدون وجود این جنبش‌ها اگر به ملاکین، دهقانان مرفه، ضدانقلابیون، عناصر مضر و تمام اهریمنان افعی صفت اجازه داده شود از سوراخ‌های خود بیرون بزنند و در عین حال کادرهای ما هم در مقابل همه اینها دیدگان خود را فرو بندند و حتی بسیاری از آنها نه تنها قادر به تمیز دشمن از ما نگردند، بلکه با دشمن هم داستانی آغاز کنند و از طرف آنها به جاده فساد و انحطاط، تجزیه و تلاشی سوق داده شوند، اگر کادرهای ما بدینسان به سوی اردوگاه دشمن جلب شوند یا دشمن به صفوف ما رخنه کند و اگر بسیاری از کارگران، دهقانان و روشنفکران ما در مقابل تاکتیک‌های نرم و خشن دشمن بلا دفاع بمانند، آنگاه طولی نخواهد کشید و شاید فقط چند سال یا ده سال و یا حداکثر چند ده سال نخواهد گذشت که ناگزیر ضد انقلاب در سراسر کشور احیاء خواهد شد، حزب مارکسیستی - لنینیستی بدون شک به یک حزب رویزونیستی، به یک حزب فاشیستی بدل خواهد گشت و تمام چین رنگ خود را عوض خواهد کرد.

نقل شده در مقاله "درباره کمونیسم کاذب خروشچف و آموزش‌های تاریخی آن برای

جهان"

دیکتاتوری دموکراتیک خلق از دو اسلوب استفاده می‌کند: در مورد دشمن اعمال دیکتاتوری می‌کند، یعنی تا مدتی که لازم باشد به آنها اجازه شرکت در فعالیتهای سیاسی را نمی‌دهد و آنها را وادار می‌سازد که از قوانین دولت توده‌ای اطاعت کنند، به کار بدنی اشتغال ورزند و از طریق کار خود را به انسان‌های طراز نوین تغییر دهند. و بالعکس در مورد خلق نه از شیوه جبر و زور، بلکه از شیوه دموکراتیک استفاده می‌کند یعنی به آنها اجازه می‌دهد که در فعالیتهای سیاسی شرکت جویند، آنها را مجبور به این و یا آن کار نمی‌کند، بلکه شیوه‌های دموکراتیک تربیت و قانع می‌سازد.

نطق اختتامیه در دومین اجلاسیه نخستین دوره کمیته کشوری کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین ۲۳ ژوئن ۱۹۵۰

خلق چین برای اینکه بنیانی استوار تر به رشد و تکامل سریع سوسیالیسم در چین تحقق بخشد، در حال حاضر تحت رهبری حزب کمونیست چین دست در کار جنبشی پر جوش و پرتوان جهت اصلاح سبک کار است. این جنبشی به خاطر برانگیختن بحثی آزاد و هدایت شده در سراسر کشور - بحثی که در شهرها و روستاها درباره مسائلی چون مقابله راه سوسیالیستی با راه کاپیتالیستی، سیستم اساسی دولت و سیاست‌های اصلی آن، سبک کار کادرهای حزب و دولت، و مسئله رفاه همگانی در می‌گیرد، بحثی که با ارائه مدارک و به طور مستدل انجام می‌یابد تا آن که بتوان آن تضادهای کنونی درون خلق را که حل آنها فوریت دارد، به طور صحیح حل نمود. این جنبشی است سوسیالیستی که برای خود آموزی و تجدید تربیت خلق برپا می‌شود.

سخنرانی در جلسه شورای عالی اتحاد شوروی به مناسبت چهلمین سال گشت انقلاب کبیر اکتبر سوسیالیستی ۶ نوامبر ۱۹۵۷

ما در کار عظیم ساختمانی با وظیفه دشواری روبرو هستیم. اعضای حزب ما با وجود اینکه بیش از ده میلیون نفرند، ولی هنوز اقلیت بسیار کوچکی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در ادارات دولتی و سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی کارهای زیادی هست که باید از طرف افراد غیر حزبی انجام یابد. چنانچه ما نتوانیم به توده‌ها اتکا کنیم و با افراد غیر حزبی همکاری نزدیک برقرار سازیم، نخواهیم توانست کارها را به خوبی انجام دهیم. ما در حالیکه وحدت تمام حزب را پیوسته تقویت می‌کنیم، باید به تحکیم وحدت تمام ملیتها، طبقه دموکراتیک، احزاب دموکراتیک و سازمان‌های توده‌ای نیز ادامه دهیم و جبهه واحد دموکراتیک خلق را دائماً استحکام و توسعه بخشیم؛ ما باید با جدیت تمام مظاهر ناسالمی را

که در رشته‌های مختلف کار به چشم می‌خورد و در خلاف جهت همبستگی بین حزب و مردم سیر می‌کند، برطرف سازیم.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره حزب کمونیست چین ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶

۴- حل صحیح تضادهای درون خلق

در برابر ما دو نوع تضاد اجتماعی قرار دارد - یکی تضادهای بین ما و دشمن و دیگری تضادهای درون خلق. این دو نوع تضاد از نظر ماهوی با یکدیگر کاملاً متفاوت‌اند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

برای درک صحیح این دو نوع تضاد مختلف، یعنی تضادهای بین ما و دشمن و تضادهای درون خلق، باید قبل از هر چیز معین شود که "خلق" کیست و "دشمن" کدام است ... در مرحله کنونی که دوران ساختمان سوسیالیسم است، خلق شامل آن طبقات، قشر ها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی می‌شود که طرفدار و پشتیبان امر ساختمان سوسیالیسم هستند و در آن شرکت می‌جویند، در حالیکه دشمنان خلق، آن نیروها و گروه‌های اجتماعی هستند که در برابر انقلاب سوسیالیستی مقاومت می‌ورزند، نسبت به ساختمان سوسیالیسم به دیده خصومت می‌نگرند و به آن زیان می‌رسانند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در شرایط کنونی کشور ما، تضادهای درون خلق عبارتند از تضادهای درونی طبقه کارگر، تضادهای درونی طبقه دهقان، تضادهای درونی روشنفکران، تضادهای بین طبقه کارگر و طبقه دهقان، تضادهای بین کارگران و دهقانان از یک سو و روشنفکران از سوی دیگر، تضادهای بین طبقه کارگر و سایر زحمتکشان از یک طرف و بورژوازی ملی از طرف دیگر، تضادهای درونی بورژوازی ملی و غیره. دولت توده‌ای ما دولتی است که ترجمان واقعی منافع خلق می‌باشد و به خلق خدمت می‌کند؛ معهدا بین دولت و توده‌های مردم نیز تضادهای معینی وجود دارد. تضاد بین مصالح دولتی و کلکتیو از یک سو و منافع افراد از سوی دیگر، تضاد بین دموکراتیسم و سانترالیسم، تضاد بین رهبری‌کنندگان و رهبری‌شوندگان و تضاد بین سبک کار بوروکراتیک برخی از کارمندان دولتی و توده‌ها در شمار این تضادها ست. کلیه این تضادها نیز از نوع تضادهای درون خلق‌اند. به طور کلی، تضادهای درون خلق در چارچوب منافع اساسی و واحد خلق موجودند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

تضادهای بین ما و دشمن تضادهای آنتاگونیستی‌اند. در میان صفوف خلق تضادهای بین زحمتکشان غیرآنتاگونیستی هستند، حال آنکه تضادهای بین طبقات استثمار شونده و طبقات استثمار کننده علاوه بر جنبه‌های آنتاگونیستی دارای جنبه‌های غیرآنتاگونیستی نیز می‌باشند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

خلق ما در زندگی سیاسی چگونه باید صحت و سقم گفتار و کردار ما را تشخیص دهد؟ طبق موازین قانون اساسی ما و طبق اراده اکثریت عظیم خلق ما و برنامه‌های سیاسی که به دفعات از طرف احزاب و گروه‌های سیاسی کشور ما مشترکاً اعلام شده‌اند، ما معتقدیم که این معیارهای تشخیص باید به طور کلی به شرح زیر خلاصه شوند:

۱- گفتار و اعمال ما باید به وحدت ملیت‌های مختلف ما کمک کند نه اینکه باعث تفرقه آنان گردد؛

۲- گفتار و اعمال ما باید تحول سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را به پیش راند نه اینکه به آن زیان بخش باشد؛

۳- گفتار و اعمال ما باید به تحکیم دیکتاتوری دموکراتیک خلق کمک کند نه اینکه باعث تخریب و یا تضعیف آن گردد؛

۴- گفتار و اعمال ما باید به استحکام سانترالیسم دموکراتیک کمک کند نه اینکه باعث تخریب و یا تضعیف آن گردد؛

۵- گفتار و اعمال ما باید در جهت تقویت رهبری حزب کمونیست سیر کند نه اینکه باعث کنار گذاشتن و یا تضعیف آن گردد،

۶- گفتار و اعمال ما باید به حال همبستگی بین‌المللی سوسیالیسم و همبستگی خلق‌های صلح‌دوست جهان سودمند باشد نه زیان بخش.

از این شش معیار راه سوسیالیستی و رهبری حزب از همه مهمتر است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

مسئله سرکوب ضد انقلابیون مسئله مبارزه در چارچوب ما و دشمن است. در میان مردم افرادی یافت می‌شوند که نسبت به این مسئله نظر دیگری دارند. اشخاصی که با ما اختلاف نظر دارند، بر دو نوعند: آنهایی که به سمت راست انحراف دارند، هیچگونه خط فاصلی بین ما و دشمن نمی‌کشند و دشمن را از خود ما می‌دانند. این اشخاص درست آن کسانی را دوست می‌دانند که در نظر توده‌های مردم دشمنند. آنهایی که به سمت چپ انحراف دارند در تضادهای بین ما و دشمن به حدی مبالغه می‌کنند که بعضی از تضادهای درون خلق به مثابه تضادهای ما و دشمن می‌نگرند و افرادی را ضد انقلابی می‌شمارند که در حقیقت ضد انقلابی نیستند. هر دوی این نظرات نادرستند. هیچ یک از این دو نمی‌تواند مسئله سرکوب ضد انقلابیون را به درستی حل کند و از نتایج کار ما در این مورد ارزیابی صحیحی به دست دهد.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

تضادهایی که از نظر کیفی گوناگونند، فقط با اسالیبی می‌توانند حل شوند که از نظر کیفی متفاوتند. فی‌المثل: تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی با اسلوب انقلاب سوسیالیستی حل می‌شود؛ تضاد میان توده‌های مردم و نظام فئودالی با اسلوب انقلاب دموکراتیک حل می‌شود؛ تضاد بین مستعمرات و امپریالیسم با متد جنگ انقلابی حل می‌شود؛ تضاد میان طبقه کارگر و طبقه دهقان در جامعه سوسیالیستی با اسلوب کلکتیو کردن و مکانیزه کردن کشاورزی حل می‌شود؛ تضاد درون حزب کمونیست با اسلوب انتقاد و انتقاد از خود حل می‌شود؛ و تضاد میان جامعه و طبیعت با اسلوب تکامل نیروهای مولده حل می‌شود ... حل تضادهای مختلف به طرق گوناگون اصلی است که مارکسیست - لنینیستها باید دقیقاً از آن پیروی کنند.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۷ آثارمنتخب جلد ۱

از آنجا که تضادهای بین ما و دشمن و تضادهای درون خلق از نظر ماهوی با یکدیگر متفاوتند، لذا طرق حل آنها نیز باید متفاوت باشد. به طور خلاصه، تضادهای نوع اول مربوط به تعیین مرز بین ما و دشمن و تضادهای نوع دوم مربوط به تشخیص حق از ناحق می‌شود. البته مسئله مناسبات بین ما و دشمن نیز به نوبه خود یک مسئله تشخیص حق از ناحق است. مثلاً این مسئله که چه کسی بر حق است، ما یا مرتجعین داخلی و خارجی - امپریالیستها، فئودال‌ها و بورژوازی بوروکراتیک - خود نیز مسئله تشخیص حق از ناحق است، ولی این ماهیتاً با مسئله حق و ناحق در درون خلق فرق می‌کند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

مسائل ایدئولوژیک و مسائل مورد اختلاف در درون خلق را فقط می‌توان به طرق دموکراتیک یعنی از طریق بحث، انتقاد، اقناع و آموزش حل نمود، نه به وسیله جبر و فشار.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

مردم برای اینکه بتوانند به طور مؤثر به کار تولیدی و آموزش بپردازند و زندگی منظمی داشته باشند، از حکومت خود و متصدیان امور تولیدی و از رهبران سازمان‌های فرهنگی و آموزشی می‌خواهند تا دستورات مقتضی اداری که جنبه اجبار داشته باشد، صادر کنند. حفظ نظم اجتماعی بدون چنین دستوراتی مقدور نیست، این مطلب حتی برای کسانی که دارای معلومات ابتدایی هستند، نیز قابل فهم است. دستورات اداری و شیوه‌های اقناع و تربیتی در حل تضادهای درون خلق مکمل یکدیگرند. دستورات اداری که به منظور حفظ نظم اجتماعی صادر می‌شوند، نیز باید با اقناع و تربیت همراه باشند، زیرا در بسیاری از موارد دستورات اداری به تنهایی راه‌گشا نیستند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

بورژوازی و خرده‌نورژوازی ناگزیر به بیان نظرات ایدئولوژیک خود هستند. آنها بدون تردید با سرسختی و به عناوین مختلف در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک سربلند خواهند کرد. شما نمی‌توانید از آنها متوقع باشید که طور دیگری عمل کنند. ما نباید با تشبث به جبر و زور از سر بلند کردن آنها جلوگیری کنیم، بلکه باید به آنان اجازه تظاهر دهیم و در عین حال با آنها به مباحثه پردازیم و آنها را مورد انتقاد لازم قرار دهیم. شکی نیست که ما باید انواع مختلف افکار نادرست را به باد انتقاد بگیریم. این بدیهی است که نباید از انتقاد سرباز زد و با بی‌اعتنایی نظاره‌گر اشاعه افکار نادرست و رونق بازار آنان بود اشتباهات باید مورد انتقاد قرار گیرند، هر جا که گیاهان سمی برویند، باید از ریشه کنده شوند. ولی چنین انتقادی نباید دگماتیکی و متافیزیکی صورت گیرد، بلکه باید کوشش کرد تا شیوه دیالکتیک به کار برده شود. آنچه که ما بدان نیازمندیم، تحلیل علمی و دلایل قانع کننده است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

انتقاد از کمبودهای خلق امری ضرور است، ... اما ما باید در حالیکه این کار را انجام می‌دهیم، کاملاً در موضع خلق قرار بگیریم؛ انتقاد ما باید سرشار از آرزوی آتشین دفاع از خلق

و آموزش وی باشد. اگر ما با رفقای خود چنان رفتار کنیم که با دشمن می‌کنیم، در آن صورت در موضع دشمن جای گرفته‌ایم.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن مه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

تضاد و مبارزه عام و مطلق است، ولی اسلوب حل تضادها یعنی اشکال مبارزه مختلف است، زیرا تضادها خود دارای خصلت گوناگونند. بعضی از تضادها خصلت آنتاگونیستی آشکار نشان می‌دهند، در صورتی که بعضی دیگر دارای چنین خصلتی نیستند. پاره‌ای از تضادها که در بادی امر غیر آنتاگونیستی هستند، طبق تکامل مشخص پدیده‌ها به تضادهای آنتاگونیستی بدل می‌شوند، حال آنکه برخی دیگر که در آغاز آنتاگونیستی هستند، به تضادهای غیر آنتاگونیستی تغییر می‌یابند.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

در شرایط عادی، تضادهای درون خلق آنتاگونیستی نیستند. ولی اگر با آنها به طور صحیح برخورد نشود و یا چنانچه ما در این مورد هوشیاری خود را از دست دهیم و لاقیدی و سهل‌انگاری پیشه گیریم، آنگاه پیدایش آنتاگونیسم امری امکان‌پذیر خواهد شد. در یک کشور سوسیالیستی این نوع رشد و تکامل پدیده‌ایست که معمولاً جنبه محلی موقتی دارد؛ زیرا در آنجا سیستم بهره‌کشی انسان از انسان دیگر از میان رفته و منافع خلق به طور اساسی یکی گشته است.

درباره حل تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در کشور ما تضادهای بین طبقه کارگر و بورژوازی ملی از جمله تضادهای درون خلقند. به علت اینکه بورژوازی ملی در کشور ما خصلتی دوگانه دارد، مبارزه طبقاتی بین طبقه کارگر و بورژوازی ملی به طور کلی بخشی از مبارزه طبقاتی درون خلق را تشکیل می‌دهد. بورژوازی ملی کشور ما در دوران انقلاب بورژوا - دموکراتیک از طرفی دارای جنبه‌ی انقلابی بود و از طرف دیگر جنبه سازشکارانه داشت و در دوران انقلاب سوسیالیستی از طرفی طبقه کارگر را به خاطر کسب سود استثمار می‌کند و از طرف دیگر پشتیبان قانون اساسی است و حاضر به پذیرش تحول سوسیالیستی می‌باشد. بورژوازی ملی با امپریالیستها، با ملاکین و با بورژوازی دموکراتیک تفاوت دارد. تضاد بین بورژوازی ملی و طبقه کارگر تضادی است بین استثمار شوندگان و استثمار کنندگان که فی نفسه آنتاگونیستی است. ولی در شرایط مشخص کشور

ما، هر گاه با اینگونه تضادهای طبقاتی آنتاگونیستی به طرز صحیح برخورد شود، می‌توان آنها را به تضادهای غیرآنتاگونیستی بدل نمود و به طور مسالمت‌آمیز حل کرد. اما اگر ما با اینگونه تضادها برخوردی نادرست داشته باشیم، اگر درباره بورژوازی ملی سیاست وحدت، انتقاد و تربیت را در پیش نگیریم و یا چنانچه بورژوازی ملی این سیاست ما را نپذیرد، آنگاه ممکن است تضاد بین طبقه کارگر و بورژوازی ملی به تضاد بین ما و دشمن بدل شود.

درباره حل تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در چنین موردی [حادثه ضد انقلابی مجارستان در سال ۱۹۵۶] مرتجعین یک کشور سوسیالیستی به همدستی امپریالیستها از تضادهای درون خلق استفاده می‌کنند و با عملیات تحریک‌آمیز و نفاق افکنانه و بر انگیختن شعله‌های آشوب و اغتشاش، تلاش می‌نمایند تا به نقشه‌های توطئه‌گرانه خود جامه عمل بپوشانند. این تجربه وقایع مجارستان، باید مورد دقت و توجه همگان قرار گیرد.

درباره حل تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

۵ - جنگ و صلح

جنگ که با پیدایش مالکیت خصوصی و طبقات آغازیدن گرفته، عالی‌ترین شکل مبارزه برای حل تضادهای بین طبقات، ملتها، دولت‌ها و گروههای سیاسی است که به مرحله تکامل معینی رسیده‌اند.

مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین دسامبر ۱۹۳۶ آثار منتخب جلد ۱

"جنگ ادامه سیاست است"، در این مفهوم جنگ سیاست است. جنگ خود یک عمل سیاسی است؛ از زمانهای خیلی قدیم هیچ جنگی نبوده است که فاقد خصلت سیاسی باشد....

اما جنگ، خصوصیات ویژه خود را نیز داراست و در این مفهوم نمی‌تواند به طور کلی با سیاست هم‌طراز محسوب شود. "جنگ ادامه سیاست با وسایل دیگر است"؛ وقتی که سیاست به مرحله معینی از تکامل رسید که نتواند با وسایل عادی پیش رود، جنگ در می‌گیرد تا موانع را از سر راه سیاست برگیرد وقتیکه مانع رفع و هدف سیاسی تأمین گردید، جنگ نیز پایان می‌پذیرد. ولی اگر مانع به کلی برطرف نشود، جنگ تا نیل کامل به هدف دوام خواهد داشت از این جهت می‌توان گفت که سیاست جنگی است بدون خونریزی، در حالیکه جنگ سیاستی است با خونریزی.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

تاریخ نشان می‌دهد که جنگها به دو نوع تقسیم می‌شوند: جنگ‌های عادلانه و جنگ‌های غیر عادلانه. تمام جنگ‌های مترقی عادلانه اند، ولی جنگ‌هایی که مانع ترقی‌اند، غیرعادلانه هستند. ما کمونیستها با تمام جنگ‌های غیر عادلانه که مانع ترقی هستند، مخالفیم ولی با جنگ‌های مترقی و عادلانه مخالف نیستیم. ما کمونیستها نه تنها با جنگ‌های عادلانه مخالفتی نداریم، بلکه در آنها فعالانه شرکت می‌جوییم. جنگ اول جهانی نمونه‌ای از یک جنگ غیرعادلانه است که در آن دو طرف به خاطر منافع امپریالیستی خود نبرد می‌کردند و به همین جهت بود که تمام کمونیست‌های جهان به طور قاطع با این جنگ مخالفت نمودند. راه مبارزه با این گونه جنگها چنین است: قبل از آغاز جنگ باید با تمام قوا از شروع آن جلوگیری کرد، لیکن وقتی که جنگ در گرفت، باید حتی‌الامکان با جنگ علیه جنگ مبارزه کرد، با جنگ عادلانه علیه جنگ غیرعادلانه برخاست.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

انقلابات و جنگ‌های انقلابی در جوامع طبقاتی اجتناب ناپذیرند، و بدون وجود آنها نه می‌توان جهشی در تکامل جامعه انجام داد و نه می‌توان طبقات ارتجاعی حاکم را سرنگون ساخت و در نتیجه کسب قدرت سیاسی از طرف خلق نیز غیرممکن می‌گردد.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

جنگ انقلابی پادزهری است که نه تنها زهر دشمن را خنثی می‌کند، بلکه آلودگی‌ها و چرکی‌های صفوف ما را می‌زداید. هر جنگ عادلانه و انقلابی دارای قدرت عظیمی است که می‌تواند بسیاری از چیزها را دستخوش تغییر سازد و یا اینکه راه تغییر آنها را باز نماید. جنگ چین و ژاپن هم چین را تغییر خواهد داد و هم ژاپن را. به شرط اینکه چین جنگ مقاومت و سیاست جبهه واحد را به طور تزلزل ناپذیر دنبال کند، یقین ژاپن کهن به ژاپن نوین و چین کهن به چین نوین تبدیل خواهد شد و مردم و همه چیز در چین و در ژاپن طی جنگ و بعد از آن تغییر خواهد یافت.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

هر کمونیست باید این حقیقت را به خوبی درک کند که " قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید".

مسایل جنگ و استراتژی ۶ نوامبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

وظیفه مرکزی و عالی‌ترین شکل انقلاب عبارت است از تصرف قدرت به وسیله نیروهای مسلح، یعنی حل مسئله از طریق جنگ. این اصل انقلابی مارکسیستی - لنینیستی در همه جا، هم در مورد چین و هم در مورد کشورهای دیگر صادق است.

مسایل جنگ و استراتژی ۶ نوامبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

در چین بدون مبارزه مسلحانه نه جایی برای پرولتاریا می‌بود و نه جایی برای مردم و حزب کمونیست، و انقلاب هم نمی‌توانست پیروز شود. رشد، تحکیم و بلشویکی شدن حزب ما در این سالها (۱۸ سال پس از تأسیس حزب) در خلال جنگ‌های انقلابی صورت گرفته است؛ بدون مبارزه مسلحانه حزب کمونیست ما به طور حتم آن نبود که امروز هست. رفقای حزبی هرگز نباید این تجاربی را که ما به بهای خون خریده‌ایم، از یاد دور بدارند.

به مناسبت اولین شماره مجله کمونیست ۴ اکتبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

طبق تئوری مارکسیستی درباره دولت، ارتش در ترکیب قدرت دولت جزء عمده است. کسی که بخواهد قدرت دولت را به دست گیرد و آنرا نگه دارد، باید ارتشی مقتدر داشته باشد. بعضی‌ها ما را به عنوان هواداران تئوری "قدرت مطلق جنگ" به باد تمسخر می‌گیرند. بلی راست است ما طرفدار قدرت مطلق جنگ انقلابی هستیم. این نه اینکه بد نیست، بلکه بسیار خوب است، این مارکسیستی است. تفنگ حزب کمونیست روسیه سوسیالیسم را آفرید. ما می‌خواهیم یک جمهوری دموکراتیک ایجاد کنیم. تجربه مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم به ما می‌آموزد که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش فقط به زور تفنگ است که می‌تواند بر طبقات مسلح بورژوازی و ملاکین پیروز گردند، در این مفهوم می‌توان که تغییر در جهان ممکن نیست، مگر به وسیله تفنگ.

مسایل جنگ و استراتژی ۶ نوامبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

ما هوادار برانداختن جنگیم، ما جنگ نمی‌خواهیم؛ ولی جنگ را فقط به وسیله جنگ می‌توان برانداخت؛ برای اینکه دیگر تفنگی در میان نباشد، حتماً باید تفنگ در دست گرفت.

مسایل جنگ و استراتژی ۶ نوامبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

جنگ، این هیولای کشتار انسانها به دست یکدیگر، سرانجام در اثر تکامل جامعه بشری از میان خواهد رفت، و حتی در آینده‌ایکه چندان دور نیست، از میان خواهد رفت. ولی برای

بر انداختن جنگ فقط یک راه موجود است: به وسیله جنگ با جنگ مقابله کردن؛ به وسیله جنگ انقلابی با جنگ ضد انقلابی مبارزه کردن؛ به وسیله جنگ طبقاتی انقلابی با جنگ طبقاتی ضد انقلابی مبارزه کردن وقتیکه جامعه بشری به آن نقطه از پیشرفت رسد که طبقات و دولتها زوال یابند، دیگر جنگی در میان نخواهد بود - نه جنگ ضد انقلابی و نه جنگ انقلابی؛ نه جنگ غیر عادلانه و نه جنگ عادلانه- و این، عصر صلح جاودان بشریت خواهد بود. علاقه ما به مطالعه قوانین جنگ انقلابی از آرزوی ما در بر انداختن همه جنگها ناشی می شود و درست در همین جاست که وجه تمایز بین ما کمونیستها و تمام طبقات استعمارگر نمایان می گردد.

مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین دسامبر ۱۹۳۶ آثار منتخب جلد ۱

کشور ما و سایر کشورهای سوسیالیستی همه خواهان صلح اند؛ به همین ترتیب خلقهای کشورهای سراسر جهان نیز صلح می خواهند. مشتاقان جنگ و مخالفان صلح تنها گروههای سرمایه انحصاری در چند کشور امپریالیستی هستند که برای منافع آزمندانه خود دست به تجاوز می زنند.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶

به خاطر نیل به صلح پایدار در جهان ما باید دوستی و همکاری خود را با کشورهای برادر اردوگاه سوسیالیستی بیش از پیش توسعه دهیم و همبستگی خود را با تمام کشورهای صلح دوست تقویت کنیم. ما باید بکوشیم تا بر پایه احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت و بر اساس برابری و سود متقابل به کشورها ای که می خواهند با ما به طور مسالمت آمیز همزیستی کنند، مناسبات عادی دیپلماتیک برقرار سازیم ما باید از جنبشهای آزادیبخش و استقلال ملی کشورهای آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین و همچنین از جنبش و مبارزات عادلانه تمام کشورهای جهان فعالانه پشتیبانی کنیم.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶

در مورد کشورهای امپریالیستی، ما باید با خلقهای این کشورها متحد شویم برای همزیستی مسالمت آمیز با این کشورها کوشش کنیم، با آنها معامله کنیم و از وقوع یک جنگ احتمالی پیشگیری نماییم ولی درباره این کشورها به هیچ وجه نباید به خود تصورات واهی راه دهیم.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

ما خواهان صلحیم. ولی اگر امپریالیسم در برپاساختن جنگ اصرار ورزد ما چاره‌ای به جز این نخواهیم داشت که عزم خود را جزم کنیم اول بکنیم و بعد بسازیم. اگر شما همیشه از جنگ بترسید پس اگر جنگی درگیر شود چه خواهید کرد؟ ابتدا من گفتم که باد خاور بر باد باختر چیره می‌شود و جنگی برپا نخواهد شد، و اکنون این توضیحات را در مورد حالتی که جنگ درگیر شود به آن اضافه می‌کنیم؛ و بدین ترتیب این هر دو امکان را به حساب آوریم.

نطق در جلسه احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو ۱۸ نوامبر ۱۹۵۷

اکنون بر سر احتمال وقوع جنگ جهانی سوم در میان مردم سراسر جهان بحثی درگیر است در این مورد ما باید از لحاظ روانی آماده باشیم و در عین حال نسبت به وقایع به طور تحلیلی برخورد کنیم. ما طرفدار صلح و مخالف جنگیم. ولی هر گاه امپریالیست‌ها در بر افروختن آتش جنگ اصرار ورزند، ما نباید از آن ترسی داشته باشیم موضع گیری ما نسبت به این مسئله نیز مانند موضع گیری ما نسبت به کلیه "اغتشاشات" است: اولاً، ما مخالف آنیم؛ ثانیاً، از آن ترسی نداریم. پس از اولین جنگ جهانی اتحاد شوروی با جمعیتی برابر ۲۰۰ میلیون نفر به وجود آمد. و پس از دومین جنگ جهانی اردوگاه سوسیالیستی با جمعیتی برابر ۹۰۰ میلیون نفر پا به عرصه وجود نهاد. چنانچه امپریالیست‌ها سومین جنگ جهانی را برپا سازند، به یقین صدها میلیون انسان دیگر به سوسیالیسم خواهند پیوست و فقط بخش کوچکی از جهان تحت تسلط امپریالیسم باقی خواهد ماند؛ و حتی محتمل است که مجموعه سیستم امپریالیستی به کلی مضمحل گردد.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

فتنه‌گری، شکست، باز هم فتنه‌گری، باز هم شکست... و سرانجام نابودی - چنین است منطق امپریالیست‌ها و تمام مرتجعین جهان نسبت به امر خلق؛ آنها هرگز خلاف این منطق عمل نخواهند کرد و این قانونی است مارکسیستی. وقتی که ما می‌گوییم "امپریالیسم وحشی و درنده‌خوست"، منظورمان اینستکه سرشت امپریالیسم هرگز تغییر نخواهد کرد. امپریالیست‌ها حتی تا دم مرگ هم ساطور قصابی خود را به زمین نمی‌گذارند و هیچگاه به بوداییان نیک صفت تبدیل نمی‌شوند.

مبارزه، شکست، باز هم مبارزه، باز هم شکست، باز هم مبارزه... و سرانجام پیروزی - چنین است منطق خلق؛ و خلق هرگز خلاف این منطق عمل نخواهد کرد. این نیز قانونی

است مارکسیستی. انقلاب خلق روسیه از این قانون پیروی کرد و انقلاب خلق چین نیز پیرو این قانون است.

تصویرات واهی ره به دور افکنید، و خود را برای مبارزه آماده کنید ۱۴ اوت ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

ما هرگز نباید از اینکه پیروز شده‌ایم، هشیاری خود را در مقابل دسایس شوم و انتقام جوانه امپریالیستها و سگهای زنجیریشان از دست بدهیم. کسیکه هشیاری خود را از دست بدهد، خوشتن را از لحاظ سیاسی خلع سلاح کرده و به یک موضع پاسیو انداخته است.

نطق در کمیته تدارکی کنفرانس جدید مشورتی سیاسی ۱۵ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

امپریالیستها و سگهای زنجیریشان، یعنی مرتجعین چین به شکست خود در سرزمین چین تن در نخواهند داد. آنها یقیناً به طرق مختلف علیه چین با یکدیگر به بند و بست ادامه خواهند داد. آنها مثلاً اعمال خود را برای فعالیتهای نفاق‌افکنانه و تخریبی به طور قاچاق به چین وارد خواهند کرد. این امر مسلمی است که آنها هرگز دست از اینگونه فعالیتهای برنخواهند داشت. مثال دیگری را در نظر بگیریم، امپریالیستها می‌خواهند با تحریک مرتجعین چینی و حتی به وسیله قوای خود بنادر چین را محاصره کنند. آنها حتی‌الامکان دست از اینگونه اقدامات برنخواهند داشت و بعلاوه، اگر پا را تا حد ماجراجویی فرا نهند، امکان این هست که قسمتی از قشون خود را برای تجاوز و خرابکاری به مرزهای چین اعزام دارند. ما باید همه اینها را کاملاً در نظر بگیریم.

نطق در کمیته تدارکی کنفرانس جدید مشورتی سیاسی ۱۵ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

جهان در حال پیشرفت است، آینده درخشان است و هیچ کسی را قادر به تغییر این سیر عمومی تاریخ نیست. ما باید پیوسته ترقیات جهان و آینده تابناک آن را در میان خلق تبلیغ کنیم تا از این طریق خلق به پیروزی ایمان بیابد.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

فرماندهان و جنگجویان ارتش آزادی‌بخش توده‌ای هرگز نباید موجبات سستی اراده رزمنده خویش را فراهم آورند، هر گونه تفکری که باعث سستی اراده رزمنده شود و به دشمن کم‌بها دهد، نادرست است.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹

آثار منتخب جلد ۴

۶ - امپریالیسم و کلیه مرتجعین ببر کاغذی هستند

کلیه مرتجعین ببر کاغذی هستند. مرتجعین به ظاهر ترسناک به نظر می‌آیند، ولی در واقع چندان نیرومند نیستند. در بررسی مسایل از دید وسیع و طولانی ملاحظه می‌شود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است، نه مرتجعین.

مصاحبه با خبرنگار آمریکایی آنا لوئیز استرانگ اوت ۱۹۴۶ آثارمنتخب جلد ۴

همانطوری که در جهان چیزی یافت نمی‌شود که طبیعت دوگانه نداشته باشد (این قانون وحدت اضداد است)، امپریالیسم و تمام مرتجعین نیز دارای طبیعت دوگانه‌اند - آنها هم ببر حقیقی‌اند و هم ببر کاغذی. در تاریخ، طبقات برده‌دار و مالکین فئودال و بورژوازی قبل از بدست آوردن قدرت دولت و یا تا مدتی بعد از آن، سرشار از نیروی حیات، انقلابی و متریقی بودند - آنها ببران حقیقی بودند؛ ولی با گذشت زمان به علت اینکه طرف مخالف آنان - طبقه بردگان، طبقه دهقانان و پرولتاریا - به تدریج نیرومند گردیده و علیه آنها هر لحظه شدیدتر مبارزه می‌کردند، این طبقات حاکم رفته رفته به عکس خود تغییر یافتند، به افراد مرتجع و عقب‌مانده تبدیل گردیدند - آنها ببران کاغذی شده و سرانجام از طرف مردم سرنگون گردیدند، یا سرانجام سرنگون خواهند شد. طبقات مرتجع عقب‌مانده و پوسیده این خصلت دوگانه را حتی در برابر مبارزه مرگ و زندگی خلق نیز حفظ می‌کنند. آنها از یک سو ببران حقیقی و آدم‌خوارند و انسانها را میلیون میلیون، ده میلیون ده میلیون می‌بلعند. امر مبارزه خلق دوران سخت و پردردی را پیموده و از راه پر پیچ و خمی گذشته است. مردم چین قبل از رسیدن به پیروزی در سال ۱۹۴۹، برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه‌داری بوروکراتیک در چین مجبور شدند که بیش از صد سال وقت صرف کنند و ده‌ها میلیون جان آدمی قربانی دهند. ملاحظه کنید، آیا اینان ببران زنده، ببران پولادین، ببران حقیقی نبودند؟ ولی سرانجام به ببران کاغذی، ببران مرده و ببران خمیری بدل گشتند. اینها همه حقایق تاریخی هستند. آیا انسانها شاهد این رخدادها نبوده یا درباره آنها چیزی نشنیده‌اند؟ اینها همه در واقع هزاران هزار گواه هستند! هزاران هزار! بدین سبب بایستی امپریالیسم و همه مرتجعین را به طور ماهوی و از یک دید طولانی و از نظر استراتژیک همانگونه که واقعاً هستند، ببر کاغذی شمرد. از سوی دیگر آنها ببران زنده، ببران پولادین، ببران حقیقی هستند که قادرند انسانها را ببلعند. بر این اساس است که باید فکر تاکتیکی ما استوار گردد.

سخنرانی در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در اوچان ۱
دسامبر ۱۹۵۸ آثار منتخب جلد ۴ نقل شده در توضیح بر مصاحبه با خبرنگار امریکایی آنا
لوئیز استرانگ

من گفتم که تمام مرتجعین به اصطلاح نیرومند، ببری کاغذی بیش نیستند. زیرا آنها از
مردم جدا هستند. ببینید، آیا هیتلر ببر کاغذی نبود؟ آیا هیتلر سرنگون نشد؟ من باز گفتم
که تزار روسیه امپراطور چین و امپریالیسم ژاپن نیز همگی ببر کاغذی هستند. همانطور که
می‌دانید آنها همگی سرنگون شدند. امپریالیسم آمریکا هنوز سرنگون نشده و بمب اتمی در
اختیار دارد. ولی من معتقدم که او نیز سرنگون خواهد شد. او هم ببری کاغذی است.

سخنرانی در جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو ۱۸ نوامبر ۱۹۵۷

ما چینی‌ها در توصیف راه و رسم تهی‌مغزان ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: سنگی را
که بلند کرده‌اند، عاقبت روی پای خودشان خواهد افتاد. مرتجعین جهان همانند اینگونه
تهی‌مغزانند. تعقیب و سرکوب مردم انقلابی از طرف آنها سرانجام خلق‌ها را به انقلابی شعله
افروزتر و پردامنه‌تر برمی‌انگیزد. مگر تعقیب و سرکوب مردم انقلابی از طرف تزار روسیه و
چانکایشک نبود که باعث برانگیختن انقلاب کبیر روسیه و انقلاب کبیر چین گردید؟

سخنرانی در جلسه شورای عالی اتحاد شوروی به مناسبت چهلمین سالگشت انقلاب

کبیر اکتبر سوسیالیستی ۶ نوامبر ۱۹۵۷

امپریالیسم آمریکا بخشی از خاک چین، تایوان را مورد تجاوز قرار داد و ۹ سال تمام
است که آن را تحت اشغال خود نگاه داشته است. چندی پیش امپریالیسم امریکابرای تجاوز و
اشغال لبنان نیروی نظامی به آنجا اعزام کرد. ایالت متحده امریکا در بسیاری از کشورهای
جهان صدها پایگاه نظامی برپا ساخته است. تایوان چین، لبنان و همه پایگاه‌های نظامی
امریکا در خارج چون حلقه‌های طنابی هستند که بر گردن امپریالیسم آمریکا افتاده‌اند. این
طناب را هیچکسی به جز امپریالیسم آمریکا نبافته است، و این امپریالیسم امریکاست که این
طناب را به دور کردن خود گره زده و سرش را به دست خلق چین و خلق‌های کشورهای
عربی و مردم صلح دوست جهان که علیه تجاوز در پیکارند، داده است. متجاوزین امریکایی هر
قدر بیشتر در این مناطق بمانند گره این طنابها به دور گردنشان محکمتر خواهد شد.

سخنرانی در کنفرانس عالی دولتی ۸ سپتامبر ۱۹۵۸

دیری نخواهد پایید که امپریالیسم به خاطر فجایعی که مرتکب می‌شود به گور سپرده شود. امپریالیسم در پرورش و حمایت مرتجعین کشورهای مختلف که علیه خلق برخاسته‌اند، اصرار و سماجت می‌ورزد؛ امپریالیسم با توسل به جبر و زور بر بسیاری از مستعمرات، نیمه مستعمرات و پایگاههای نظامی چنگ انداخته و صلح جهانی را با جنگ اتمی مورد تهدید قرار داده است. بدینسان امپریالیسم بیش از ۹۰ درصد مردم جهان را وادار ساخته است که علیه او برخیزند و یا خود را برای مبارزه با او آماده کنند. هنوز امپریالیسم برجاست و هنوز در آسیا، آفریقا و در امریکای لاتین ترکتازی می‌کند. امپریالیستها در غرب هنوز از تعدی و تعرض نسبت به توده‌های مردم کشور خود دست نکشیده‌اند. این وضع باید تغییر یابد. این وظیفه خلق‌های سراسر جهان است که به تجاوز و مظالم امپریالیسم، و به طور عمده امپریالیسم آمریکا خاتمه دهند.

مصاحبه با مخبر خبرنگاری سین خوا ۲۹ سپتامبر ۱۹۵۸

امپریالیسم امریکا در همه جا خودسری و تحمیل اراده می‌کند و خود را به صورت دشمن همه‌ی خلق‌های سراسر جهان درآورده و بیش از پیش منفرد گردیده است. آنهایی که به بردگی تن در نمی‌دهند هرگز مرعوب بمب‌های اتمی و هیدروژنی امپریالیسم امریکا نخواهند شد. خشم طوفان‌زای خلق‌های جهان را که بنیادکن متجاوزین امریکایی است، نمی‌توان فرونشاند. مبارزه خلق‌های جهان علیه امپریالیسم امریکا و سگ‌های زنجیریش به طور قطع پیروزی‌های باز هم بزرگتری کسب خواهد نمود.

اعلامیه در پشتیبانی از مبارزه عادلانه و میهن‌پرستانه خلق پاناما علیه امپریالیسم امریکا

۱۲ ژانویه ۱۹۶۴

چنانچه گروههای انحصاری ایالات متحده امریکا در ادامه سیاست تجاوز و جنگ خود اصرار ورزند، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که خلق‌های سراسر جهان آنها را به چوبه دار بیاویزند. همدستان ایالت متحده امریکا نیز سرنوشتی بهتر از این نخواهند داشت.

سخنرانی در کنفرانس عالی دولتی ۸ سپتامبر ۱۹۵۸

ما طی یک دوره طولانی برای مبارزه علیه دشمن چنین فرمولی تدوین کرده‌ایم: از نظر استراتژیک باید به دشمن کم بها دهیم، ولی از نظر تاکتیکی باید دشمن را جدی بگیریم. به سخن دیگر، ما باید در مجموع دشمن را حقیر بشماریم، ولی در هر مسئله مشخص او را

جدی بگیریم. چنانچه ما دشمن را در مجموع حقیر نشماریم، به اشتباه اپورتونیستی دچار خواهیم شد. مارکس و انگلس دو نفر بیشتر نبودند، اما در همان موقع اعلام کردند که سرمایه‌داری در جهان مضمحل خواهد شد. ولی در برخورد با مسائل مشخص و در برخورد با یکایک دشمنان اگر ما آنها را جدی نگیریم، مسلماً به ماجراجویی کشانده خواهیم شد. نبردها در طول یک جنگ فقط یک به یک می‌توانند صورت بگیرند؛ نیروهای دشمن فقط یک به یک می‌توانند نابود شوند؛ کارخانه‌ها را فقط یک به یک می‌توان ساخت دهقانان زمین را فقط قطعه به قطعه می‌توانند شخم بزنند. این موضوع حتی در مورد غذا خوردن نیز صادق است. ما از نظر استراتژیک عمل غذا خوردن را باید آسان بگیریم، یعنی اینکه ما می‌دانیم که غذا را می‌توانیم تمام کنیم، ولی به طور مشخص غذا را باید لقمه به لقمه بخوریم؛ تمام غذای یک مهمانی را نمی‌توان در یک لقمه فرو برد. این اسلوب به نام اسلوب حل یک به یک معروف شده است و در اصطلاح نظامی به عنوان در هم شکست یک به یک قوای دشمن آمده است.

سخنرانی در جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو ۱۸ نوامبر ۱۹۵۷

به عقیده من اکنون اوضاع جهان به نقطه چرخش نوینی رسیده است. در جهان معاصر دو جریان باد دیده می‌شود: یکی باد خاور و دیگری باد باختر است. در زبان چینی ضرب‌المثلی هست که می‌گوید: یا باد خاور بر باد باختر چیره می‌شود یا باد باختر بر باد خاور. من معتقدم که یکی از مشخصات اوضاع کنونی چیرگی باد خاور بر باختر است، به سخن دیگر نیروهای سوسیالیسم بر نیروهای امپریالیسم برتری کامل یافته‌اند.

سخنرانی در جلسه مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری در مسکو ۱۸ نوامبر ۱۹۵۷

۷- جرأت برای مبارزه و جرأت برای کسب پیروزی

خلقهای سراسر جهان متحد شوید و تجاوز کاران امریکایی و سگهای زنجیری شان را در هم بشکنید! خلقهای سراسر جهان تهور داشته باشید، به خود جرأت پیکار دهید، از دشواریها نهراسید و موج به موج پیش روید. تنها در چنین صورتی است که سراسر جهان از آن خلق‌ها خواهد شد و کلیه اهریمنان افعی صفت محو و نابود خواهند گشت.

بیاننامه در پشتیبانی از خلق کنگوی لئو پلدویل در مبارزه علیه تجاوز امریکا ۲۸ نوامبر ۱۹۶۴

حزب کمونیست چین با ارزیابی دقیق اوضاع بین‌المللی و داخلی بر اساس علم مارکسیسم - لنینیسم در یافته است که نه فقط باید بلکه به خوبی می‌توان حملات مرتجعین

داخلی و خارجی را در هم شکست. هنگامی که آسمان را پوششی از ابرهای سیاه فرا گرفته بود، ما یادآور شدیم که این فقط پدیده‌ای موقتی است، ظلمت و تاریکی به زودی وداع خواهد گفت و سپیده صبحگاهی مژده ورود خواهد داد.

اوضاع کنونی و وظایف ما ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

در تاریخ بشریت همواره نیروهای مرتجع که در شرف زوال و نابودی‌اند، به آخرین مبارزه نومیدانه علیه نیروهای انقلابی پناه می‌برند، و اغلب بعضی از انقلابیون تا مدتی مجذوب این قدرت ظاهری که در پس آن ضعف باطنی پنهان است، گردیده و از درک این حقیقت عاجز میمانند که دشمن نزدیک به زوال و خود درآستانه پیروزی است.

نقطه چرخش در جنگ جهانی دوم ۱۲ اکتبر ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

اگر آنها [گومیندان] جنگ را آغاز کنند، ما آنها را یکباره نابود خواهیم ساخت. جریان امر بدین صورت است: اگر آنها به ما حمله کنند و ما نابودشان کنیم، آنها راضی خواهند شد؛ اگر کمی از آنها نابود شوند، کمی راضی خواهند شد؛ اگر عده‌ی بیشتری از آنها نابود شوند، بیشتر راضی خواهند شد؛ و اگر کاملاً نابود شوند، کاملاً راضی خواهند شد. مسائل چین بغرنج و پیچیده‌اند، افکار ما نیز باید تا حدودی بغرنج باشند. اگر آنها نبرد را آغاز کنند ما می‌جنگیم، ما به خاطر صلح می‌جنگیم.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

اگر کسی به ما حمله کند و در صورتی که شرایط برای نبرد مساعد باشد ما مسلماً برای دفاع از خود او را با قطعیت از بیخ و بن و به طور تمام و کمال از بین خواهیم برد. (ما نباید زود وارد جنگ شویم ولی وقتی که وارد شدیم، باید حتماً پیروز شویم). ما هرگز نباید در مقابل صلابت و هیبت ظاهری مرتجعین مرعوب گردیم.

درباره مذاکرات صلح با گومیندان - بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۲۶

اوت ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

اگر به میل ما باشد، حتی یک روز هم نخواهیم جنگید. ولی اگر اوضاع ما را به جنگ مجبور سازد، ما قادریم تا آخر جنگ پایداری کنیم.

مصاحبه با خبرنگار آمریکایی آنا لوئیز استرانگ اوت ۱۹۴۶ آثار منتخب جلد ۴

ما خواهان صلحیم. ولی تا زمانیکه امپریالیسم آمریکا تقاضاهای زورگویانه و بی‌اساس خود را رها نکند و از توطئه چینی در جهت توسعه تجاوز دست نکشد، یگانه راهی که برای خلق چین باقی می‌ماند، اینستکه دوشادوش خلق کره با عزم راسخ به پیکار ادامه دهد. این به معنی آن نیست که ما جنگ طلب هستیم. ما حاضریم فوراً به جنگ خاتمه دهیم و حل بقیه مسائل را به آینده محول کنیم. ولی امپریالیسم آمریکا حاضر به این امر نیست - بسیار خوب، حال که چنین است، بگذار جنگ ادامه بیابد. تا هر چند سالی که امپریالیسم آمریکا مایل به جنگیدن است ما نیز به جنگ ادامه می‌دهیم - تا لحظه‌ای که او به قطع جنگ راضی شود، تا لحظه‌ایکه خلق چین و خلق کره به پیروزی کامل دست یابند.

سخنرانی در چهارمین اجلاس هیئت اولین دوره کمیته کشوری کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین ۷ فوریه ۱۹۵۳

ما باید صفوف خود را از هر گونه روحیه سستی و ناتوانی پاک کنیم. کلیه نظراتی که به نیروهای دشمن پربها داده و به نیروهای خلق کم بها می‌دهند، نادرستند.
اوضاع کنونی و وظایف ما ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

خلقه‌های ستم‌دیده و ملل رنج کشیده هرگز نباید برای کسب آزادی چشم امید به "خردمندی" امپریالیسم و سگ‌های زنجیری آنها بدوزند. آنها فقط با تحکیم همبستگی و مبارزه پیگیر خود است که می‌توانند شاهد پیروزی را در آغوش کنند.

بیان نامه علیه تجاوز به بخش جنوبی ویتنام و کشتار اهالی آن بخش از طرفدار و دسته آمریکا - نگودین دیم ۲۹ اوت ۱۹۶۳

ما باید بدون توجه به اینکه این جنگ داخلی در سراسر کشور چه موقعی برپا خواهد شد، خود را به خوبی آماده نگه داریم. حتی اگر این جنگ به زودی یعنی مثلاً فردا صبح شروع شود، ما باید آماده باشیم. این نکته اول است. به سبب وضع کنونی بین‌المللی و داخلی ممکن است تا مدتی دامنه جنگ داخلی محدود و در چارچوب محلی باقی بماند. این نکته دوم است. نکته اول آن چیزی است که ما باید در مقابل آن آمادگی داشته باشیم و نکته دوم چیزی است که از مدتها پیش وجود داشته است. خلاصه کلام ما باید خود را آماده نگه داریم. در صورتیکه ما آمادگی داشته باشیم، قادر خواهیم بود آنگونه که شایسته است با هر نوع وضع بغرنجی برخورد کنیم.

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن ۱۳ اوت ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

۸ - جنگ توده‌ای

جنگ انقلابی جنگ توده‌هاست و تنها با بسیج توده‌ها و اتکا به آنهاست که می‌توان به چنین جنگی دست زد.

از زندگی توده‌ها مواظبت کنید، به شیوه کار توجه نمایید ۲۷ ژانویه ۱۹۳۴ آثار منتخب جلد ۱

دژ پولادین واقعی کدام است؟ این دژ پولادین توده‌ها هستند، میلیون‌ها میلیون توده‌ای که با صمیمیت و خلوص نیت از انقلاب پشتیبانی می‌کنند. اینست آن دژ پولادین واقعی که هیچ نیرویی را یارای در هم شکستن آن نیست؛ ضد انقلاب قادر به درهم شکستن ما نیست. ولی به عکس ما آن را در هم خواهیم شکست. با گرد آوردن توده‌های میلیونی مردم به دور دولت انقلابی و گسترش جنگ انقلابی، ما خواهیم توانست ضد انقلاب را محو و نابود سازیم و سراسر چین را به تصرف درآوریم.

۲۷ از زندگی توده‌ها مواظبت کنید، به شیوه کار توجه نمایید ژانویه ۱۹۳۴ آثار منتخب جلد ۱

غنی‌ترین سرچشمه نیروها ی بزرگ جنگ در میان توده‌های مردم نهفته است. به طور عمده به علت عدم تشکل خلق چین است که ژاپن جرئت یافته ما را مورد اهانت قرار دهد. اگر این نقیصه برطرف گردد، تجاوزکاران ژاپنی، چون گاو کوهی مست که به میان شعله‌های آتش می‌دود تحت محاصره صدها میلیون مردمی که به پا خواسته‌اند قرار می‌گیرند و با یک نهیب فریاد آنها لرزه بر اندامشان افتاده در آتش می‌سوزند.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

امپریالیستها چنان ما را مورد تهدید قرار داده‌اند که ما مجبوریم با آنها به طور جدی برخورد کنیم. ما نه فقط باید ارتش منظم نیرومندی در اختیار داشته باشیم، بلکه باید به طور وسیع لشکرهای چریک توده‌ای را نیز تشکیل دهیم. بدین ترتیب امپریالیستها در صورت تهاجم حتی یک وجب هم قادر به پیشروی در خاک کشور ما نخواهند بود.

مصاحبه با مخبر خبرنگاری سین خوا ۲۹ سپتامبر ۱۹۵۸

اگر جنگ انقلابی را در مجموع آن در نظر بگیریم، عملیات نظامی پارتیزان‌های توده‌ای و عملیات ارتش سرخ به مثابه نیروهای عمده جنگ مانند دست چپ و راست انسان مکمل یکدیگرند، و اگر ما تنها ارتش سرخ را به مثابه نیروهای عمده در اختیار داشته باشیم ولی

فاقد پارتیزان های توده‌ای باشیم، بسان جنگجویی خواهیم بود که فقط صاحب یک دست است و به عبارت مشخص و به ویژه از لحاظ عملیات نظامی، وقتیکه ما از اهالی مناطق پایگاهی به مثابه یکی از عوامل جنگ سخن می‌گوییم، منظورمان خلق مسلح است. اینست دلیل عمده آنها چرا دشمن از ورود به مناطق پایگاهی ما وحشت دارد.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین دسامبر ۱۹۳۶ آثار منتخب جلد ۱

بی‌شک پیروزی یا شکست جنگ را به طور عمده شرایط نظامی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی دو طرف متخاصم معین می‌کند. ولی این تمام مطلب نیست. توانایی ذهنی طرفین در هدایت عملیات جنگ نیز در تعیین فرجام جنگ مؤثر است. یک استراتژ نظامی در تلاش خود برای نیل به پیروزی نمی‌تواند از حدودیکه شرایط مادی ایجاد کرده‌اند، پا فراتر نهد، ولی او می‌تواند و باید برای کسب پیروزی در حدود همین شرایط تلاش کند. صحنه عملیات یک استراتژ نظامی بر روی شرایط مادی عینی ساخته شده است، ولی او می‌تواند بر روی همین صحنه حماسه‌های پر شکوهی را که مملو از رنگ‌ها و آهنگ‌ها، پر از قدرت و عظمت‌اند، هدایت کند.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین دسامبر ۱۹۳۶ آثار منتخب جلد ۱

هدف جنگ به جز " حفظ نیروهای خود و نابودی قوای دشمن " چیز دیگری نیست؛) نابودی دشمن به معنای نابودی فیزیکی یکایک آنها نیست بلکه به معنای خلع سلاح آنها یا " سلب قدرت مقاومت از آنها است. در جنگهای باستانی از نیزه و سپر استفاده می‌کردند؛ نیزه برای حمله و نابودی دشمن، و سپر برای دفاع و حفظ خود. تمام سلاح‌ها تا دوران ما نتیجه تکامل نیزه و سپر هستند. بمب‌افکن، مسلسل، توپخانه بلند و گازهای سمی همه ادامه و تکامل نیزه‌اند، در حالیکه پناهگاههای ضد هوایی، کلاه‌خود، استحکامات بتونی، ماسک ضد گاز، دنباله و تکامل سپر هستند. تانک سلاح نوع جدیدی است که از ترکیب عمل نیزه و سپر بدست آمده است. برای نابودی نیروهای دشمن، حمله وسیله عمده است، ولی دفاع را هم نباید به کلی حذف کرد. هدف مستقیم حمله نابودی دشمن است، اما در عین حال، حفظ نیروهای خودی را نیز در بردارد، زیرا اگر تو دشمن را نابود نکنی، دشمن تو را نابود خواهد کرد. در دفاع هدف مستقیم حفظ نیروهای خودی است، ولی دفاع در عین حال نیز یک وسیله کمکی برای حمله یا تدارک انتقال از دفاع به حمله است. عقب نشینی مقوله‌ای از دفاع و ادامه‌ی آن می‌باشد، درحالی که تعاقب ادامه حمله است. باید خاطر نشان ساخت که از میان هدف‌های جنگ محو قوای دشمن هدف عمده و حفظ نیروهای خودی هدف ثانوی

است، زیرا که تنها با نابودی جمعی نیروهای دشمن است که می‌توان خود را به طور مؤثر حفظ کرد. از اینرو حمله به عنوان وسیله عمده نابودی نیروهای دشمن نقش اساسی دارد، در حالیکه دفاع به عنوان یک وسیله کمکی برای محو نیروهای دشمن و وسیله‌ای برای حفظ نیروهای خودی دارای نقش درجه دوم است. عملاً در جنگ دفاع در اکثر مواقع و حمله در مواقع دیگر نقش عمده را دارا است، ولی اگر تمام جنگ را در مجموع آن در نظر بگیریم، حمله همچنان عمده باقی می‌ماند.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

کلیه اصول هدایت‌کننده عملیات نظامی از یک اصل اساسی ناشی می‌شوند: کوشش هر چه تمام‌تر در حفظ نیروهای خود و نابودی دشمن.

... پس چگونه می‌توان تشویق به جانبازی قهرمانانه در جنگ را توجیه کرد؟ در هر جنگ باید بهایی پرداخت و حتی گاهی بهای بسیار گزاف. آیا این با اصل "حفظ نیروهای خود" در تضاد نیست؟ در واقع خیر! دقیق‌تر اینکه، جانبازی و حفظ نیروهای خود در عین ضدیت با هم مکمل یکدیگرند. زیرا نه فقط برای نابودی دشمن بلکه برای حفظ نیروهای خود نیز الزاماً باید جانبازی نمود. "حفظ نکردن نیروهای خود (فداکاری یا پرداختن بها) به طور موقتی و جزئی به خاطر حفظ عمومی و دائمی نیروهای خود لازم است. از این اصل اساسی یک سری اصولی که عملیات نظامی را هدایت می‌کند، مشتق می‌شود؛ همه اینها - یعنی از اصول تیراندازی گرفته (استتار برای حفظ خود و استفاده کامل از قدرت آتش برای نابود ساختن دشمن) تا اصول استراتژی - از روح این اصل اساسی جان می‌گیرند. تمام اصول فنی و اصولیکه مربوط به تاکتیک، عملیات اپراتیو و استراتژیک می‌شوند، نموداری از تحقق این اصل اساسی هستند. اصل حفظ نیروهای خود و نابودی نیروهای دشمن پایه و اساس تمام اصول نظامی است.

مسایل استراتژی در جنگ پارتیزانی علیه ژاپن مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

اصول نظامی ما بدین قرارند:

۱- ابتدا حمله به دستجات پراکنده و منفرد دشمن و سپس حمله به قوای متمرکز و نیرومند دشمن.

۲- ابتدا تصرف شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستایی و سپس تصرف شهرهای بزرگ.

۳- هدف عمده ما نابودی نیروی مؤثر دشمن است، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمینها. حفظ و تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابودی قوای مؤثر دشمن است، و معمولاً یک شهر یا یک منطقه زمانی می‌تواند به خوبی نگهداری یا به طور نهایی تصرف شود که چند بار دست به دست گشته باشد.

۴- در هر نبرد باید نیروهای نظامی کاملاً برتر را متمرکز ساخت (دو، سه و یا چهار و گاهی حتی پنج یا شش برابر نیروهای دشمن)، قوای دشمن را باید از چهار طرف به حلقه محاصره در آورد و سعی در نابودی کامل آن نمود، به طوریکه حتی یک نفر فرصت فرار نیابد. در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کننده بر دشمن استفاده کرد، بدین معنی که ما باید با تمرکز همه نیروی خود از روبرو به دشمن حمله کنیم و در عین حال به یک یا دو جناح آن نیز حمله بریم، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگری را تار و مار کنیم تا ارتش ما بتواند به سرعت واحدهای خود را برای در هم کوبیدن سایر نیروهای دشمن به کار اندازد. ما باید از پیکارهای اصطکاکی که در آن برد ما از بخت ما کمتر و یا برد و باخت ما با یکدیگر یکسان هستند، اجتناب ورزیم. بدین ترتیب با وجود اینکه ما در مجموع (از نظر تعداد) ضعیف هستیم، ولی در هر عملیات جزئی و در هر عملیات اپراتیو مشخص برتری کامل را حفظ خواهیم کرد و این خود ضامن پیروزی ما در عملیات اپراتیو خواهد بود. ما با گذشت زمان، در مجموع برتری خواهیم یافت و سرانجام کلیه نیروهای دشمن را نابود خواهیم ساخت.

۵- بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به پیروزی نباید به هیچ نبردی دست زد؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در هر حالت موجود بین خود و دشمن به کار برد.

۶- بگذار سبک رزمی تهور داشتن در نبرد، نترسیدن از قربانی و نهراسیدن از خستگی و پیکارهای مداوم (به مفهوم نبردهای پی در پی در زمان‌های کوتاه و بدون استراحت) بشکند.

۷- باید کوشید تا دشمن را در حین تحرک نابود کرد. در عین حال باید به تاکتیک حمله موضعی و تصرف استحکامات و شهرهای دشمن نیز توجه داشت.

۸- در مورد حمله به شهرها، باید تمام آن استحکامات و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیفی دارند، بدون هیچگونه تردیدی تصرف نمود. در فرصت مناسب باید تمام استحکامات و شهرهای دشمن را که دارای قدرت دفاعی متوسطاند، در صورتیکه شرایط اجازه دهد، تصرف کرد؛ در مورد تمام آن استحکامات و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد.

۹- ما باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزاتی که از دشمن به غنیمت گرفته شده و همچنین با قسمت اعظم اسرای جنگی تکمیل کنیم. منبع عمده ذخایر نیروی انسانی و مادی ارتش ما جبهه‌های جنگ است.

۱۰- باید از فاصله بین دو عملیات جنگی برای استراحت، آموزش و تربیت سیاسی و تعلیم واحدهای نظامی به خوبی استفاده کرد. مدت استراحت، آموزش و تربیت سیاسی و تعلیم برای اینکه به دشمن امکان نفس کشیدن داده نشود، معمولاً نباید زیاد طولانی باشد. اینها همه متدهای عمده‌ای هستند که ارتش آزادی‌بخش توده‌ای جهت در هم شکستن چانکایشک به کار برده است. این متدها نتیجه آبدیدگی ارتش آزادی‌بخش توده‌ای در جریان مبارزه طولانی علیه دشمنان خارجی و داخلی می‌باشند و با شرایط کنونی ما کاملاً مطابقت دارند ... استراتژی و تاکتیک ما بر اساس جنگ توده‌ای مبتنی است؛ هیچ ارتش ضد خلقی قادر به استفاده از استراتژی و تاکتیک ما نیست.

اوضاع کنونی و وظایف ما ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

تفوق بدون آمادگی، تفوق واقعی نیست، و صحبتی هم از ابتکار نمی‌تواند در میان باشد. قوایی که نسبت به دشمن ضعیف است ولی آمادگی دارد، اگر این نکته را درک کند، می‌تواند با حملات ناگهانی دشمن متفوق را منکوب سازد.

درباره جنگ طولانی مه ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

۹- ارتش توده‌ای

خلق بدون یک ارتش توده‌ای هیچ نخواهد شد.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

این ارتش به این دلیل نیرومند است که اعضای آن از انضباطی آگاهانه پیروی می‌کنند؛ آنان نه به خاطر منافع شخصی مشتی از افراد و یا گروهی اندک، بلکه به خاطر منافع توده‌ای وسیع، به خاطر منافع قاطبه ملت به گرد هم جمع گشته و پیکار می‌کنند. به طور استوار در جانب خلق چین ایستادن و از ته دل به خلق چین خدمت کردن - چنین است یگانه هدف این ارتش.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

ارتش سرخ چین سازمان مسلحی است که وظایف سیاسی انقلاب را انجام می‌دهد. ارتش سرخ به ویژه در حال حاضر به هیچ وجه نباید کار خود را فقط به جنگیدن محدود سازد. ارتش سرخ علاوه بر عملیات جنگی جهت نابودی نیروهای نظامی دشمن، وظایف مهم دیگری برعهده دارد که به عنوان مثال عبارتند از: تبلیغ بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها، کمک به توده‌ها برای ایجاد حکومت انقلابی و تشکیل سازمان‌های حزب کمونیست. جنگی که ارتش سرخ درگیر آنست، صرفاً به خاطر جنگ نیست، بلکه جنگی است برای تبلیغ بین توده‌ها، سازمان دادن توده‌ها، مسلح کردن توده‌ها و کمک به توده‌ها برای ایجاد حکومت انقلابی. بدون این هدفها، جنگ مفهوم خود را از دست می‌دهد و علت موجودیت ارتش سرخ نیز از بین می‌رود.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

ارتش آزادی‌بخش توده‌ای همیشه چون دسته‌ای رزمنده باقی خواهد ماند. حتی بعد از نیل به پیروزی در سراسر کشور و در تمام دوران تاریخی که هنوز طبقات در کشور ما برنیفتاده‌اند و سیستم امپریالیستی هنوز در جهان برجاست، ارتش ما همچنان دسته‌ای رزمنده باقی خواهد ماند. در این مورد نباید هیچگونه سوء تفاهم و تزلزلی در میان باشد.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹

آثار منتخب جلد ۴

ما ارتشی داریم که پیکار می‌کند و ارتشی داریم که به کار تولیدی می‌پردازد. ما ارتش هشتم و ارتش چهارم نوین را برای نبرد در اختیار داریم؛ ولی حتی این ارتشهای رزمنده هم به کار دوگانه دست می‌زنند: جنگ و کار تولیدی. با این دو نوع ارتش و با ارتش رزمی که در

انجام این دو وظیفه و کار توده‌ای مهارت دارد، ما می‌توانیم بر مشکلات خود فایز آیم و امپریالیستهای ژاپن را شکست دهیم.

متشکل شوید! ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ آثار منتخب جلد ۳

نیروی دفاعی ما مسلماً مستحکم خواهد شد؛ ما به هیچ قدرت امپریالیستی اجازه نخواهیم داد که بار دیگر خاک کشور ما را مورد تجاوز قرار دهد. قوای مسلح توده‌ای ما باید با ارتش آزادی‌بخش توده‌ای دلاور و آبدیده به مثابه پایه و اساس حفظ گردد و رشد یابد. ما نه فقط یک نیروی زمینی قوی بلکه نیروی هوایی و دریایی مقتدری نیز خواهیم داشت.

نطق افتتاحیه در نخستین پلنوم کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹

اصل ما اینست که حزب بر تفنگ فرماندهی کند؛ به تفنگ هرگز نباید اجازه داد که بر حزب فرماندهی کند.

مسائل جنگ و استراتژی ۶ نوامبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

همه‌ی افسران و سربازان ما باید پیوسته در خاطر داشته باشند که ما ارتش کبیر آزادی‌بخش توده‌ای هستیم، سپاهانی هستیم که از طرف حزب کبیر کمونیست چین رهبری می‌شویم. ما اگر همیشه رهنمودهای حزب را مراعات کنیم، بیگمان پیروز خواهیم شد.

مانیفست ارتش آزادی‌بخش توده‌ای چین اکتبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

۱۰- رهبری کمیته حزبی

سیستم کمیته حزبی سیستم حزبی مهمی است برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از هر فردی که بخواهد رتق و فتق امور را به انحصار خود درآورد. اخیراً دیده شده است که در برخی از ارگانهای رهبری (البته نه در همه آنها) انحصار رتق و فتق امور و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم به وسیله یک فرد به صورت عادت درآمده است. راه حل مسائل مهم نه از طرف جلسات کمیته حزبی، بلکه از طرف یک فرد تعیین می‌شوند و از عضویت در کمیته حزبی به جز نام چیز دیگری به جای نموده است. اختلاف نظر میان اعضای کمیته حزبی نمی‌تواند از بین برود بلکه مدتها همچنان لاینحل باقی می‌ماند. در میان اعضای کمیته حزبی نه وحدت واقعی بلکه وحدت ظاهری وجود دارد. این وضع باید تغییر یابد. از این پس باید در تمام ارگانهای رهبری - از بوروی کمیته مرکزی گرفته تا کمیته‌های

حزبی ولایتی؛ از کمیته‌های حزبی جبهه‌ها گرفته تا کمیته‌های حزبی تیپ‌ها و مناطق نظامی (سو کمیسیونهای کمیسیون نظامی انقلابی یا گروههای رهبری)؛ و همچنین در گروههای رهبری حزبی ارگانهای دولتی، سازمانهای توده‌ای، خبرگزاری‌ها و ادارات روزنامه‌ها - سیستم سالمی برای برگزاری جلسات کمیته‌های حزبی معمول گردد. تمام مسائل مهم (البته نه مسائل کم اهمیت و ناچیز و یا مسائلی که در باره‌ی آنها پس از بحث در جلسات تصمیم گرفته شده و فقط باید اجرا شوند) باید برای بحث به کمیته‌ها ارجاع شوند و اعضای حاضر در کمیته‌ها باید نظرات خود را تماماً بیان کنند و به تصمیمات مشخصی برسند که سپس توسط اعضای مربوطه به مرحله اجرا در آید... . جلسات کمیته‌های حزبی به دو نوع تقسیم می‌شوند: جلسات کمیته دائمی و جلسات پلنوم که آنها را نباید با هم مخلوط کرد. به علاوه باید توجه داشت تا بیش از اندازه نه به رهبری جمعی به زیان مسئولیت فردی و نه به مسئولیت فردی به زیان رهبری جمعی تکیه شود. در ارتش شخصی که در مقام فرماندهی است، حق دارد هنگام نبرد و چنانچه موقعیت ایجاب نماید، تصمیمات فوری اتخاذ کند.

درباره تقویت سیستم کمیته حزبی ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

دبیر یک کمیته حزبی باید "سرجوخه" خوبی باشد. هر کمیته حزبی از ده تا بیست عضو تشکیل می‌شود؛ کمیته حزبی چون جوخه‌ای از ارتش و دبیر آن مانند یک "سرجوخه" است. به راستی رهبری کردن صحیح این جوخه کار آسانی نیست. اکنون هر بورو یا هر شعبه بوروی کمیته مرکزی منطقه پهناوری را رهبری می‌کند و مسئولیت سنگینی به عهده دارد. رهبری کردن تنها به معنای تعیین مشی عمومی و سیاست مشخص نیست، بلکه برگزیدن شیوه‌های صحیح کار نیز هست. حتی با وجود داشتن یک مشی عمومی و سیاست مشخص صحیح چنانچه به شیوه‌های کار توجه نشود، احتمالاً مشکلاتی پیدا خواهد شد. برای اینکه کمیته حزبی بتواند وظیفه رهبری خود را انجام دهد، باید به "اعضای جوخه" خود تکیه کند و به آنان کمک نماید تا بتوانند نقش خود را به خوبی ایفا کنند. برای اینکه دبیر حزبی "سرجوخه" خوبی باشد، باید با پشتکار به آموزش و مطالعه بپردازد. یک دبیر حزبی یا یک معاون دبیر حزبی چنانچه به کار تبلیغاتی و تشکیلاتی در میان اعضای جوخه خود توجه نکند مناسبات خود را با اعضای کمیته خوب ننماید یا طرز اداره موفقیت آمیز جلسات را فرا نگیرد، در رهبری جوخه خود دچار اشکال خواهد شد. هر گاه اعضای جوخه همگام پیش نروند هرگز نمی‌توان انتظار داشت که بتوانند توده‌های چند میلیونی مردم را در جنگ و کار ساختمانی رهبری کنند. البته رابطه میان دبیر حزبی و اعضای کمیته بر اساس تبعیت اقلیت

از اکثریت استوار است و از اینرو با رابطه میان سرجوخه و افرادی که در اینجا ما فقط از تشابهی که میان این دو به چشم می‌خورد صحبت می‌کنیم.

شيوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

مسائل را باید به طور روشن مطرح کرد. نه تنها سرجوخه بلکه اعضای کمیته نیز باید اینطور عمل کنند. پشت سر مردم حرف نزنید. هر وقت مسئله‌ای پیش می‌آید جلسه‌ای فراخوانید و مسئله را برای بحث به طور روشن مطرح کنید و درباره آنها تصمیم بگیرید تا بتوان به این ترتیب راه حلی برای مسائل پیدا کرد. اگر مسائلی باشند ولی به طور روشن مطرح نشوند، مدتها و حتی سالها همچنان لاینحل باقی خواهند ماند. سرجوخه و اعضای کمیته باید در مناسبات خود نسبت به یکدیگر بردباری نشان دهند و تفاهم داشته باشند. هیچ چیزی مهم‌تر از بردباری متقابل، تفاهم متقابل، پشتیبانی و دوستی متقابل میان دبیر حزبی و اعضای کمیته میان کمیته‌ی مرکزی و بوروهایش و میان بوروها و کمیته‌های حزبی منطقه‌ای نیست.

شيوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"مبادله اطلاعات". این بدان معنی است که اعضای کمیته‌ی حزبی باید یکدیگر را از مسائلی که به نظرشان می‌رسد آگاه سازند و درباره آنها تبادل نظر کنند. این موضوع برای ایجاد یک زبان مشترک اهمیت بزرگی دارد. ولی بعضی‌ها چنین عمل نمی‌کنند، آنها شباهت به کسانی دارند که لائوزی درباره‌شان می‌نویسد: "با اینکه همیشه آواز خروسها و عوعوی سگ‌های یکدیگر را می‌شنوند، ولی در تمام مدت عمر با هم رفت و آمد ندارند" و نتیجه این می‌شود که که با هم زبان مشترکی پیدا نمی‌کنند.

شيوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

مطالبی را که نمی‌فهمید یا نمی‌دانید از رفقای پایین‌تر از خود بپرسید و زود موافقت یا مخالفت خود را اعلام نکنید آنچه را که مانمی‌دانیم هرگز نباید وانمود کنیم که می‌دانیم؛ ما نباید "از پرسیدن و آموختن از افراد پایین‌تر خجالت بکشیم"، بلکه باید با دقت به نظرات کادرهای درجات پایین‌تر گوش فرا دهیم. قبل از آنکه معلم بشوی، شاگرد باش؛ پیش از آنکه دستوری صادر کنی، از کادرهای پایین‌تر بیاموز آنچه کادرهای پایین‌تر می‌گویند، ممکن است صحیح یا غلط باشد، ولی ما در هر حال باید آنها را مورد تحلیل قرار دهیم. ماباید نظرات درست را بپذیریم و طبق آن عمل کنیم به نظرات اشتباه‌آمیزی که از پایین می‌آیند، نیز

باید گوش داد، نادرست است چنانچه اصلاً به آنها واقعی نگذاریم. البته چنین نظراتی نباید به مرحله عمل درآیند، بلکه باید مورد انتقاد قرار بگیرند.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"پیانو زدن" را باید یاد بگیرید. در نواختن پیانو تمام ده انگشت در حرکت است، و نمی‌شود بعضی انگشتها را حرکت داد و بعضی‌ها را حرکت نداد. اما هرگاه تمام ده انگشت با هم یکباره روی پرده پیانو فشار بیاورند، نغمه‌ای بلند نخواهد شد. برای آفرینش یک آهنگ خوش، ده انگشت را باید به طور موزون و هماهنگ حرکت داد. یک کمیته حزبی باید به طور پیگیر در پی اجرای وظیفه مرکزی خود باشد و در عین حال نیز باید در پیرامون این وظیفه مرکزی به اجرای امور دیگر در زمینه‌های مختلف بپردازد. در حال حاضر ما باید در زمینه‌های بسیاری کار کنیم، ما باید به امور مناطق، واحدهای مسلح و قسمت‌های مختلف توجه کنیم. ما نباید توجه خود را فقط بر روی چند مسئله متمرکز سازیم و مسائل دیگر را کنار بگذاریم. هر جا که مسئله‌ای یافت می‌شود، باید روی آن انگشت بگذاریم، و این شیوه‌ای است که باید به خوبی یاد گرفت. بعضی‌ها خوب پیانو می‌زنند و برخی بد، و از اینرو اختلاف زیادی میان آهنگ‌هایی که می‌سازند، دیده می‌شود. اعضای کمیته حزبی باید "پیانو زدن" را خوب یاد بگیرند.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"محکم به دست گرفتن". یعنی اینکه کمیته حزبی کارهای عمده خود را نه فقط باید "به دست بگیرد" بلکه باید آنها را "محکم به دست بگیرد". تنها در صورتی می‌شود چیزی را در دست نگه داشت که آن را بدون اینکه انگشتان را اندکی شل کرد، محکم به دست گرفت. محکم به دست نگرفتن به معنای اصلاً به دست نگرفتن است. بدیهی است که با دست باز نمی‌توان چیزی را نگه داشت. وقتی که شخصی دست خود را مشت کند و چنین وانمود سازد که چیزی را نگاه داشته است، ولی انگشتان خود را محکم نبندد، در واقع چیزی را نگرفته است. بعضی از رفقای ما کارهای عمده را به دست می‌گیرند، ولی چون آن را محکم به دست نمی‌گیرند، نمی‌توانند خوب از عهده برآیند. اگر کارها را به دست نگیرید، کاری از پیش نخواهد رفت؛ اگر کارها را محکم به دست نگیرید، باز هم کاری از پیش نخواهد رفت.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"ارقام را در خاطر نگه دارید". یعنی ما باید به جنبه‌ی کمی یک وضع یا یک مسئله توجه کنیم و تحلیلی اساسی از آن به عمل آوریم. هر کیفیتی در کمیت معینی تبلور مییابد، بدون کمیت کیفیت نیست و تا امروز بسیاری از رفقای ما هنوز پی نبرده‌اند که باید به جنبه‌ی کمی پدیده‌ها - به آمار اساسی، به درصدهای عمده و به حدهای کمی که کیفیت پدیده‌ها را تعیین می‌کنند - توجه نمایند. آنها به علت اینکه "ارقام" را در خاطر ندارند، نمی‌توانند از اشتباه کردن مصون بمانند.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"اعلان کردن برای اطمینان خاطر مردم". اعلان جلسات، درست مانند صدور، "اعلان برای اطمینان خاطر مردم"، برای اینکه همه بدانند درباره چه موضوعی بحث می‌شود و چه مسائلی باید حل شود، باید قبل از تشکیل جلسات صورت گیرد تا همه بتوانند خود را به موقع آماده کنند. در بعضی جاها جلسات کادرها بدون اینکه قبلاً گزارش‌ها و طرح قطع‌نامه‌ها آماده شده باشند، فرا خوانده می‌شوند و فقط پس از آنکه همه جمع شدند، فی‌المجلس به طور سر و پا شکسته صحبتی می‌شود. این شیوه انسان را به یاد ضرب‌المثلی می‌اندازد که می‌گوید: "قشون واسبها رسیده‌اند اما اغذیه و علوفه حاضر نیست"، چنین کاری واقعاً پسندیده نیست. بدون آمادگی قبلی نباید با شتاب جلسه‌ای فرا خواند.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

"قوای کمتر ولی بهتر و دستگاه اداری ساده‌تر". گفتگوها، نطق‌ها، مقاله‌ها و قطعنامه‌ها همه باید فشرده باشند و حق مطلب را ادا کنند. جلسات هم نباید بیش از حد طولانی باشند.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

به وحدت و همکاری با رفقای که با شما اختلاف نظر دارند، توجه کنید. این نکته را باید هم در ادارات محلی رعایت کرد و هم در ارتش. این در مورد مناسبات ما با مردم غیر حزبی نیز صادق است. ما از نظر نقاط مختلف کشور به اینجا آمده‌ایم، باید قادر باشیم نه تنها با رفقای که با ما هم‌نظرند بلکه با رفقای هم که با ما اختلاف نظر دارند، وحدت و همکاری کنیم.

شیوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

از تکبر پرهیز کنید. این نکته برای همه کادرهای رهبری مسئله‌ایست اصولی. شرایط مهمی است برای حفظ وحدت. حتی آنهایی هم که خطاهای جدی نداشته‌اند و در کار خود موفقیت‌های بزرگ بدست آورده‌اند، نباید متکبر باشند.

شيوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

دو خط فاصل مشخص بکشید. نخست، میان انقلاب و ضد انقلاب، میان "ین‌آن" و "سی‌آن".*

"ین‌آن" آنچنان سخن می‌گوید که گویی در آنجا "هیچ چیز درستی وجود ندارد"، آنها نه بوروکراسی در "ین‌آن" را با بوروکراسی در "سی‌آن" مقایسه می‌کنند و نه آن دو را از هم تمیز می‌دهند. این از اساس نادرست است. دوم، در درون صفوف انقلاب باید میان صحیح و ناصحیح، میان موفقیت‌ها و کمبودها خط فاصل مشخصی کشید و به روشنی معین کرد که کدامیک اصل و کدامیک فرعی است. فی‌المثل باید معین کرد که آیا موفقیت‌ها سی درصد مجموع را تشکیل می‌دهند یا هفتاد درصد آن را؟ نه کم بها دادن به آنها صحیح است و نه پر بها دادن. ما باید کار هر فرد را به طور اصولی برآورد کنیم و برآورد کنیم که آیا موفقیت‌های کار او سی درصد و کمبودهای او هفتاد درصد بوده، و یا اینکه به عکس. چنانچه موفقیت‌های او هفتاد درصد مجموع را تشکیل دهند، باید کار او را به طور عمده مثبت به شمار آورد. همسنگ کردن کاری که موفقیت جنبه اصلی آن را تشکیل می‌دهد با کاری که اشتباه در آن غلبه دارد، کاملاً نادرست است. در برخورد با مسائل نباید مرزبندی مشخص میان انقلاب و ضد انقلاب، میان موفقیت‌ها و نقایص را از یاد بدور داریم. اگر ما این دو مرزبندی را در خاطر داشته باشیم، همیشه قادر به حل مسائل خواهیم بود، و در غیر اینصورت درباره شناخت خصلت مسائل دچار آشفتگی خواهیم شد. برای اینکه این مرزها را به خوبی مشخص کنیم، البته بررسی و تحلیل دقیق ضروری است. برخورد ما نسبت به هر فرد و هر پدیده باید برخوردی باشد توأم با تحلیل و بررسی.

* از ژانویه ۱۹۳۷ تا مارس ۱۹۴۷ "ین‌آن" مقرر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و "سی‌آن" مرکز حکومت ارتجاعی گومیندان در شمال غربی چین بود. رفیق مائو تسه دون از این دو شهر به عنوان سنبل انقلاب و ضد انقلاب یاد می‌کند.

شيوه‌های کمیته‌های حزبی ۱۳ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

در قلمرو تشکیلات، باید تحت هدایت مرکزیت، اصول زندگی دموکراتیک را دقیقاً اجرا کرد. طرق اجرای این اصول چنین‌اند:

۱- ارگانهای رهبری حزب باید برای امر رهبری مشی صحیحی اتخاذ کنند و وقتی مسئله‌ای پدید آمد، راه حل آن را بیابند تا بتوانند خود را به مثابه مرکز رهبری کننده عرضه دارند.

۲- ارگانهای بالاتر باید با وضعیت ارگانهای پایین‌تر و زندگی توده‌ها آشنایی داشته باشند تا بتوانند پایه‌ای عینی برای رهبری صحیح خود فراهم سازند.

۳- سازمان‌های حزبی در مدارج مختلف نباید برای حل مسائل بدون تعمق تصمیمی اتخاذ کنند، ولی وقتی تصمیمی گرفته شد، باید قطعاً به موقع اجرا گذارند.

۴- کلیه تصمیمات مهمی که ارگانهای بالاتر حزب اتخاذ می‌کنند، باید به سرعت به ارگان‌های پایین‌تر و کلیه اعضای حزب اطلاع داده شود

۵- ارگانهای پایین‌تر حزب و کلیه اعضای حزب باید دستورات ارگانهای بالاتر را دقیقاً مورد بحث قرار دهند تا مفهوم این دستورات را کاملاً درک کرده و بتوانند شیوه‌های اجرای آنها را تعیین نمایند.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

۱۱- مشی توده‌ای

خلق و فقط خلق است نیروی محرکه که تاریخ جهان را می‌سازد.

در باره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب ۳

قهرمانان واقعی توده‌ها هستند، در حالیکه ما اغلب چون کودکان نادان و جاهلیم - بدون درک این نکته نمی‌توان حتی به ابتدایی‌ترین دانشها دست یافت.

پیش‌گفتار و پس‌گفتار بر تحقیقات دوستایی (مارس و آوریل ۱۹۴۱ آثار منتخب جلد ۳

توده‌ها دارای نیروی خلاقه لایزالند. آنها قادر به تشکیل اند و میتوانند در هر جا و هر رشته‌ای از کار که بتوانند نیرو و توان خود را بطور کامل بکار اندازند، متمرکز شوند، آنها

قادرند خود را در ژرفا و پهنای کار تولیدی متمرکز سازند و برای خود کارهای عام المنفعه باز هم بیشتری بیافرینند.

مقدمه بر مقاله "نیروی کار اضافی راه حل یافته است" (۱۹۵۵)

اعتلای کنونی جنبش دهقانی رویداد شگرفی است. در مدتی بسیار کوتاه صدها میلیون دهقان در استانهای مرکزی، جنوبی و شمالی چین چون طوفانی سهمگین، چون گردبادی تند، به نیرویی بس قدرتمند و تیز رو چنان بپا خواهند خاست که هیچ نیرویی را، هر قدر هم که عظیم باشد، یارای بازداشتن آن نخواهد بود. آنها تمام قید و بندهایی را که دست و پایشان را می بندد، می گسلند و در شاهراه آزادی به پیش می شتابند. آنها تمام امپریالیستها، دیکتاتورهای نظامی، مأمورین رشوه خوار دولت، مستبدین و متنفذین محلی را به گور خواهند سپرد. آنها تمام احزاب انقلابی، تمام رفقای انقلابی را در کوره عمل می آزمایند تا بتوانند آنها را یا به حریم خود راه دهند و یا آنکه از دامان خود طرد کنند. در اینجا سه حالت موجود است: یا باید در پیشاپیش توده ها حرکت کرد و آنان را رهبری نمود، یا اینکه در پس آنان دوید و با سرو دست انتقادشان کرد، و یا اینکه در سر راه آنان ایستاد و به مخالفت برخاست. هر فرد چینی در انتخاب یکی از این سه حالت آزاد است، ولی سیر رویدادها شما را وادار خواهد کرد تا هر چه زودتر انتخاب کنید.

گزارش در باره بررسی جنبش دهقانی در استان خونان (مارس ۱۹۲۷) آثار منتخب جلد ۱

اوج تحولات اجتماعی در روستاها، یعنی اوج کثوپراتیوه کردن هم اکنون در بعضی نقاط پدید گشته است و بزودی سراسر کشور را فرا خواهد گرفت. این یک جنبش انقلابی پر دامنه سوسیالیستی است که بیش از ۵۰۰ میلیون نفر از جمعیت روستاها را در بر می گیرد و دارای اهمیت فوق العاده عظیم جهانشمول است. ما باید این جنبش را بطور فعال، با حرارت و منظم رهبری کنیم، نه اینکه آنرا با این یا آن وسیله بعقب سوق دهیم. اشتباه در جریان چنین جنبشی ناگزیر و قابل درک است و اصلاح آن نیز چندان مشکل نیست. نواقص یا اشتباهات کادرها و دهقانان فقط بشرطی اصلاح و بر طرف می شوند که ما به آنها فعالانه کمک کنیم.

در باره کثوپراتیوه کردن کشاورزی (۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵)

در میان توده ها شور و شوق زایدالوصفی نسبت به سوسیالیسم نهفته است. آنهایی که در دوران انقلاب فقط پا بند قواعد کهنه اند، اصلا قادر به دیدن این شور و شوق نیستند. آنها

کوردند و همه چیز در برابر دیدگانشان تیره و تار است. بعضی مواقع کار آنها حتی به جایی میرسد که حق و ناحق را با هم مخلوط می کنند و سفید را سیاه جلوه می دهند. آیا ما به اندازه کافی با این قبیل اشخاص برخورد نکرده ایم؟ آنهاييکه فقط از قواعد کهنه پیروی می کنند، همواره به شور و شوق توده ها کم بها می دهند و وقتی که پدیده نوینی ظاهر شد، همیشه علم مخالفت بلند می کنند، آنها در ابتدا به مخالفت بر می خیزند و سپس اجبارا به شکست خود تن در می دهند و به اندکی انتقاد از خود بسنده می کنند. آنها باز وقتی که پدیده نوین دیگری ظاهر شد، همان پروسه پیشین را دوباره تکرار می کنند. این است سبک برخورد این افراد با هر پدیده نوین. چنین اشخاصی همیشه پاسیو بوده و در لحظات حساس از حرکت به پیش باز می ایستند و ناگزیر باید آنها را محکم به جلو هل داد، تا شاید قدمی به پیش بردارند.

مقدمه بر مقاله این دهکده در عرض دو سال کنوپراتیوه شده است (۱۹۵۵)

از بیست سال به این طرف، حزب ما همه روزه مشغول کار توده ای بوده است و در عرض این ده سال اخیر، هر روز از مشی توده ای صحبت کرده است. ما همیشه معتقد بوده ایم که انقلاب باید به اتکاء به توده های مردم و شرکت همگان انجام گیرد، ما به تکیه کردن به عده قلیلی که کارشان فقط صدور دستور است، همیشه مخالفت ورزیده ایم. اما بعضی از رفقا هنوز مشی توده ای را در کار خود بطور کامل اجرا نمی کنند. آنها هنوز صرفا با افراد قلیلی که در انزوا کار می کنند، اتکاء می نمایند. یکی از علل بروز چنین پدیده ای این است که آنها از توضیح در باره کارهای جاری به افراد تحت رهبری خود ابا می کنند و نمی دانند چرا و چگونه باید قوه ابتکار و نیروی خلاق افراد تحت رهبری خود را بکار اندازند. آنها از نظر ذهنی می خواهند که هر کس دستی در کار داشته باشد، ولی از طرف دیگر اجازه نمی دهند که توده ها بدانند چه باید بکنند و چگونه باید بکنند. در چنین وضعی چطور می توان توقع داشت که توده ها به حرکت درآیند و خوب کار بکنند؟ البته کار اساسی برای حل این مسئله تربیت ایدئولوژیک در باره مشی توده ای است. ولی در عین حال باز هم شیوه های کار مشخص بسیاری هست که ما باید به این رفقا یاد دهیم.

گفتگو با هنیت تحریریه روزنامه شانسی سوی یوان (۲ آوریل ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

بیست و چهار سال تجربه به ما نشان می دهد که وظیفه، سیاست و سبک کار درست همیشه با خواسته های توده ها در هر زمان و مکان معین منطبق است و رشته های پیوند ما را با توده ها مستحکم می کند، و وظیفه، سیاست و سبک کار نادرست هرگز با خواسته های توده

ها در هر زمان و مکان معین منطبق نیست و ما را از توده ها جدا می سازد. عیبهایی مانند دگماتیسم، امپریسم، قدرت فروشی، دنباله روی، سکتاریسم، بوروکراسی، پر مدعایی در کار از آن جهت بکلی زیانبخش و غیر قابل تحمل اند و کسانی که از این بیماریها در رنجند، از آن جهت باید بر آنها فائق آیند که این عیوب باعث جدایی ما از توده ها می شود.

در باره دولت ائتلاف (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

بخاطر برقراری پیوند با توده ها باید در جهت نیازمندیها و آرزوهای آنها عمل کرد. هر کاری که برای توده ها انجام می شود، باید از نیازمندی های آنها سرچشمه بگیرد، نه از تمایلات یک فرد - ولو اینکه این تمایلات خیرخواهانه باشند. اغلب اتفاق می افتد که توده ها بطور عینی به فلان تغییر نیازمندند، ولی از نظر ذهنی هنوز به این نیازمندی آگاهی نیافته اند و مایل و مصمم بدین تغییر نیستند. در چنین صورتی ما باید از خود صبر و شکیبایی نشان دهیم و تا زمانی که با کار توضیحی ما اکثریت توده ها به این نیازمندی آگاهی نیافته اند و مایل و مصمم به برآوردن آن نگشته اند، نباید دست به چنین تغییری بزنیم، زیرا در غیر این صورت خود را از توده ها منفرد خواهیم کرد. هر کاری که شرکت توده ها را ایجاد کند، اگر بدون آگاهی و تمایل آنها انجام گیرد، به فرمالیته بدل می شود و به شکست می پیوندد.

... در اینجا دو اصل موجود است: یکی نیازمندی حقیقی توده ها، و نه آن نیازی که ما در عالم تخیل مان برای آنها متصوریم، و دیگری تمایلات توده ها. توده ها باید خود قادر به تصمیم گرفتن باشند، نه اینکه ما برایشان تصمیم بگیریم.

جبهه واحد در امور فرهنگی (۳۰ اکتبر ۱۹۴۴) آثار منتخب جلد ۳

کنگره ما باید از تمام حزب دعوت کند که بر هشیاری خویش بیافزاید و مراقب باشد که هیچ رفیقی، در هر مقام که باشد، از توده ها بریده نشود. باید به هر رفیقی آموخت که خلق را از جان و دل دوست بدارد، به ندای آنها با دقت گوش دهد، به هر جا که می رود، در میان توده ها باشد، به عوض اینکه خود را در رأس آنها قرار دهد، با آنها در هم آمیزد، با توجه به سطح موجود توده ها، آنها را بیدار کند و آگاهی سیاسی آنها را بالا برد، به توده ها کمک کند که داوطلبانه رفته رفته متشکل شوند و کلیه آن مبارزات لازمی را که در شرایط داخلی و خارجی مکان و زمان اجازه می دهد، بتدریج بسط و توسعه دهند.

در باره دولت ائتلاف (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

این ماجراجویی است اگر وقتی که توده ها هنوز آگاه نشده اند، ما به تعرض دست زنیم. چنانچه ما در رهبری توده ها، در کاری که مخالف اراده آنها است، اصرار ورزیم، سرانجام با شکست روبرو خواهیم شد. این اپورتونیسم راست اگر وقتی که توده ها مایل به پیش روی هستند، ما پیش روی نکنیم.

گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه شناسی سوی یوان (۲ آوریل ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

قدرت فروشی در هر نوع کاری خطاست، زیرا که از سطح آگاهی سیاسی توده ها تجاوز می کند و اصل عملیات داوطلبانه توده ها را نقض می نماید. قدرت فروشی، مظهر آن عیبی است که تندخویی نامیده می شود. رفقای ما نباید فکر کنند که آنچه آنان می فهمند، توده های مردم هم می فهمند. فقط با رفتن به میان توده ها و پژوهش است که می توان معلوم کرد آیا توده ها این و یا آن فکر را فهمیده اند. و آیا حاضر به عمل هستند یا نه. اگر ما اینطور عمل کنیم، از قدرت فروشی در امان خواهیم بود. دنباله روی نیز در هر کاری خطا است، زیرا که از سطح آگاهی سیاسی توده ها فروتر می افتد و اصل رهبری کردن توده ها را بجلو نقض می کند. دنباله روی مظهر عیب دیگری است که کندی نامیده می شود. رفقای ما نباید فکر کنند که آنچه آنها نمی فهمند، توده ها هم نمی فهمند. غالباً اتفاق می افتد که توده ها از ما جلو می افتند و علاقه شدیدی به پیشروی دارند، حال آنکه رفقای ما چون نمی توانند آنها را رهبری کنند، بدنبال برخی از عناصر عقب مانده می دوند و نظرات آنها را منعکس می سازند و بالاتر از همه نظرات آنها را اشتباهای بجای نظرات توده های وسیع می گیرند.

در باره دولت ائتلاف (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

نظرات توده ها را جمع کردن و به شکل فشرده در آوردن، سپس به میان توده ها رفتن و به این نظرات بطور پیگیر تحقق بخشیدن و از این طریق نظرات صحیح رهبری را شکل دادن - چنین است اسلوب اساسی رهبری.

در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

در تمام کارهای عملی حزب ما، رهبری راستین باید طبق اصل "از توده ها به توده ها" عمل کند. بدین معنی که نظرات توده ها را باید جمع کرد (نظرات پراکنده و غیر منظم) و آنها را بشکلی فشرده در آورد (آنها را از طریق بررسی بصورت نظرات فشرده و منظم در آورد)، سپس به میان توده ها رفت و این نظرات را تبلیغ و تشریح کرد تا توده ها آنها را از خود بدانند، پیگیرانه دنبال کنند، به عمل در آورند و صحت این نظرات را در این نوع عمل

ببازمایند. سپس باید بار دیگر نظرات توده ها را بصورت فشرده در آورد و دو باره بمیان توده ها رفت تا آنکه این نظرات بتوانند پیگیرانه تحقق یابند. و بدینسان مکرر در مکرر این پروسه در یک حرکت ماریچی تا بی نهایت ادامه می یابد و هر بار این نظرات صحیح تر، زنده تر و غنی تر می گردند. چنین است تئوری مارکسیستی شناخت.

در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

ما باید به میان توده ها برویم، از آنها بیاموزیم، تجربیات آنها را جمع بندی کنیم و از آن میان اصول و متد های بهتر و منظم تری بیرون کشیم و سپس آنها را در میان توده ها تبلیغ کنیم و توده ها را به اجرای این اصول و متدها دعوت نماییم، تا آنکه معضلاتشان حل شوند و به آزادی و بهروزی رسند.

متشکل شوید! (۲۹ نوامبر ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

در بعضی از ارگانهای رهبری ما هستند افرادی که بر این عقیده اند که تنها آشنایی رهبران با رهنمودهای سیاسی حزب کافی است و توده ها را بدانستن آن احتیاجی نیست. این یکی از علل اساسی ای است که چرا بعضی از کارهای ما بخوبی انجام نمی گیرد.

گفتگو با هئیت تحریریه روزنامه شانسی سوی یوان (۲ آوریل ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

ما باید در کلیه جنبشهای توده ای تحقیق و تحلیل اساسی از تعداد پشتیبانان فعال، مخالفان و بی طرفها بعمل آوریم و نباید در باره مسائل بطور ذهنی و بدون اساس تصمیم بگیریم.

شیوه های کار کمیته های حزبی (۱۳ مارس ۱۹۴۹) آثار منتخب جلد ۴

توده ها بطور کلی در همه جا از سه قسمت تشکیل می شوند: بخش نسبتا فعال، بخش میانه رو و بخش نسبتا عقب مانده. بدین جهت رهبران باید با مهارت عناصر قلیل فعال را بگرد رهبری متحد گردانند و با تکیه به آنها سطح آگاهی سیاسی عناصر میانه رو را بالا برند و عناصر عقب مانده را بسوی خود جلب نمایند.

در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

ما باید در برگرداندن سیاست حزب به عمل توده ها ورزیدگی داشته باشیم و بتوانیم موجهاتی فراهم آوریم تا نه فقط کادرهای رهبری بلکه توده های وسیع مردم نیز هر جنبش و مبارزه ای را که ما بپا می داریم، بفهمند و ماهیت آنرا بخوبی درک کنند. این هنر رهبری مارکسیستی-لنینیستی است و ضمناً شاخصی است برای تعیین اینکه آیا ما در کار خود دچار اشتباه شده ایم یا نه.

گفتگو با هئیت تحریریه روزنامه شانسی سوی یوان (۲ آوریل ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

هر قدر هم که گروه رهبری فعال باشد، در صورتیکه فعالیتش با فعالیت توده ها در هم نیامیزد، جز تلاش بی ثمر عده ای محدود چیز دیگری نخواهد بود. از سوی دیگر اگر توده های وسیع به تنهایی بدون داشتن گروه رهبری نیرومندی که بتواند فعالیت شان را بطور مناسب سازمان دهد، دست به فعالیت زنند، چنین فعالیتی نه می تواند مدتی طولانی دوام کند و نه می تواند در یک سمت صحیح به پیش رود و یا به یک سطح عالی ارتقاء یابد.

در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

امور تولیدی توده ها، منافع توده ها، تجارب و احساسات توده ها - تمام اینها را کادر های رهبری همواره باید مورد توجه قرار دهند.

دستخط برای نمایشگاه تولیدی که از طرف ارگانهای وابسته به کمیته مرکزی حزب و ستاد کل ارتش هشتم ترتیب داده شده بود. (۲۴ نوامبر ۱۹۴۳)

ما باید نسبت به حال و زندگی توده ها دقیقاً توجه کنیم: از مسائل زمین و کار گرفته تا مسائل سوخت، برنج، روغن، نمک ... تمام این مسائل که به رفاه توده ها مربوطند، باید در دستور روز ما قرار گیرند. ما باید درباره این مسائل بحث و مذاکره کنیم، تصمیم بگیریم و سپس بموقع اجراء بگذاریم و نتایج حاصله را مورد کنترل و بررسی قرار دهیم. ما باید به توده ها کمک کنیم تا در یابند که ما مبین منافع آنان هستیم و زندگی ما بزندگی آنها پیوسته است. ما باید به آنها کمک کنیم تا بتوانند از خلال همین چیزهای ساده وظایف عالی تری را که مطرح کرده ایم، یعنی وظایف جنگ انقلابی را درک کنند و بدینسان از انقلاب پشتیبانی نمایند، آنرا در سراسر کشور گسترش دهند، بدعوت سیاسی ما پاسخ مثبت گویند و در راه پیروزی انقلاب تا به آخر پیکار کنند.

از زندگی توده ها مواظبت کنید، به شیوه کار توجه نمایید (۲۷ ژانویه ۱۹۳۴) آثار

منتخب جلد ۱

۱۲- کار سیاسی

سیستم نمایندگان حزبی و شعبه های سیاسی که در چین برای اولین بار بوجود آمد، امده سیمای این نیروهای * مسلح را کاملاً دگرگون ساخته است. ارتش سرخ که در سال ۱۹۲۷ تشکیل شد و همچنین ارتش هشتم کنونی این سیستم را بارث برده و بسط و توسعه داده اند.

* منظور نیروهای مسلح انقلابی است که در سالهای همکاری بین حزب کمونیست چین و گومیندان در جریان نخستین جنگ انقلابی داخلی (۲۷-۱۹۲۴) مشترکاً از طرف آنها سازمان داده شده بود.

مصاحبه با خبرنگار انگلیسی جمس برترام (۲۷ اکتبر ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۲

ارتش آزادی بخش توده ای کار سیاسی انقلابی پر توان خود را بر اساس اصل وحدت ارتش و مردم، وحدت فرماندهان و رزمندگان و همچنین تلاشی ارتش دشمن رشد و قوام داده است؛ و این خود یکی از عوامل مهم پیروزی ما بر دشمن است.

اوضاع کنونی و وظایف ما (۲۵ دسامبر ۱۹۴۷) آثار منتخب جلد ۴

این ارتش آنچنان سیستم کار سیاسی بوجود آورده که برای جنگ توده ای لازم است و هدفش عبارت از ترغیب مبارزه بخاطر یگانگی در صفوف خویش، وحدت با سپاهیان دوست، وحدت با خلق، تلاشی دشمن و پیروزی در هر نبرد.

درباره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

کار سیاسی شریان حیاتی همه کارهای اقتصادی است. این بویژه برای زمانی صادق است که نظام اقتصادی جامعه از اساس دگرگون شده باشد.

مقدمه بر مقاله (درس جدی)

حوزه حزبی در گروهان تشکیل میشود، - این دلیل مهمی است بر اینکه چرا ارتش سرخ توانسته است بدون از هم پاشیدگی به چنین نبرد سخت و دشواری دست زند.

مبارزه در کوهستان جین گان (۲۵ نوامبر ۱۹۲۸) آثار منتخب جلد ۱

سه اصل اساسی ذیل اصول هدایت کننده کار سیاسی ارتش هشتم اند؛ اولاً، وحدت افسران و سربازان یعنی بر افکندن روشهای فئودالی در ارتش، ممنوع کردن ضرب و شتم، برقراری انضباط آگاهانه و شرکت در غم و شادی یکدیگر - در نتیجه این تدابیر است که تمام ارتش بطور فشرده وحدت یافته است؛ ثانیاً، اصل وحدت بین ارتش و خلق، یعنی رعایت چنان انضباطی که هر گونه تجاوزی را به منافع خلق قدغن سازد، تبلیغات در میان توده ها، متشکل ساختن و مسلح نمودن آنها، سبک کردن بار اقتصادی آنها و سرکوب خائنین و میهن فروشانی که به ارتش و خلق صدمه و زیان میرسانند - در نتیجه این تدابیر است که ارتش با خلق بطور فشرده متحد گردیده و در همه جا مورد استقبال خلق قرار گرفته؛ ثالثاً، اصل تلاشی قوای دشمن و رفتار بزرگوارانه نسبت به اسرای جنگی. پیروزی ما تنها بسته به عملیات نظامی نیست، بلکه به تلاشی قوای دشمن نیز بستگی دارد.

مصاحبه با خبر نگار انگلیسی جمس برترام (۲۵ اکتبر ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۲

نیروهای نظامی ما باید در مناسبات متقابل بین ارتش و خلق، بین ارتش و دولت، بین ارتش و حزب، بین افسران و سربازان و بین کار نظامی و سیاسی و همچنین در مناسبات بین کادر ها اصول صحیحی را مراعات کنند و دقت نمایند دچار فساد میلیتاریستی نگردند. افسران باید از سربازان مواظبت کنند، و نباید نسبت به حال و زندگی آنها بی اعتنائی نشان دهند و بمجازات های بدنی توسل جویند؛ ارتش باید از مردم مواظبت کند و هیچگاه بمنافع آنها زیان نرساند؛ ارتش باید به ارگانهای دولتی و حزبی احترام بگذارد و هیچگاه ادعای استقلال نکند.

متشکل شوید (۲۹ نوامبر ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

سیاست ما نسبت به اسرائیلی که از قوای نظامی ژاپن و ارتش های پوشالی و ضد کمونیستی گرفته شده اند، اینست که بجز آن افرادی که مورد تنفر و کینه شدید توده ها هستند و باید بمجازات برسند و حکم اعدامشان از طرف مقامات بالاتر تایید شده است، بقیه را آزاد کنیم. در بین این اسرا افرادی را که از روی اجبار به ارتش ارتجاعی پیوسته اند و کم و بیش متمایل به انقلابند، باید به تعداد زیاد برای کار و خدمت بسوی ارتش خود جلب نمائیم و بقیه را آزاد کنیم، و چنانچه باز در جنگی علیه ما شرکت جستند و اسیر شدند باید دوباره آنها را آزاد کنیم. ما هرگز نباید به آنها توهین کنیم، اموالشان را بگیریم و یا آنها را مجبور نمائیم که در برابر ما سر تسلیم فرود آورند، بلکه باید با آنها بدون استثناء با صداقت و

مهربانی رفتار کنیم. آنها هر قدر هم که مرتجع باشند، این سیاست ما باید همیشه ثابت بماند. این راه بسیار موثری است برای منفرد ساختن اردوگاه ارتجاع.

درباره سیاست (۲۵دسامبر ۱۹۴۰) آثار منتخب جلد ۲

سلاح در جنگ البته عامل مهمی است ولی عامل تعیین کننده نیست. عامل تعیین کننده انسان است نه شئی. تناسب نیروها تنها نسبت قدرتهای نظامی و اقتصادی نیست، بلکه نسبت قدرتهای انسانی و معنوی نیز میباشد اداره قدرتهای نظامی و اقتصادی نیازمند به انسان است.

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

بمب اتمی ببر کاغذی است که مرتجعین امریکایی برای ارباب انسانها از آن استفاده می کنند. بمب اتمی بظاهر ترسناک به نظر میرسد، ولی در واقع چنین نیست. بمب اتمی یک سلاح کشتار جمعی است، لیکن در آخرین تحلیل این خلق است که فرجام جنگ را معین میکند، نه یک یا دو سلاح جدید.

مصاحبه با خبر نگار امریکایی انالوئیز استرانگ (اوت ۱۹۴۶) آثار منتخب جلد ۴

پایه ارتش سرباز است. بدون تلقیح یک روح سیاسی مترقی به سربازان و بدون گسترش این روح از طریق کار سیاسی مترقی، نمیتوان بین افسران و سربازان وحدت واقعی ایجاد نمود، احساسات آنها را برای جنگ مقاومت کاملاً برانگیخت و پایه محکمی برای استفاده ثمر بخش از تمام وسائل تکنیکی و تاکتیکی ما فراهم ساخت.

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

در ارتش سرخ بین عده ای از رفقا روحیه نظامیگری بطور وسیع شیوع یافته است. اشکال بروز چنین روحیه ای بدینقرار است

۱- این رفقا کار نظامی را مغایر کار سیاسی میدانند و نمی خواهند قبول کنند که کار نظامی فقط وسیله ای برای اجرای وظایف سیاسی است. بعضی ها حتی ادعا می کنند؛ هر گاه کارهای نظامی خوب انجام بگیرند، کارهای سیاسی نیز بالطبع خوب انجام خواهند گرفت؛ هر گاه کارهای نظامی درست انجام نگیرند، کارهای سیاسی هم نمیتوانند وضع خوبی داشته

باشند این بمعنای آن است که قدمی فراتر نهاده شود و بامور نظامی نسبت به کارهای سیاسی نقش رهبری کننده داده شود.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب (دسامبر ۱۹۲۹) آثار منتخب جلد ۱

آموزش و تربیت ایدئولوژیک، وظیفه مرکزی برای وحدت بخشیدن به تمام حزب در مبارزات عظیم سیاسی است. حزب بدون انجام این وظیفه قادر به اجرای هیچیک از وظایف سیاسی خود نخواهد بود.

درباره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

در این اواخر از کار ایدئولوژیک و کار سیاسی در میان روشنفکران و دانشجویان قدری کاسته شده است و حتی گرایشهای ناسالمی نیز به چشم میخورد. بعضیها ظاهراً بر این نظرند که دیگر سیاست و آینده میهن و آرمانهای بشر قابل توجه نیستند. مارکسیسم در حالیکه برای همین اشخاص زمانی مد روز بود، امروز ازمد افتاده است. بدینجهت ما باید اکنون برای مبارزه با این گرایشها به کار ایدئولوژیک و سیاسی خود شدت بخشیم. روشنفکران و دانشجویان ما باید با پشتکار زیاد به تحصیل خود ادامه دهند و بدین منظور مارکسیسم و همچنین مسایل سیاسی روز را بیاموزند. نداشین نظرات سیاسی صحیح مانند جسم بی روح است. ... کلیه ادارات و سازمانها باید در مورد کار ایدئولوژیک و سیاسی حس مسئولیت داشته باشند. این در مورد حزب کمونیست، سازمان جوانان، ادارات دولتی مسئول این کار و بویژه مدیران و معلمین آموزشگاه ها نیز صادق است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

سربازان ارتش سرخ در پرتو آموزش سیاسی، همگی آگاهی طبقاتی یافته اند و ضرورت تقسیم اراضی، استقرار قدرت سیاسی، تسلیح کارگران و دهقانان را درک کرده اند و میدانند که بخاطر خود، به خاطر کارگران و دهقانان میروند. از این روست که آنها بدون کوچکترین شکایتی همه گونه سختی و دشواری مبارزات تلخ را به خود هموار ساخته اند. هر گروهان، گردان، یا هنگ دارای یک کمیته سربازی است که حافظ منافع سربازان بوده و بکار سیاسی و توده ای مشغول است.

مبارزه در کوهستان جین گان (۲۵ نوامبر ۱۹۲۸) آثار منتخب جلد ۱

رشد صحیح جنبش برای شکایت کردن از جور و ستم (جور و ستمی که از طرف جامعه کهن و مرتجعین نسبت به مردم زحمت کش اعمال شده) و سه بازرسی (منشا طبقاتی، حس وظیفه شناسی و اراده به مبارزه) آگاهی سیاسی فرماندهان و رزمندگان سراسر ارتش را در مبارزه بخاطر آزادی توده های زحمت کش استثمار شده، بخاطر اصلاحات ارضی در سراسر کشور و نابودی دشمن مشترک خلق یعنی دار و دسته چانکایشک بمیزان قابل ملاحظه ای بالا برده است. در ضمن، جنبش مذکور جنبش همبستگی استوار فروانده هان و رزمندگان را تحت رهبری حزب کمونیست بشدت تحکیم نموده است. ارتش بر این اساس در صفوف خود بپاکیزگی بیشتری دست یافته، انضباط خود را تحکیم و تقویت نموده، جنبشی توده ای برای تعلیمات نظامی بر پا کرده، و دموکراسی را در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی تحت رهبری دقیق و بطور منظم رشد و قوام داده است. از این رو ارتش ما چون تنی واحد بهم پیوسته است، بطوری که همه کس فکر و نیروی خود را بکار میاندازد. ارتش ما از قربانی نمی هراسد قادر به غلبه بر کلیه مشکلات مادی است و سرشار از روحیه قهرمانی توده ای و جرات به نابود کردن دشمن است؛ چنین ارتشی شکست ناپذیر است.

درباره پیروزی بزرگ شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادی بخش (۷ مارس ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

در این چند ماه اخیر تقریباً کلیه واحد های ارتش آزادی بخش توده ای از فاصله بین نبرد ها بمعنای وسیع برای تحکیم صفوف و تعلیمات نظامی استفاده نموده اند. این امر تحت رهبری و بطور منظم و دموکراتیک انجام یافته است، و از این رو شور و هیجان انقلابی توده های عظیم فرمانده هان را و رزمندگان را برانگیخت و بآنها امکان داده است تا به هدف جنگ بروشنی پی ببرند، بعضیها گرایشهای نادرست ایدئولوژیک و بعضی تظاهرات ناپسند موجود در ارتش را از میان بردارند، به کادر ها و سربازان آموزش دهند و نیروی رزمنده ارتش را بطور قابل ملاحظه بالا ببرند. ما از این پس نیز باید این جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک را که جنبشی دموکراتیک و توده ای است، در ارتش ادامه دهیم.

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه شانسی-سوی یوان (۱۱ آوریل ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

سیاست آموزشی دانشگاه "کان دا" (دانشگاه نظامی-سیاسی ضد ژاپنی) عبارت است از سمت گیری سیاسی ثابت و صحیح، سبک کار کوشنده و ساده، استراتژی و تاکتیک نرمش

پذیر. این است سه اصل مهم و ضرور برای تربیت یک سپاهی انقلابی در مبارزه علیه ژاپن. و طبق این اصول است که کارمندان و معلمان درس میدهند و دانشجویان تحصیل میکنند.

مورد حمله دشمن قرار گرفتن امر خوبی است نه بد (۲۶مه ۱۹۳۹)

ملت ما دارای یک شیوه سنتی مبارزه سخت بوده است که ما باید انرا بسط و توسعه دهیم.....بعلاوه حزب کمونیست همواره از یک سمت گیری سیاسی ثابت و صحیح طرف داری کرده است.....این سمت گیری از مبارزه سخت جدائی ناپذیر است. بدون سمت گیری سیاسی ثابت و صحیح محال است که بتوان شیوه مبارزه سخت را معمول داشت، و بدون شیوه مبارزه سخت غیر ممکن است که بتوان سمت گیری سیاسی ثابت و صحیح را نگه داشت.

نطق در میتینگ بین آن بمناسبت روز بین المللی کار (۱مه ۱۹۳۹)

وحدت، تحرک، جدیات، و شور و شوق

شعار برای دانشگاه "کان دا" (دانشگاه نظامی-سیاسی ضد ژاپنی)

آنچه که در دنیا بحساب میاید، وظیفه شناسی است، و حزب کمونیست از هر کس دیگری وظیفه شناس تر است.

نطق در ملاقات با دانشجویان و کار آموزان چینی مقیم شوروی (۱۷ نوامبر ۱۹۵۷)

۱۳- مناسبات بین افسران و سربازان

ارتش ما همیشه از دو رهنمود سیاسی پیروی میکند؛ اول این که ما نسبت به دشمنانمان بی رحم باشیم؛ ما باید آنها را از پا در بیاوریم و نابود سازیم. دوم این که ما باید نسبت به خودمان، نسبت به مردم و رفقایمان، نسبت بروئسا و زیر دستانمان، مهربان باشیم و با آنها متحد گردیم.

نطق در ضیافت کمیته مرکزی برای نمایندگان آموزش از واحدهای اخرتش در پشت

جبهه (۱۸ سپتامبر ۱۹۴۴)

ماز نقاط مختلف کشور باینجا آمده ایم و بخاطر هدف انقلابی مشترک گرد هم آمده ایم کادر های ما باید از یکایک سربازان مواظبت کنند، تمام رزمندگان صفوف انقلابی باید بیکدیگر توجه کنند، یکدیگر را دوست بدانند و بهم کمک کنند.

خدمت به خلق - (۸ سپتامبر ۱۹۴۴) آثار منتخب جلد ۳

در تمام واحد های ارتش باید جنبشی برای پشتیبانی از کادر ها و مواظبت از سربازان بر پا گردد. از کادر ها باید دعوت شود که از سربازان مواظبت شود و از سربازان نیز باید دعوت شود که از کادر ها پشتیبانی نمایند. آنها باید نواقص و اشتباهات یکدیگر را در میان گذارند و فوراً اصلاح نمایند. بدین طریق آنها قادر خواهند بود به وحدت درونی بسیار خوبی دست یابند.

وظایف سال ۱۹۴۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۴۴)

خیلی ها تصور میکنند مناسبات بین افسران و سربازان، ارتش و خلق از آن جهت تا کنون بهبود نیافته که شیوه های نادرستی بکار میرفته است، ولی من همسشه به آنها گفته ام که این مسئله ای است مربوط به برخورد اساسی (یا اصل اساسی)، یعنی مسئله احترام نهادن به سربازان و خلق. از همین برخورد است که رهنمودهای سیاسی، شیوه ها و اشکال خاص ناشی میشوند. بدون چنین برخوردی، رهنمود های سیاسی، و تمام شیوه ها و اشکال بدون تردید نادرست از اب در می آیند و بهبود مناسبات بین افسران و سربازان، ارتش و خلق بهیچتوجه مقدور نخواهد شد. سه اصل اساسی برای کار سیاسی در ارتش عبارتند از: ۱- وحدت افسران و سربازان ثانیاً وحدت بین ارتش و خلق، ثالثاً متلاشی ساختن ارتش دشمن. برای تحقق موثر باین اصول باید از یک برخورد اساسی شروع نمود، یعنی از احترام نهادن به سرباز، به خلق، به شخصیت اسرائیلی که اسلحه خود را زمین گذاشته اند. کسانی که تصور میکنند اینها همه موضوعات صرفاً فنی هستند و اصولاً مسئله برخورد اساسی مطرح نیست، واقعاً اشتباهند و باید نظر خود را اصلاح کنند.

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

کمونیستهای وقتی که بین زحمتکشان کار میکنند باید شیوه دموکراتیک اقناع و تربیت را به کار برند، نه این که به شیوه های آمرانه و جبری توسل جویند. حزب کمونیست چین از این اصل مارکسیستی -لنینیستی با صداقت تمام پیروی میکند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

رفقای ما باید درک کنند که تجدید تربیت ایدئولوژیک کاری است بس طولانی که باید با حوصله و دقت انجام بگیرد؛ آنها نباید سعی کنند که ایدئولوژی دیگران را که طی ده سال زندگی عملی بوجود آمده، در چندجلسه یا طی چند درس عوض کنند. دیگران را نه با زور و فشار بلکه فقد با دلیل و منطقه میتوان قانع کرد. زور و فشار هرگز باقناع آنان منجر نخواهد شد. تلاش در اقناع آنان بوسیله زور تلاشی عبث است. چنین شیوه ای فقد در برخورد با دشمنان جایز است ولی نه در برخورد با رفقا و دوستان.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیقاتی (۱۲مارس ۱۹۵۷)

باید بین دشمن و خودی به روشنی فرق گذاشت؛ در مقابل رفقا بهیچوجه نباید موضع آنتاگونیستی اتخاذ کرد و با آنها انچنان رفتار کرد که با دشمنان رفتار میشود. وقتی که انسان شروع بسخن میکند، باید دفاع پر شور از امر خلق و بالا بردن آگاهی سیاسی خلق رادر نظر بگیرد نه اینکه دیگرانرا بباد استهزا بگیرد و یا مورد حمله قراردهد.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیقاتی (۱۲مارس ۱۹۵۷)

۱۴- مناسبات بین ارتش و خلق

ارتش بایدبا خلق جوش بخورد تا آنکه خلق انرا ارتش خود بداند. چنین ارتشی شکست ناپذیر خواهد بود،

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۱

بایدبه هر رفیقی فهماند وقتی که ما به خلق تکیه کنیم، زمانی که به نیروی خلاقه زوال ناپذیر توده هایمان راسخ پیدا نمائیم، وبا ین ترتیب به خلق اعتمادکنیم وبا او یکی شویم، بر هر مشکلی غلبه خواهیم کرد وهیچ دشمنی قادر به شکست ما نخواهد بود، در حالیکه ما قادر خواهیم بود دشمن را در هم شکنیم.

درباره دولت ائتلافی(مه ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۳

رفقای ما بهر کجا که میروند، باید با توده ها مناسبات خوبی برقرارسازند، به آنها توجه کنند و در رفع مشکلاتشان مدد کار آنها باشند ما باید با توده ها متحد شویم؛ ما هر چه با توده های بیشتری متحد شویم، بهتر است.

درباره مذاکرات چون کین(۱۷اکتبر ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۴

ارتش در مناطق آزاد شده باید پشتیبان دولت و دوستار حق باشد، در حالی که دولت دموکراتیک باید خلق را در پشتیبانی از ارتش و توجه خاص نسبت به خانواده های سربازانی که علیه ژاپن می‌رزمند، رهبری کند. بدین طریق مناسبات میان ارتش و خلق باز هم بهتر خواهد شد.

درباره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

در ارتش ما وظیفه ما پشتیبانی از دولت و مواظبت از خلق باید از طریق تربیت ایدئولوژی فرماندهان و رزمندگان انجام گیرد تا آنکه آنها اهمیت این وظیفه را کاملاً درک کنند. ارتش در صورتی که این وظیفه را به خوبی انجام دهد، روابط ارگانهای محلی دولتی و خلق با ارتش نیز حسنه خواهند شد.

سیاست برای کار در مناطق آزاد شده در سال ۱۹۴۶ (۱۵ دسامبر ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۴

در جریان این جنبشها* ارتش از یکطرف و حزب و دولت از طرف دیگر باید نواقص و اشتباهاتی را که در سال ۱۹۴۳ داشته اند، کاملاً روشن سازند و آنها را در سال ۱۹۴۴ با قطعیت تصحیح نمایند. از این به بعد چنین جنبشهایی باید در ماه اول هر سال قمری در همه جا بر پا گردد و در جریان آن باید تعهد نامه هائی مبنی بر "پشتیبانی از دولت و مواظبت از خلق" و "پشتیبانی از ارتش و توجه خاص نسبت به خانواده های سربازانی که علیه ژاپن می‌رزمند" مکرر در مکرر قرائت گردد، و نظامیانی که در مناطق پایگاهی نسبت به افراد ارگانهای حزبی یا دولتی و یا نسبت به خلق رفتار آمرانه دارند، و یا این که اعضای حزب یا کارمندان دولتی و یا غیر نظامیانی که به نظامیان توجه کافی نمیکنند، باید در مقابل توده هامرتباً از خود انتقاد کنند (هر طرف باید فقط از خود انتقاد کند، نه از طرف مقابل) تا آن که این نواقص و اشتباهات کاملاً اصلاح گردند.

گسترش جنبشهایی برای کاهش بهره مالکانه، افزایش تولید و پشتیبانی از دولت و مواظبت از خلق در مناطق پایگاهی (۱۱ اکتبر ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

* جنبش برای پشتیبانی از دولت و مواظبت از خلق و جنبش برای پشتیبانی از ارتش و توجه خاص نسبت به خانواده های سربازانی که علیه ژاپن می‌رزمند

۱۵- دموکراسی در سه زمینه عمده

دموکراسی در ارتش باید بطور عمده بالغو تنبیهات بدنی و فحاشی که عملی فئودالی است، و همچنین با شرکت دادن افسران و سربازان در غم و شادی یکدیگر، تا حد معینی عملی

گردد. بدین ترتیب بین سربازان و افسران وحدت برقرار خواهد شد، قدرت پیکار ارتش فوق العاده بالا خواهد رفت و دیگر شکی در اینکه ما قادر به تحمل این جنگ سخت و طولانی هستیم، در میان نخواهد بود.

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۱

علت این که ارتش سرخ با وجود شرایط بد مادی و زد و خورد های مداوم همچنان پا بر جا مانده است، صرفنظر از نقش حزب، اجرای دموکراسی در درون ارتش است. با افسران و سربازان بطور یکسان رفتار میشود. افسران سربازان را کتک نمی‌زنند، سربازان در تشکیل جلسات و بیان نظرات خود آزادند؛ تشریفات مفصل و زائد حذف می‌گردند؛ بازرسی صورت دخل و خرج برای همگان آزاد است.... در چین همان قدر که مردم به دموکراسی نیاز دارند، ارتش نیز بدان نیازمند است. دموکراسی در ارتش ما سلاح مهمی است برای تلاشی ارتش مزدور فتووالی.

مبارزه در کوهستان جین گان (۲۵ نوامبر ۱۹۲۸) آثار منتخب جلد ۱

سیاستی که برای کار سیاسی واحد های ارتش ما در نظر گرفته شده، عبارت است از بسیج بی پروای توده سربازان و فرمانده هان و کلیه کارمندان تا آنکه بتوان از طریق جنبشی دموکراتیک تحت رهبری متمرکز به سه هدف عمده دست یافت یعنی به یک درجه عالی از وحدت سیاسی، به بهبود شرایط زندگی، و به تکنیک و تاکتیک نظامی بهتر رسید. جنبش سه بازرسی و سه اصلاح* که هم اکنون در واحد های ارتش ما با شور و حرارت جریان دارد، درست به این منظور بر پا گردیده که از طریق اسلو بهای دموکراتیک سیاسی اقتصادی بدو هدف اول از سه هدف فوق الذکر دست یافته شود. دموکراسی اقتصادی عبارت است از اینکه باید به نمایندگان منتخب سربازان حق داده شود در اداره امور مربوط به خوار و بار و تغذیه گروهان، فرمانده گروهان را یاری کنند (البته نباید از حدود دستگیری تجاوز کند). دموکراسی نظامی عبارت از اینست که باید افسران و سربازان و همچنین خود سربازان هنگام تعلیمات نظامی بیکدیگر تعلیم دهند؛ هنگام نبرد گروهانهاییکه در جبهه هستند، باید جلسات گوناگون بزرگ و کوچک تشکیل دهند. سربازان باید تحت رهبری فرمانده گروهان درباره طرق حمله بمواضع دشمن و راه تصرف آنها و طرز انجام ماموریت های جنگی به بحث بر انگیخته شوند؛ و چنان چه پیکار چند روز متوالی بطول انجامید، این جلسات نیز باید چندین بار تشکیل شوند. این نوع دموکراسی نظامی در نبرد "پان لون در شمال استان شنسی" و در نبرد "شی

جیاچونگ در ناحیه شانسی -چهار-هه به"؛ باموفقیت زیاد عملی شد. این نشان میدهد که دموکراسی نظامی سودمند است، زیانبخش نیست.

* سه بازرسی و سه اصلاح جنبش مهمی را برای تحکیم حزب و آموزش ایدئولوژیک در ارتش تشکیل میدهد که در رابطه با اصلاحات ارضی طی جنگ آزادیبخش توده ای از طرف حزب ما برانگیخته شده بود سه بازرسی درمحلها به معنای کنترل در منشاء طبقاتی، ایدئولوژی و سبک کار؛ در واحدهای مسلح کنترل در منشاء طبقاتی، حس وظیفه شناسی و اراده به مبارزه است. سه اصلاح یعنی استحکام تشکیلاتی، آموزش ایدئولوژیک و اصلاح سبک کار.

جنبش دموکراتیک در درون واحدهای ارتش (۳۰ ژانویه ۱۹۴۸)

درمبارزه بزرگ کنونی، حزب کمونیست چین از همه ارگانهای رهبری، اعضاء و کادرها ی خود گسترش حد اعلاى فعالیات را که یگانه وسیله تضمین پیروزی است، طلب میکند. این فعالیات باید بطور مشخص در این جهت باشد که ارگانهای رهبری، کادرها و اعضاء حزب، نیروی خلاقه خود را به کار اندازند، حس مسئولیت و شور و شوق نسبت به کار نشان دهند، بدون پروا و بجا سئوالات خود را مطرح کنند، نظریات خود را بیان نمایند، از معایب انتقاد کنند و همچنین فعالیات ارگانها و کادرهای رهبری را بطور رفیقانه کنترل کنند، وگر نه فعالیت مورد بحث ما سخنی پوچ و توخالی خواهد بود. گسترش این فعالیت منوط به دموکراتیزه کردن حیات حزب است. در صورت فروکش حیات دموکراتیک در حزب گسترش این فعالیت هدفی تحقق ناپذیر خواهد شد. تربیت انبوه کثیری از افراد شایسته تنها در محیطی دموکراتیک امکان پذیر است.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

هر کس که میخواهد باشد به شرط اینکه دشمن نباشد و بما کینه توزانه حمله نکند، باید به او اجازه صحبت داده شود، ولو اینکه صحبتش نادرست باشد. مسئولین درجات مختلف موظفند که به حرف دیگران گوش دهند. دو اصل باید در اینجا رعایت شود: ۱- درباره آنچه که میدانی سکوت اختیار نکن، آنچه گفتنی داری برای خودت نگه ندار؛ ۲- هیچکس را از جهت حرفی که زده است، گناهکار بدان، بلکه از گفته های او پند بگیر. بدون رعایت درست و نه کاذب اصل "هیچکس را از جهت حرفی که زده است، گناهکار بدان" این نتیجه که

"درباره آنچه که میدانی سکوت اختیار مکن، آنچه گفتنی داری، برای خودت نگه مدار" حاصل نخواهد شد.

وظایف سال ۱۹۴۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۴۴)

در داخل حزب باید در زمینه دموکراسی کار آموزشی شود تا بدین وسیله اعضای حزب بفهمند که دموکراسی چیست و پیوند میان دموکراسی و مرکزیت کدام است و چگونه باید مرکزیات دموکراتیک اعمال گردد. تنها بدین سان است که میتوان از یک طرف دموکراسی درون حزبی را عملاً توسعه داد و از طرف دیگر از دموکراسی افراطی واز بی بند وباری ناپود کننده انضباط جلوگیری کرد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

دموکراسی درون حزبی، چه در واحدهای نظامی و چه در ارگانهای محلی، باید به استحکام انضباط و تقویت نیروی رزمنده خدمت کند، نه به تضعیف آنها.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

دموکراسی افراطی را باید در حوزه تئوری ریشه کن کرد. قبل از هر چیز باید به این خطراشاره شود که دموکراسی افراطی موجب اختلال سازمانهای حزبی و یا تلاشی کامل آنها میگردد، نیروی پیکارجوی حزب را تضعیف میکند و یا حتی انرا کاملاً از بین میبرد، حزب را از اجرای وظایف مبارزاتی خود عاجز میسازد و در نتیجه انقلاب را به شکست میکشاند. علاوه بر این، باید خاطر نشان کرد که دموکراسی افراطی از بیزاری اندیوید والیستی خرده بورژوائی نسبت به انضباط سرچشمه میگردد. وقتی که چنین پدیده ای در درون حزب ظاهرشود، بصورت افکار دموکراتیک افراطی در زمینه سیاسی وتشکیلاتی در میاید. این افکار با وظایف مبارزاتی پرولتاریا بهیچوجه سازگار نیستند.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب (دسامبر ۱۹۲۹) آثار منتخب جلد ۱

۱۶- تربیت و تعلیم نیروهای نظامی

سیاست آموزش و پرورش ما باید برای تمام دانش پژوهان امکاناتی فراهم کند تا آنها بتوانند خود را از نظر اخلاقی، معنوی و جسمی رشد و پرورش دهند و به یک زحمتکش دارای آگاهی سوسیالیستی وبا معلومات بدل گردانند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در کار آموزش کادرها، چه برای آنهایی که کار می‌کنند و چه برای آنهایی که در مدارس کادرها مشغول تحصیل‌اند، باید از چنین مشی پیروی شود: دقت و توجه عمده نسبت به مطالعه مسائل پراتیک انقلاب چین، استفاده از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم به مثابه راهنمای عمل و لغو اسلوب آموزش مارکسیسم - لنینیسم به طور جامد و جدا از زندگی.

آموزش خود را از نو بسازیم مه ۱۸۴۱ آثار منتخب جلد ۳

در یک مدرسه نظامی مهمترین مسئله عبارت است از انتخاب مدیر و معلم و تعیین یک رهنمود آموزشی.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین دسامبر ۱۹۳۶ آثار منتخب جلد ۱

برای اداره یک آموزشگاه صد نفری احتیاج به یک گروه رهبری مرکب از چند نفر یا بیش از ده نفر است که طبق شرایط موجود تشکیل شده باشد (نه اینکه به طور مصنوعی سر هم بندی شده باشد) و فعالترین، درستکارترین و باهوش‌ترین آموزگاران و کارمندان و دانشجویان را در بر گیرد، و الا این آموزشگاه مطمئناً به خوبی اداره نخواهد شد.

درباره بعضی از مسائل مربوط به شیوه‌های رهبری ۱ ژوئن ۱۹۴۳ آثار منتخب جلد ۳

تمام افسران و سربازان ارتش ما باید مهارت نظامی خود را کامل کنند، برای پیروزی حتمی در جنگ متهورانه به پیش روند، و کلیه دشمنان را با قطعیت، از بیخ و بن و به طور تمام و کمال نابود سازند.

مانیفست ارتش آزادی‌بخش توده‌ای چین اکتبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

در برنامه یکساله‌ای که به تازگی شروع شده و هدفش تحکیم صفوف و تعلیمات نظامی است، باید جنبه‌های نظامی و سیاسی را از نظر اهمیت همسنگ دانست و آن دو را باهم تلفیق داد. در آغاز اجرای این نقشه باید تکیه عمده را روی جنبه سیاسی گذاشت، یعنی تکیه بر بهبود روابط بین افسران و سربازان، تحکیم و تقویت وحدت درونی و برانگیختن شور و شوق عالی در بین توده‌های کادرها و سربازان. تنها از این طریق است که تحکیم صفوف و تعلیمات نظامی آسانتر عملی می‌شود و به نتیجه بهتری می‌رسد.

وظایف سال ۱۹۴۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۴۴)

در مورد متد تعلیمات نظامی، ما باید جنبشی برای تعلیمات توده‌ای به راه اندازیم که در آن افسران به سربازان و سربازان به افسران و همچنین سربازان به سربازان تعلیم دهند.

رهنمود سیاسی برای کار در مناطق آزاد شده در سال ۱۹۴۶ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

شعار ما در امر تعلیمات قوای نظامی چنین است: "افسران به سربازان و سربازان به افسران و همچنین سربازان به سربازان تعلیم می‌دهند". رزمندگان تجربیات جنگی عملی فراوانی اندوخته‌اند. افسران باید از رزمندگان بیاموزند؛ بدین سان لیاقت و کاردانی آنها وقتی که تجربیات دیگران را گرفتند و در خود زنده کردند، بیشتر خواهد شد.

گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه شانسی - سوی یوان ۲ آوریل ۱۹۴۸ آثار منتخب جلد ۴

در مورد دوره‌های تعلیماتی، هدف عمده هنوز باید ارتقاء سطح تکنیک تیراندازی، جنگ سرنیزه، پرتاب نارنجک و غیره باشد؛ بالا بردن سطح تاکتیک باید هدف ثانوی باشد و در عین حال باید برای عملیات شبانه نیز اهمیت خاصی قایل شد.

رهنمود سیاسی برای کار در مناطق آزاد شده در سال ۱۹۴۶ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

۱۷- خدمت به خلق

ما باید فروتن با حزم باشیم، از غرور و تند خویی بپرهیزیم، و یکدل و یکجان به خلق چین خدمت کنیم

دو سرنوشت محتمل برای چین ۲۳ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

نقطه حرکت ما عبارت است از خدمت صمیمانه به خلق. جدا نشدن از توده‌ها حتی برای یک لحظه، در همه موارد منافع خلق و نه منافع فرد یا گروه کوچکی را مبدأ گرفتن، مسئولیت در برابر خلق را با مسئولیت در برابر ارگانهای رهبری حزب یکی دانستن.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

ارگانهای دولتی باید مجری اصل سانترالیسم دموکراتیک باشند؛ آنها باید به توده‌های مردم اتکا کنند و کارمندانشان باید خدمتگزار خلق باشند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

روحیه رفیق "بسیون"، یعنی اینکه بدون کوچکترین توجه به منافع شخصی خود را تماماً وقف دیگران کردن، در حس عمیق وظیفه‌شناسی در کار و علاقه آتشین وی نسبت به رفقا و مردم تجلی می‌کرد. کمونیستها باید این صفات را از او بیاموزند.

ما همگی باید از خود گذشتگی و فداکاری را از او بیاموزیم. با چنین روحیه‌ای هر کس می‌تواند انسانی سودمند به حال مردم گردد. انسان ممکن است کم توان یا پرتوان باشد، ولی با داشتن چنین روحیه‌ای می‌تواند بلند همت، پاک‌نهاد، خوش‌اخلاق و عاری از فرومایگی گردید و به حال مردم مفید واقع شد.

به یاد بسیون ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

حزب کمونیست ما و همچنین ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید که تحت رهبری حزب قرار دارند، همگی گردانهای انقلاب‌اند. این گردانهای ما کاملاً وقف آزادی خلق‌اند و تماماً در جهت منافع خلق کار می‌کنند.

خدمت به خلق ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

همه کادرهای ما صرف نظر از رتبه و مقامشان خدمتگزاران خلق‌اند، و هر کاری که ما می‌کنیم برای خدمت به خلق است. در چنین صورتی چگونه ما می‌توانیم صفات نکوهیده را از خود دور نکنیم؟

وظایف سال ۱۹۴۵ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۴

وظیفه ما اینست که مسئولیت خود را در قبال خلق حفظ کنیم. هر یک از سخنان ما، هر یک از اعمال و هر یک از رهنمودهای سیاسی ما، همه باید پاسخگوی منافع خلق باشند، و اگر خطایی روی دهد، باید اصلاح شود - این همان چیزی است که مسئولیت در قبال خلق نامیده می‌شود.

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن ۱۳ اوت ۱۹۴۵ آثار

منتخب جلد ۴

در هر کجا که مبارزه هست، قربانی نیز وجود دارد، و مرگ انسان امری طبیعی است. ولی ما به منافع خلق و به رنجهای اکثریت عظیم خلق می‌اندیشیم، و چنانچه جان خود را به

خاطر خلق از دست دهیم، مرگ ما مرگی ارزنده خواهد بود. معذالک ما باید با تمام قوا بکوشیم تا حتی الامکان از شماره قربانیان غیر لازم کاسته شود.

خدمت به خلق ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

انسان ناگزیر می‌میرد، ولی همه مرگ‌ها دارای ارزش مساوی نیستند. نویسنده باستانی چین "سیما چیان" می‌نویسد: "همه کس می‌میرد، ولی مرگ یکی ممکن است سنگین‌تر از کوه "تای" و مرگ دیگری سبکتر از پر قو باشد". مرگ به خاطر منافع خلق سنگین‌تر از کوه تای است، ولی خدمت به فاشیست‌ها و مرگ به خاطر منافع استثمارگران و ستمگران سبکتر از پر قو است.

خدمت به خلق ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

۱۸- میهن‌پرستی و انترناسیونالیسم

آیا کمونیستی که انترناسیونالیسم است می‌تواند در عین حال میهن‌پرست هم باشد؟ ما معتقدیم که نه تنها می‌تواند بلکه باید هم چنین باشد. شرایط تاریخی مضمون کنکرت میهن‌پرستی را معین می‌کند. هم "میهن‌پرستی" متجاوزین ژاپنی و هیتلر وجود اردو هم میهن‌پرستی ما. کمونیست‌ها باید قاطعانه به آن به اصطلاح میهن‌پرستی متجاوزین ژاپنی و هیتلر مبارزه کنند. کمونیست‌های ژاپن و آلمان در مقابل جنگ‌هایی که کشورهايشان به پا کرده‌اند، شکست طلب هستند؛ در هم شکستن متجاوزین ژاپنی و هیتلر با تمام وسایل ممکن، در جهت منافع خلق‌های ژاپن و آلمان سیر می‌کند، و هر چه شکست آنان کاملتر باشد، بهتر است

زیرا جنگ‌هایی که متجاوزین ژاپنی و هیتلر برپا کرده‌اند، هم به خلق‌های جهان صدمه می‌زند و هم به خلق‌های خودشان. ولی وضع چین فرق می‌کند، زیرا که چین قربانی یک تجاوز شده است.

به همین جهت است که کمونیست‌های چین باید میهن‌پرستی را با انترناسیونالیسم پیوند دهند. ما در عین حال انترناسیونالیسم، میهن‌پرست نیز هستیم. شعر ما اینست: "پیکار علیه متجاوزین به خاطر دفاع از میهن". شکست‌طلبی برای ما به معنای جنایت است، و کوشش برای نیل به پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی وظیفه تخطی ناپذیر ماست. زیرا فقط از طریق مبارزه به خاطر دفاع از میهن است که ما می‌توانیم متجاوزین را مغلوب و به آزادی

ملی دست یابیم و فقط در صورت نیل به آزادی ملی است که برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان امکان کسب آزادی فراهم خواهد گشت. پیروزی چین و شکست امپریالیستهای مهاجم، به خلق‌های کشورهای دیگر کمک خواهد کرد. بدین سبب میهن‌پرستی عملاً همان تحقق انترناسیونالیسم در جنگ‌های آزادی‌بخش ملی است.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

این چه روحیه‌ایست که یک خارجی را وا می‌دارد بدون هیچگونه انگیزه سودجویانه، امر آزادی خلق چین را مربوط به خود بدانند؟ این روحیه انترناسیونالیستی و کمونیستی است که باید هر کمونیست چینی از آن بیاموزد ما باید با پرولتاریا کلیه کشورهای سرمایه‌داری متحد گردیم، یعنی باید با پرولتاریای ژاپن، انگلستان، ایالت متحده امریکا، آلمان و ایتالیا و سایر کشورهای سرمایه‌داری متحد شویم، زیرا این یگانه راهی است که ما از طریق آن می‌توانیم امپریالیسم را از پا در آورده و به آزادی ملت و خلق خود و ملل و خلق‌های جهان دست یابیم. این است انترناسیونالیسم ما، انترناسیونالیسمی که بدان وسیله علیه ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه و میهن‌پرستی کوتاه‌نظرانه مبارزه می‌کنیم.

به یاد بسیون ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

خلق‌های ستمدیده در پیکار برای آزادی کامل خود باید نخست به مبارزه خود و فقط آنگاه به کمک بین‌المللی اتکا کنند. خلق‌هایی که در انقلاب خود به پیروزی رسیده‌اند، باید به خلق‌هایی که هنوز برای آزادی مبارزه می‌کنند، کمک نمایند. این وظیفه انترناسیونالیستی ماست.

گفتگو با دوستان افریقایی ۸ اوت ۱۹۶۳

کشورهای سوسیالیستی کشورهای کاملاً طراز نوینی هستند که در آنجا طبقات استثمارگر واژگون شده و زحمتکشان قدرت سیاسی را به چنگ آورده‌اند. در مناسبات بین این کشورها اصل تلفیق انترناسیونالیسم و میهن‌پرستی به مرحله عمل در می‌آید منافع مشترک و آرمان‌های مشترک، ما را به طور فشرده به هم پیوند داده‌اند.

سخنرانی در مجلس شورای عالی اتحاد شوروی به مناسبت چهلمین سالگشت انقلاب

اکتبر سوسیالیستی ۶ نوامبر ۱۹۵۷

خلق‌های کشورهای اردوگاه سوسیالیستی باید متحد شوند؛ خلق‌های تمام قاره‌ها باید متحد شوند؛ تمام کشورهای صلح‌دوست باید متحد شوند؛ تمام کشورهای قربانی تجاوز، کنترل، مداخله و تزییق امریکا باید متحد شوند و وسیع‌ترین جبهه واحد را علیه سیاست تجاوز و جنگ امپریالیسم امریکا و به خاطر حفظ صلح جهانی تشکیل دهند.

بیان نامه در پشتیبانی از مبارزه عادلانه و میهن‌پرستانه خلق پاناما علیه امپریالیسم امریکا ۱۲ ژانویه ۱۹۶۴

اشیاء و پدیده‌ها دائماً در حال رشد و تکامل‌اند. از انقلاب ۱۹۱۱ تا کنون هنوز ۴۵ سال بیش نمی‌گذرد، ولی سیمای چین کاملاً دگرگون گردیده است. ۴۵ سال دیگر یعنی در سال ۲۰۰۱ درست در سرآغاز قرن بیست و یکم سیمای چین باز هم بیشتر دگرگون خواهد گشت. چین به یک کشور مقتدر صنعتی سوسیالیستی مبدل خواهد شد. و همینطور هم باید باشد. چین کشوری است به مساحت ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع با جمعیتی برابر ۶۰۰ میلیون نفر و بایستی در راه امر بشریت سهم باز هم بزرگتری ادا کند. خدمت چین طی سالیان متمادی بسیار کم بوده است. ما از این امر خیلی متأسفیم. ولی ما باید فروتن باشیم - نه فقط اکنون بلکه بعد از ۴۵ سال دیگر نیز باید فروتن باشیم. ما باید همیشه فروتن باشیم. ما چینی‌ها در مناسبات بین‌المللی باید شوینیسیم عظمت‌طلبانه را با قطعیت، از بیخ و بن و به طور تمام و کمال از میان برداریم.

به یاد دکتر سون یاتسن نوامبر ۱۹۵۶

ما به هیچ وجه نباید برخورد مغرورانه شوینیستی عظمت‌طلبانه داشته باشیم و در اثر پیروزی در انقلاب و بعضی موفقیتها در کار ساختمانی به خود غره شویم. هر کشور، خواه بزرگ باشد خواه کوچک، دارای نقاط مثبت و منفی است.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره حزب کمونیست چین ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶

۱۹- قهرمانی انقلابی

این ارتش روحیه‌ای تسلط‌ناپذیر دارد و مصمم است بر تمام دشمنان غلبه کند و هرگز تن به انقیاد ندهد. علی‌رغم تمام سختی‌ها و دشواری‌ها اگر حتی یک فرد هم بماند، تا آخرین نفس خواهد جنگید.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

بگذار سبک رزمنده تهور داشتن در نبرد، نترسیدن از قربانی و نهراسیدن از خستگی و پیکارهای مداوم (به مفهوم نبردهای پی در پی در زمان کوتاه و بدون استراحت) بشکند.

اوضاع کنونی و وظایف ما ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده‌اند، بگذار درفش آنها را برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است، به پیش رویم!

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

عزم راسخ داشته باش، از قربانی نهراس، بر هر گونه مشکلی غلبه کن تا پیروز شوی.

یوگون پیرمردی که کوه را از جا می‌کند ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

در لحظه حساس گسترش لشکرکشی به شمال، ... در اثر سیاست خائنانه و ضد خلقی مقامات گومیندان، سیاستی که بروز آن در "تصفیه حزب" و ترور خونین دیده می‌شد، این جبهه واحد ملی - جبهه مرکب از گومیندان، حزب کمونیست و تمام آن بخش‌های خلق که مظهر امر نجات خلق چین است - و همچنین کلیه رهنمودهای سیاسی انقلابی آن در هم شکست از آن پس جنگ داخلی به جای وحدت، دیکتاتوری به جای دموکراسی، چین تیره و تار به جای چین تابناک نشست. اما حزب کمونیست چین و خلق چین نه به هراس افتادند، نه به انقیاد گردن نهادند، و نه به نابودی تن دادند، بلکه دوباره به پا خاستند، خون‌ها را پاک کردند، رفیقان شهید را به خاک سپردند و مبارزه را از سر گرفتند، با برافراشته نگهداشتن درفش انقلاب به مقاومت مسلح برخاستند، در مناطق پهناوری از چین حکومت خلق را برپا کردند، به اصلاحات ارضی پرداختند، ارتش توده‌ای - ارتش سرخ چین - را تأسیس کردند و سپس توسعه بخشیدند.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

شما خصایل نیکوی زیادی دارید و خدمت بزرگی انجام داده‌اید، ولی همیشه باید از غرور و تکبر پرهیز کنید. شما به حق مورد احترام همگان هستید، ولی این به آسانی می‌تواند موجب خودبینی گردد. اگر شما خودبین شوید، اگر شما فروتن نباشید و از کوشش و مجاهدت دست بکشید، اگر شما برای دیگران احترام قایل نشوید، کادرها و توده‌ها را محترم

نشمارید، آنگاه دیگر از قهرمانی و نمونه بودن اثری در شما باقی نخواهد ماند. در گذشته چنین اشخاصی وجود داشته‌اند، ولی من امیدوارم که شما از آنها سرمشق نگیرید.

ما باید طرز کار اقتصادی را بیاموزیم ۱۰ ژانویه ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

شما در پیکار برای محو نابودی دشمن، در پیکار برای احیاء و اعتلاء تولیدات صنعتی و کشاورزی دشواریها و سختیهای بسیاری را بر طرف ساخته‌اید، شجاعت، درایت و قوه ابتکار خود را به نحو بارزی به منصفه ظهور رسانده‌اید. شما سرمشق تمام ملت چین هستید؛ شما ستون فقرات پیشرفت ظفرمند امر خلق در زمینه‌های گوناگون هستید؛ شما پایه‌های مطمئن دولت توده‌ای و پلی هستید که دولت توده‌ای را با توده‌های وسیع مربوط می‌سازد.

پیام تهنیت‌آمیز به نام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به جلسه نمایندگان قهرمانان رزمنده و کارگران نمونه سراسر کشور ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۰

ما ملت چین دارای چنین روحیه‌ای هستیم: تا آخرین قطره خون خود علیه دشمن پیکار می‌کنیم و مصمم هستیم خاک از دست رفته خود را با کوشش و مجاهدت پس بگیریم و توانایی آن را داریم که در خانواده ملتها بر روی دو پای خود بایستیم.

درباره تاکتیکهای مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن ۲۷ دسامبر ۱۹۳۵ آثار منتخب جلد ۱

۲۰- ساختمان کشور از طریق پشتکار و صرفه جویی

تمام کادرها و همه مردم باید دائما در خاطر داشته باشند که چین یک کشور سوسیالیستی بزرگ و در ضمن از نظر اقتصاد کشوری عقب مانده و فقیر است. این تضاد بسیار بزرگی است. برای اینکه بتوان از چین کشوری ثروتمند و نیرومند ساخت، به ده ها سال کار و زحمت احتیاج است که منجمله کوشش برای اجرای سیستم صرفه جویی و مبارزه با اسراف، یعنی سیاست ساختمانی کشور از طریق پشتکار و صرفه جویی را ایجاب می‌کند.

در باره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

در اداره کردن کارخانجات، فروشگاه ها، موسسات دولتی، کثوپراتیوها و موسسات دیگر باید پشتکار از خود نشان داد و صرفه جویی نمود. اصل پشتکار داشتن و صرفه جویی کردن باید در مورد همه چیز مراعات شود. اصل صرفه جویی یکی از اصول اساسی اقتصاد سوسیالیستی است. چین کشوری بزرگ ولی خیلی فقیر است. هنوز به ده ها سال وقت نیاز

است تا بتوان چینی فرخنده و خجسته ساخت. حتی در آن موقع هم ما باید اصل پشتکار داشتن و صرفه جویی کردن را مراعات کنیم. اما بخصوص در چند ده سال آینده و در دوره کنونی نقشه های پنج ساله، ما باید از خود پشتکار نشان دهیم، صرفه جویی کنیم و به اقتصاد توجه خاصی مبذول داریم.

مقدمه بر مقاله اداره کردن یک کئوپراتیو با پشتکار و صرفه جویی (۱۹۵۵)

ما در هر جا که هستیم، باید نیروی انسانی و منابع مادی را گرانبها بداریم و به هیچ وجه نباید دوراندیشی خود را از دست داده، غرق در اسراف و ولخرجی شویم. ما هر جا که هستیم، از همان نخستین سال آغاز کار خود، باید سالهای آینده، جنگ طولانی که باید ادامه یابد و حمله متقابل و کار ساختمانی پس از بیرون راندن دشمن را بحساب بیاوریم. ما از یک طرف هرگز نباید ولخرجی و اسراف کنیم و از طرف دیگر باید میزان تولید را بطور فعال توسعه دهیم. در گذشته، در بعضی جاها، مردم سخت در مضیقه بودند، زیرا آنها مسائل را از یک دید طولانی نمی دیدند و به صرفه جویی در نیروی انسانی و منابع مادی و افزایش میزان تولید توجهی نمی کردند. این درس است و ما باید بدان توجه کنیم.

ما باید طرز کار اقتصادی را بیاموزیم (۱۰ ژانویه ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

به منظور تسریع در احیاء و پیشرفت تولیدات کشاورزی و صنعتی در شهر های کوچک، ما باید در جریان مبارزه برای محو سئیم قئودالی تمام هم و کوشش خود را بکار بریم تا تمام آن وسایل تولید و وسایل زندگی را که قابل استفاده هستند، حفظ کنیم، اقدامات مقتضی علیه هر کسی که آنها را تخریب و ضایع کند، اتخاذ کنیم، با افراط در خوردن و نوشیدن مبارزه کنیم و به صرفه جویی و اقتصاد توجه کنیم.

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شانسی-سوی یوان (۱ آوریل ۱۹۴۸)

آثار منتخب جلد ۴

صرفه جویی در هزینه دولت باید رهنمود اصلی باشد. باید برای تمام کارمندان دولت روشن شود که اختلاس و اسراف جنایتی بس عظیم هستند. هرچند که مبارزات ما علیه اختلاس و اسراف هم اکنون بشمر رسیده اند، ولی باز کوشش بیشتری لازم است. سیستم محاسباتی ما باید این اصل را رهنمون باشد که بخاطر امر جنگ، بخاطر امر انقلاب، بخاطر ساختمان اقتصادی حتی یک شاهی را هم باید صرفه جویی کرد.

سیاست اقتصادی ما (۲۳ ژانویه ۱۹۳۴) آثار منتخب جلد ۱

در حال حاضر در میان بسیاری از کارمندان ما گرایش خطرناکی در حال رشد است که مظاهر آن عبارتند از: عدم تمایل به شرکت در غم و شادی توده ها و فقط بدنبال کسب نام و نشان و نفع شخصی رفتن. این گرایش بسیار ناسالمی است.

ما در جریان جنبش برای افزایش تولید و اجرای سیستم صرفه جویی خواستار ساده کردن دستگاه اداری، اعزام کادرها به سازمانهای پایین تر هستیم تا عده زیادی از کادرها مجدداً به کار تولیدی باز گردند. این یکی از شیوه هایی است که میتوان برای برطرف ساختن اینگونه گرایشهای خطرناک به کار برد.

در باره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

کار تولیدی ارتش برای رفع نیازمندی های خود نه تنها شرایط زندگی ارتش را بهتر کرده بلکه بار سنگین خلق را هم سبکتر نموده است، و بدین وسیله توسعه ارتش را ممکن گردانیده است. بعلاوه این امر تاثیرات جنبی فوری زیادی نیز داشته است که عبارتند از:

۱- بهبود مناسبات بین افسران و سربازان. افسران و سربازان به اتفاق هم بکار تولیدی می پردازند و به یکدیگر دست برادری می دهند.

۲- برخورد بهتر نسبت به کار... از زمانی که ارتش برای رفع نیازمندی های خود شروع به کار تولیدی کرده، برخورد نسبت به کار بهتر گردیده و رسوم و عادات ولگردمآبانه برطرف شده است.

۳- تقویت انضباط. انضباط در امور تولیدی نه تنها انضباط در زندگی ارتش را تضعیف نمی کند بلکه در واقع باعث تقویت آن می گردد.

۴- بهبود مناسبات بین ارتش و خلق. هرگاه یکی از واحد های نظامی دست بکار اداره "امور خانگی" خود گردد، تعرض به مال مردم بندرت و یا هرگز پیش نمی آید. از آنجا که ارتش و خلق در امور تولیدی با تبادل نیروی کار به یکدیگر کمک می کنند، دوستی بین آنها تقویت می گردد.

۵- کم شدن شکایات ارتش از دولت و بهبود مناسبات آنها.

۶- برانگیختن خلق به جنبش عظیم تولیدی. هر گاه ارتش بکار تولیدی بپردازد، نیاز ادارات دولتی به تولید عیان تر می گردد، و آنها با انرژی بیشتری به این کار مشغول می

شوند، و همچنین نیاز به یک جنبش وسیع تمام خلقی برای افزایش تولید طبیعتاً آشکارتر می شود و با انرژی بیشتری بر آورده می گردد.

در باره کار تولیدی ارتش برای رفع نیازمندیهای خود و در باره اهمیت جنبش عظیم اصلاح سبک کار و کار تولیدی (۲۷ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

بعضی ها ادعا می کنند که اگر واحد های نظامی به امور تولیدی مشغول شوند، دیگر نه می توانند در جنگ شرکت کنند و نه در تعلیمات نظامی، و اگر کارمندان دولتی و سایر سازمانها نیز بکار تولیدی بپردازند، دیگر قادر به انجام کارهای خود نخواهند بود. این ادعا درست نیست. در سالهای اخیر، واحدهای نظامی ما در ناحیه مرزی برای تهیه مواد غذایی و پوشاک فراوان به مقیاس وسیعی به امور تولیدی اشتغال یافتند و در عین حال با موفقیت بیشتری به تعلیمات نظامی، مطالعه سیاسی و آموختن خواندن و نوشتن نیز پرداختند، و از اینجاست که در داخل ارتش و بین ارتش و خلق همبستگی فشرده تری بوجود آمده است. سال گذشته، در حالیکه جنبش تولیدی دامنه داری در جبهه بچشم می خورد، موفقیت های عظیمی نیز در جنگ حاصل گشت و بعلاوه جنبش وسیعی هم برای تعلیمات نظامی بر پا گردید. در نتیجه فعالیت تولیدی، شرایط زندگی کارمندان دولتی و سایر سازمانها بهبود یافته و درجه فداکاری آنها بالا تر رفته است. چنین وضعی هم در ناحیه مرزی به چشم می خورد و هم در جبهه.

ما باید طرز کار اقتصادی را بیاموزیم (۱۰ ژانویه ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

۲۱- اتکا به نیروی خود و مبارزه سرسختانه

سیاست ما باید بر چه اساسی مبتنی باشد؟ سیاست ما باید بر اساس نیروی خودمان مبتنی باشد - این به معنای اتکا به خود است. ما تنها نیستیم؛ تمام کشورها و خلق های جهان که علیه امپریالیسم می رزمند، دوستان ما هستند. معهذاً ما اصل اتکا به نیروی خود را تأکید می کنیم. ما با اتکا به نیروی متشکل خود می توانیم کلیه مرتجعین داخلی و خارجی را در هم بکوبیم.

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت علیه ژاپن ۱۳ اوت ۱۹۴۵ آثار

منتخب جلد ۴

ما معتقد به اصل اتکاء به نیروی خود هستیم. ما با کمال میل کمک‌های خارجی را قبول می‌کنیم، ولی به هیچ وجه نمی‌توانیم به آن وابسته باشیم؛ ما به سعی و کوشش خود، به نیروی خلاق تمام ارتش و کلیه خلق متکی هستیم.

ما باید طرز کار اقتصادی را بیاموزیم ۱۰ ژانویه ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

نیل به پیروزی سراسری کشور، تنها نخستین گامی است از یک راهپیمایی دور و دراز ده هزار لی.

... انقلاب چین انقلاب کبیری است، ولی پس از این انقلاب راهی که باید پیموده شود، بسیار طولانی‌تر و کار ما بس خطیر تر و سخت تر خواهد بود. این نکته‌ای است که باید از هم‌اکنون در حزب ما روشن گردد. به رفقا باید کمک شود تا در سبک کار خود کما فی‌السابق فروتن، با حزم و عاری از هر گونه تکبر و شتابزدگی بمانند، و شیوه زندگی ساده و مبارزه سرسختانه را حفظ کنند.

گزارش به دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

ما باید این فکر را از سر کادرهای خود خارج کنیم که پیروزی را می‌توان به باری بخت و اقبال و بدون مبارزه‌ای سخت و تلخ و بدون خون و عرق به آسانی به دست آورد.

در شمال شرقی مناطق پایگاهی مستحکم بنا نهید ۲۸ دسامبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

ما باید پیوسته ترقیات جهان و آینده تابناک آن را در میان خلق تبلیغ کنیم تا خلق از این طریق به پیروزی ایمان یابد. در عین حال ما باید به خلق و رفقای خود بگوئیم که راه ما راهی پر پیچ و خم است. بر سر راه انقلاب هنوز موانع و مشکلات بسیاری هست. هفتمین کنگره حزب ما پیش‌بینی کرده است که ما با مشکلات فراوانی مواجه خواهیم شد، ما ترجیح می‌دهیم مشکلات خود را بیش از آنچه خواهد بود، به حساب بیاوریم. بعضی از رفقا نمی‌خواهند زیاد به مشکلات بیندیشند. ولی مشکلات واقعیت‌اند؛ ما باید مشکلات را آن اندازه که هست، بشناسیم و از روشی که منجر به "نشناختن" آنها گردد، بر حذر باشیم. ما باید وجود مشکلات را قبول کنیم، آنها را مورد تحلیل قرار دهیم و با آنها به مبارزه برخیزیم. در جهان هیچ راه راستی نیست؛ ما باید آماده پیمودن راه پر پیچ و خم باشیم؛ ما نباید فکر کنیم که کامیابی‌ها به ارزانی به دست می‌آیند. نباید تصور کرد که همه مرتجعین در یک

سحرگاه خوش منظر به رضای خود به زانو در خواهند آمد. خلاصه، آینده درخشان است و راه پر پیچ و خم. ما هنوز مشکلات زیادی در برابر داریم که نباید آنها را نادیده انگاریم. چنانچه ما با قاطبه خلق متحد شده و تشریک مساعی نمائیم، یقیناً خواهیم توانست بر تمام مشکلات فائق گردیم و به پیروزی نائل آییم.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

هر کسی که فقط جنبه‌های تابناک را ببیند و به دشواری‌ها توجه نکند، قادر به پیکار مؤثر در راه انجام وظایف حزبی نخواهد بود.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

ثروت جامعه را کارگران، دهقانان و روشنفکران زحمتکش می‌آفرینند. آنها در صورتیکه سرنوشت خویش را به دست گیرند، از یک مشی مارکسیستی - لنینیستی پیروی کنند و در حل مسائل به عوض اینکه از زیر بار آن شانه خالی کنند، بر خورد فعال داشته باشند، دیگر هیچ مشکلی در جهان نخواهد بود که نتواند بر طرف شود.

مقدمه بر مقاله دبیر حزبی رهبری رابه دست می‌گیرد تمام اعضای حزب در اداره کردن کئوپراتیو کمک می‌کنند ۱۹۵۵

رفقای حزبی باید همگی تمام اینها را کاملاً به حساب بیاورند و آماده باشند با اراده‌ای خلل ناپذیر و طبق برنامه کلیه دشواری‌ها را برطرف سازند. هم نیروهای ارتجاعی و هم ما، هر دو با دشواری‌ها و مشکلاتی روبرو هستیم. زیرا آنها نیروهایی هستند در شرف زوال و آینده‌ای در پیش ندارند. ولی مشکلات ما رفع شدنی است، زیرا که ما نیروهای نو ظهوریم و آینده‌ای درخشان در پیش داریم.

درد به اوج نوین انقلاب چین ۱ فوریه ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

رفقای ما در روزهای سخت نباید کامیابی‌های خود را از نظر دور بدارند، بلکه باید به آینده تابناک نظر افکنند و نیروی جرأت و جسارت خود را بالا برند.

خدمت به خلق ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

هر پدیده نو همواره از راه پر پیچ و خم و در مبارزه با مشکلات رشد مییابد. خیال باطلی است اگر فکر کنیم که به امر سوسیالیسم می توان بدون برخورد با دشواریها و عبور از راههای پر پیچ و خم و بدون صرف حداکثر نیرو و تحقق بخشید، و یا فکر کنیم که کامیابی را باد موافق به رایگان می آورد و موفقیت سهل و آسان به دست می آید.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

در مبارزات انقلابی بعضی مواقع مشکلات بر شرایط مساعد می چربند؛ در چنین حالتی مشکلات جهت عمده و شرایط مساعد جهت غیر عمده تضاد را تشکیل می دهند. ولی انقلابیون می توانند با مساعی و همت خود بر مشکلات به تدریج چیره گردند و وضع مساعد نوینی به وجود آورند؛ از این راه است که وضع مساعد جایگزین وضع نامساعد می شود.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

کار چیست؟ کار مبارزه است. در آن نقاط مشکلات و مسائلی وجود دارد که حل آن بر عهده ماست. برای غلبه بر این مشکلات است که ما به آنجا رفته کار و مبارزه می کنیم. رفیق خوب آن کسی است که بیشتر مایل به عزیمت به آن محلی باشد که از همه جا بیشتر مشکلات دارد.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

داستانی موسوم به "یوگون، پیرمردی که کوه را از جا می کند" از چین باستان در دست است که می گوید: در روزگارهای پیشین، در شمال چین، پیرمردی معروف به "یوگون پیرمرد کوهستان شمال" میزیسته که دو کوه بلند به نام "نای خان" و "وان او" راه کلبه اش را به سمت جنوب مسدود کرده بودند. "یوگون" تصمیم گرفت به اتفاق پسرانش آن دو کوه را با کلنگ از جا بکند. پیرمرد دیگری به نام "چی سو" از دیدن آنان لب به تمسخر گشود و گفت: "زهی حماقت و نادانی! چطور شما چند نفر می توانید این دو کوه سر به آسمان کشیده را از جا بکنید!" "یوگون" در جواب گفت: "اگر من بمیرم، فرزندانم اینکار را ادامه خواهند داد و اگر فرزندانم بمیرند، نوه هایم خواهند بود و اینکار همین طور نسل اندر نسل دنبال خواهد شد. بله، درست است که این دو کوه بلندند، ولی هرگز از این بلندتر نخواهند شد، بلکه به عکس ما با هر قطعه که می کنیم، کوچکتر خواهند شد. چرا ما نباید قادر به کندن این دو کوه باشیم؟" "یوگون" پس از رد نظر نادرست "چی سو"، بدون کوچکترین تزلزلی هر روز

همچنان به کوه کنی ادامه می‌داد تا اینکه سرانجام خداوند به سر رحم آمد و دو فرشته به زمین نازل کرد تا آن دو کوه را به دوش گرفته و به جای دیگر حمل کنند. در حال حاضر برگرده خلق چین نیز دو کوه عظیم سنگینی می‌کند که یکی امپریالیسم و دیگری فئودالیسم نام دارد. حزب کمونست چین دیر باز است که مصمم به از جا کندن این دو کوه گردیده. ما باید در کار خود پیگیری و مداومت نشان دهیم؛ ما دل خدا را هم به دست خواهیم آورد، ولی این خدای ما هیچ کس دیگری به جز توده‌های وسیع مردم چین نیست. در صورتیکه آنها بپا خیزند و به اتفاق ما به کوه کنی بپردازند، آیا باز هم قادر به کندن این دو کوه خواهیم بود؟

یوگون ، پیرمردی که کوه را از جا می‌کند ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

۲۲- شیوه های تفکر و اسلوبهای کار

تاریخ بشریت، تاریخ رشد مداوم از قلمرو ضرورت به آزادی است. این پروسه را هرگز انتهای نیست. در جامعه طبقاتی، مبارزه طبقاتی هیچگاه پایان نمی پذیرد. در جامعه بدون طبقه مبارزه بین نو و کهنه، مبارزه بین درست و نادرست هرگز تمام شدنی نیست. در زمینه مبارزه تولیدی و ازمونهای علمی، بشریت پیوسته در حال پیشرفت است و طبیعت لاینقطع دگرگون میشود؛ این پروسه هیچگاه در سطح معینی ساکن نمیماند. بنابراین انسان باید همواره تجربیات را جمع بندی کند و پیوسته به اکتشاف اختراع، افرینش. پیشرفت ادامه دهد. سکون، بدبینی، بیحالی و خود پسندی همگی نادرستند، و بدین جهت نادرستند که نه با واقعیت تاریخی تکامل یک میلیون ساله جامعه بشر وفق میدهند و نه با حقایق تاریخی که ما تا کنون از طبیعت شناخته ایم (یعنی طبیعتی که در تاریخ اجرام سماوی، زمین، بیولوژی و سایر علوم طبیعی شناخته شده است).

نقل شده در (گزارش نخست وزیر چوئن لای درباره کار دولت به اولین اجلاس سومین دوره کنفرانس کشوری نمایندگان خلق جمهوری توده ای چین ۲۱-۲۲ دسامبر ۱۹۶۴)

علوم طبیعی یکی از سلاحهای انسان در پیکار بخاطر آزادی است. برای نیل به آزادی در جامعه، انسان باید از علوم اجتماعی جهت درک و تغییر جامعه استفاده کند و به انقلاب اجتماعی دست زند. برای نیل به آزادی در جهان طبیعت، انسان باید بیاری علوم طبیعی طبیعت را بشناسد، بر طبیعت چیره گردد، آنرا دگرگون سازد و بدین سان آزادی را از طبیعت بدست آورد.

سخنرانی در جلسه تاسیس انجمن تحقیقات علوم طبیعی در نواحی مرزی (۵ فوریه ۱۹۴۰)

فلسفه مارکسیستی، ماتریالیسم دیالکتیک، دارای دو ویژگی کاملاً بارز است. ویژگی اول: خصلت طبقاتی آنست - این فلسفه بصراحت اعلام میکند که ماتریالیسم دیالکتیک در خدمت پرولتاریاست. ویژگی دوم - خصلت عملی آنست - یعنی تأکید بر وابستگی تئوری به پراتیک تأکید بر آنکه تئوری بر اساس پراتیک مبتنی است و بنوبه خود به پراتیک خدمت میکند.

در باره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

فلسفه مارکسیستی بر آنست که مهمترین مسئله برای اینکه بتوان جهان را توضیح داد شناخت قانونمندیهای جهان عینی نیست بلکه استفاده از علم باین قانونمندیها برای تغییر آگاهانه جهان است

در باره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

تفکر صحیح انسان از کجا سرچشمه میگیرد؟ آیا از آسمان نازل میشود؟ نه. آیا از مغز انسان تراوش میکند؟ باز هم نه. تفکر صحیح انسان فقط از پراتیک اجتماعی سرچشمه میگیرد یعنی از این سه نوع پراکتیک اجتماعی: مبارزه تولیدی مبارزه طبقاتی و از مونهای علمی.

تفکر صحیح انسان از کجا سرچشمه میگیرد؟ (مه ۱۹۶۳)

وجود اجتماعی انسان تعیین کننده فکر اوست. افکار صحیح که مبین طبقه پیشرواند محض اینکه توده ها بر آنها تسلط یابند به نیروی مادی جهت تغییر جامعه و جهان بدل خواهند گشت.

تفکر صحیح انسان از کجا سرچشمه میگیرد؟ (مه ۱۹۶۳)

انسانها طی پراتیک اجتماعی خود در مبارزات گوناگون شرکت میجویند و تجربیات فراوانی - از کامیابیها و شکستها - بدست میاورند. پدیده های بیشمار دنیای خارجی عینی بوسیله اعضای حواس پنجگانه - چشم، گوش، بینی، زبان و بدن - در مغز انعکاس مییابند که در بدو امر فقط شناختی حسی بدست میدهند. با تجمع معلومات کافی ناشی از شناخت حسی، جهشی پدید میگردد و شناخت حسی به شناخت تعقلی یعنی به ایده بدل میشود. این یک پروسه از شناخت است. این نخستین مرحله مجموعه پروسه شناخت، یعنی مرحله گذار از ماده عینی به شعور ذهنی، از هستی به ایده است. ولی در این مرحله اینکه آیا شعور یا ایده ها (منجمله تئوری ها، مشی های سیاسی، نقشه های و متدها) قوانین جهان

خارجی عینی را به درستی بازتاب میکنند یا نه ، هنوز ثابت نمیشود و صحت تفکر نیز هنوز نمیتواند معین شود ؛ بدنبال این مرحله دومین مرحله پروسه شناخت میاید ، یعنی مرحله بازگشت از شعور به ماده ، از ایده به هستی - در اینجا انسانها معلومات بدست آمده از مرحله اول را در پراتیک اجتماعی بکار میبندند تا ببینند که آیا این تئوری ها ، مشی های سیاسی ، نقشه ها و متدها به نتیجه پیش بینی شده می انجانند یا نه بطور کلی ، هر آنچه به موفقیت منجر شود ، درست است و هر آنچه که به شکست بیانجامد ، اشتباه است ؛ این امر بخصوص در مورد مبارزه بشر با طبیعت صادق است. در مبارزه اجتماعی گاهی اتفاق میافتد که نیروهائی که نماینده طبقه پیشرواند، با شکست روبرو میشوند ، ولی این بهیچوجه بعلت آن نیست که گویا افکار آنان نادرست بوده است ، بلکه باین جهت است که در تناسب قوایی که با یکدیگر سر گرم مبارزه اند نیروهای پیشرو هنوز بقدرت نیروهای ارتجاعی نرسیده اند و از اینروست که موقتاً باشکست مواجه میشوند ؛ ولی سرانجام روزی فرا میرسد که نیروهای پیشرو پیروز میگردند. شناخت انسان در اثر آزمایش درپراتیک، جهش دیگری می یابد که بمراتب از جهش اول پراهمیت تر است زیرا تنها این جهش دوم است که میتواند درستی یا نادرستی جهش اول شناخت را ثابت کند ، یعنی ثابت کند که آیا ایده ها ، تئوری ها ، مشی های سیاسی ، نقشه ها و متد هائی که در پروسه انعکاس جهان خارجی عینی بدست آمده اند، صحیح اند یا نه ؛ راه دیگری برای آزمودن حقیقت موجود نیست.

تفکر صحیح انسان از کجا سرچشمه میگیرد ؟ (مه ۱۹۶۳)

انسانها بمنظور کسب شناخت صحیح اغلب باید یک پروسه تکراری حرکت از ماده به شعور و سپس از شعور به ماده ، یعنی حرکت از پراتیک به شناخت و سپس از شناخت به پراتیک را طی کنند. اینست تئوری شناخت مارکسیستی، این است تئوری شناخت ماتریالیسم دیالکتیکی.

تفکر صحیح انسان از کجا سرچشمه میگیرد ؟ (مه ۱۹۶۳)

برای کسیکه بخواهد پدیده ای را بشناسد، راه دیگری نیست مگر اینکه شخصاً با آن پدیده در تماس بیاید ، یعنی زندگیش (پراتیک) را در محیط آن پدیده بگذراند ... اگر انسان بخواهد دانش بیاندوزد ، باید در پراتیک تغییر واقعیت شرکت کند. اگر انسان بخواهد مزه گلایی را بچشد باید انرا تغییر دهد یعنی انرا بجوید..... اگر انسان بخواهد تئوری و متدهای انقلابی را بشناسد ، باید در انقلاب شرکت بجوید. تمام معلومات واقعی از تجربه مستقیم سرچشمه میگیرند.

درباره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

شناخت با پراتیک آغاز میگردد و شناخت تئوریک از طریق پراتیک کسب میشود و باید دوباره به پراتیک باز گردد. نقش فعال شناخت نه فقط در جهت فعال از شناخت حسی به شناخت عقلانی است بلکه- این مهمتر است- باید در جهش از شناخت عقلانی به پراتیک انقلابی نیز بیان یابد.

درباره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

بر هیچ کسی پوشیده نیست که هر کاریکه ما میکنیم، اگر حالات، خصلت و روابط آنرا با اشیاء و پدیده های دیگر در نیابیم، نمی توانیم قوانین مسلط بر آنرا بشناسیم و نمیدانیم که چگونه به آن پردازیم و قادر نخواهیم بود آنرا بنحو احسن انجام دهیم.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶) آثار منتخب جلد ۱

اگر انسانها بخواهند در کار خود موفقیت حاصل کنند یعنی نتایج پیش بینی شده را بدست آورند، باید حتما ایده های خود را با قانونمندیهای دنیای خارجی عینی منطبق کنند، چه در غیر این صورت در پراتیک با شکست مواجه خواهند شد. انسانها پس از مواجه شدن با شکست، از آن درس میگیرند، ایده های خود را برای انطباق با قانونمندیهای دنیای خارجی تصحیح میکنند و بدینسان میتوانند شکستها را به پیروزی بدل سازند؛ این حقیقت در ضرب المثلهای (شکست مادر پیروزی است) و (ضرر ادمی را عاقل میکند) مصداق مییابد.

در باره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

مامارکسیست هستیم و مارکسیسم بما میاموزد که در بررسی یک مسئله نه از تعاریف مجرد بلکه از واقعیت عینی باید آغاز کنیم، و اصول رهنما، سیاست و تدابیر خود را بیاری تحلیل این واقعیت معین سازیم.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

اساسی ترین اصول کار که همه کمونیستها باید همیشه انرا در مد نظر بدارند، تعیین رهنمودهایی برای کار ما طبق شرایط مشخص است. چنانچه ما علت خطاهائی را که مرتکب شده ایم، مورد برمی قرار دهیم، ملاحظه میکنیم که علت پیدایش این خطاها این بوده است که ما از موجود زمان و مکان بدور مانده و در تعیین رهنمودهای کار خود دچار سوئزکتیویسم شده بودیم.

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شانسی-سوی یوان (۱۱ آوریل ۱۹۴۸) آثار

منتخب جلد ۴

دردنیا هیچ چیزی کم زحمت تر از ایدالیسم و متافیزیک نیست، زیرا مردم میتوانند بدون تطبیق گفتار خود با واقعیت عینی و از مودن صحت آن در واقعیت عینی، هر قدر که میخواهند یاوه سرائی کنند. ماتریالیسم و دیالکتیک از سوی دیگر، کوشش و مجاهدت ایجاد میکند، و باید بر اساس واقعیت عینی مبتنی باشد و در واقعیت عینی مورد آزمایش قرار گیرد. کسی که کوشش و تلاش نکند باسانی در سراشیب ایده آلیسم و متافیزیک درمیغلند.

مقدمه بر مقاله «مدارک درباره دار و دسته ضدانقلابی هوفنگ» (مه ۱۹۵۵)

در برخورد با اشیاء و پدیده ها، ما باید به ماهیت و بطن آنها نظر بیفکنیم و ظاهر خارجی آنها را فقط بمثابه رهائی تلقی کنیم که راه ورود بمدخل رانشان میدهد. ما بمحض اینکه از این مدخل عبور کردیم، باید به ماهیت مسئله دست یابیم؛ این یگانه شیوه مطمئن و علمی تحلیل است.

از یک جرعه حریق بر میخیزد (۵ ژانویه ۱۹۳۰) آثار منتخب جلد ۱

علت اساسی تکامل یک پدیده علت خارجی نیست، بلکه علت درونی است که در سرشت متضاد آن نهفته است. کلیه اشیاء و پدیده ها دارای تضادهای درونی هستند و همین تضادهاست که موجب حرکت و تکامل آنها میگردد. علت اساسی تکامل یک پدیده تضاد درونی آن است. حال آنکه رابطه و تاثیر آن با پدیده های دیگر علل ثانوی را تشکیل میدهد.

درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

دیالکتیک ماتریالیستی بر آن است که علل خارجی شرط تحول و علل داخلی اساس تحول اند، در عین اینکه علل خارجی بوسیله علل داخلی موثر واقع میشوند. یک تخم مرغ تحت حرارت مناسب به جوجه تبدیل میشود، ولی هیچ حرارتی قادر به افرینش جوجه از سنگ نیست، زیرا اساس تحول این دو متفاوت است.

درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

فلسفه مارکسیستی بر آن است که قانون وحدت اضداد قانون اساسی عالم است. این قانون در همه جا صدق میکند - خواه در طبیعت باشد و خواه در جوامع بشری و یا در تفکر

انسانها، دو جهت یک تضاد با یکدیگر در وحدت و مبارزه اند و درست همین وحدت و مبارزه است که سبب حرکت و تغییر اشیاء و پدیده ها میگردد. تضادها در همه جا موجودند، ولی ماهیت آنها بر حسب ماهیت مختلف اشیاء و پدیده های متنوع گوناگون است. وحدت اضداد برای هر شیئی یا پدیده مشخص مشروط موقتی و گذراست واز اینرو نسبی است، درحالی که مبارزه اضداد مطلق است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

اسلوب تحلیلی اسلوب دیالکتیک است. منظور ما از تحلیل، تحلیل تضاد های ذاتی اشیاء و پدیده هاست. بدون آشنائی با زندگی و بدون درک واقعی تضادهای مورد نظر نمیتوان تحلیل درستی از آنها بعمل آورد.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷)

لنین میگوید: تحلیل مشخص از اوضاع مشخص (جوهر و روح زندگی مارکسیسم است) بسیاری از رفقای ما که برخورد تحلیلی ندارند، نمیخواهند در موضوعات بفرنج عمیق شوند و آنها را مکرر در مکرر تحلیل و مورد مطالعه و بررسی قرار دهند، بلکه بیشتر علاقه دارند به نتیجه گیریهای ساده که یا مطلقاً مثبت و یا مطلقاً منفی است، دست یابند.... این وضع باید از این پس حتماً اصلاح شود.

آموزش ما و اوضاع کنونی (۱۲ آوریل ۱۹۴۴) آثار منتخب جلد ۳

طرز برخورد این رفقا به مسائل درست نیست. آنها به جنبه های ماهوی و عمده مسایل توجه نمیکنند، بلکه بیشتر روی جنبه های غیر ماهوی و فرعی مسائل تاکید میکنند. باید خاطر نشان ساخت که مسایل غیر ماهوی و فرعی نباید نادیده گرفته شوند بلکه باید یکی پس از دیگری حل شوند اما، آنها را نباید به مثابه مسایل ماهوی و عمده تلقی کرد، وگرنه سمت گیری ما مشوش و تار خواهد گشت.

درباره مسئله کتو پراتیوه کردن کشاورزی (۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵)

پدیده ها در این جهان بفرنجند و بوسیله عوامل متعددی تعیین میشوند. ما باید مسائل را نه فقط از یک جنبه بلکه از جنبه های مختلف مورد ملاحظه قرار دهیم.

در باره مذاکرات چون کین (۱۷ اکتبر ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۴

تنها آن کسانی محکوم به سقوط و لغزش حتمی اند که با مسائل بطور ذهنی ، یکجانبه و سطحی برخورد میکنند ، پس از رسیدن به محل جدید کار ، بدون کوچکترین توجهی بوضع محل ، بدون ملاحظه آن کار در مجموع (گذشته و وضع فعلی آن بمثابة یک کل) و بدون دریافت بطن و ماهیت آن کار (یعنی خصلت و روابط آن با کارهای دیگر) بلافاصله در نهایت فخر فروشی شروع به صدور دستورات و فرامین میکنند.

درباره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

در مطالعه هر مسئله باید از ذهنیگری ، یکجانبه گری و سطحی بودن بر حذر بود. ذهنیگری یعنی مسایل را بطور عینی ملاحظه نکردن ، یا عبارت دیگر ، عدم بررسی مسایل از دیدگاه ما تریالیستی. من در این مورد در مقاله (درباره عمل) صحبت کرده ام. یکجانبه گری بمعنای ندیدن همه جوانب یک مسئله است... یا دیدن جزء و فراموش کردن کل ، دیدن درختان و ندیدن جنگل است از این راه غیرممکن است که بتوان اسلوب حل تضادها را پیدا کرد ، وظیفه انقلاب را بانجام رساند، امور محوله را بنحو احسن انجام داد و مبارزه ایدئولوژیک درون حزبی را بطور صحیح بسط و توسعه داد. "سون اوزی" ضمن بحث درباره علم نظام میگوید: "چنانچه دشمن و خودت را بشناسی ، صد بار شکست ناپذیر خواهی شد." او در اینجا از دو طرف یک جنگ صحبت میکند. "وی چن" نیز که در دوره سلسله تانگ میریسته با آگاهی بنادرستی یکجانبه گری میگوید: "اگر سخنان هر دو طرف گوش فرا دهی دنیا بروی تو روشن خواهد شد ، ولی هر گاه فقط بگفته های یکطرف توجه کنی انوقت در جهل و تاریکی ابدی خواهی ماند." ولی رفقای ما اغلب مسایل را بطور یکجانبه ملاحظه میکنند و از اینرو همیشه سرشان بسنگ میخورد.

... لنین میگوید: "برای شناخت واقعی یک موضوع باید در کلیه جوانب کلیه روابط و واسطه های آن محیط شد و آنرا مورد تحقیق قرار داد. ما هرگز بطور کامل چنین توفیقی نخواهیم یافت ولی تاکید بر همه جانبه گری ما را از اشتباه و تاجر مصون میدارد." ما باید این سخنان لنین را همیشه در مد نظر داشته باشیم برخورد سطحی یعنی عدم توجه به ویژگیهای تضاد در مجموع آن و عدم توجه به ویژگیهای هر یک از جوانب آن و انکار ضرورت ژرفش در ماهیت اشیاء و پدیده های و تحقیق و بررسی دقیق ویژگیهای تضاد آنها، و بعکس فقط ملاحظه اشیاء و پدیده ها از دور و سعی در حل تضادها پس از افکندن نظری اجمالی بر خطوط خارجی آنها (سوالات را پاسخ دادن ، اختلاف نظرات را حل کردن ، کارها را ترتیب دادن ، عملیات نظامی را هدایت کردن). چنین شیوه ای بناچار نتایج ناگواری ببار خواهد

اورد بر خورد یکجانبه و سطحی در عین حال سو بژ کتیویسم نیز هست. زیرا کلیه اشیاء و پدیده های عینی در واقع متقابلاً بیکدیگر مربوطند . هر یک واجد قانونمندیهای درونی خود میباشد ، ولی بعضی ها بجای آنکه اشیاء و پدیده ها را همانطور که واقعاً هستند ، منعکس نمایند ، به اشیاء و پدیده ها فقط بطور یکجانبه و سطحی می نگرند و روابط متقابل و قانونمندیهای درونی آنها را درک نمیکنند ، و از این رو طرز عملشان ناگزیر ذهنی میشود.

درباره تضاد (۱۹۳۷ اوت) آثار منتخب جلد ۱

یکجانبه گری بمعنای مطلق فکر کردن است و بسخن دیگر ، بر خوردی متافیزیکی نسبت به مسائل است. ما در ارزیابی کار خود اگر همه چیز رامثبت یا همه چیز را منفی تلقی کنیم ، دچار یکجانبه گری خواهیم شد ... همه چیز رامثبت تلقی کردن یعنی فقط جنبه های خوب را دیدن ولی جنبه های بد راندیدن ، فقط ستودن را جایز شمردن ولی به انتقاد راه ندادن. این ادعا که گویا در کار ما همه چیز بر وفق مراد میچرخد ، با واقعیت منطبق نیست. این حقیقت ندارد که همه چیز خوب است ؛ در کار ماهنوز نقص واشتباه هست ولی این هم حقیقت ندارد که همه چیز بد است ، این نیز با واقعیت منطبق نیست. در اینجا تحلیل لازم است. همه چیز را نفی کردن بدان معنی است که بدون تحلیل کردن تصور شود که هیچ چیز خوبی انجام نیافته و در امر بزرگ ساختمان سوسیالیستی ومبارزه عظیمی که در آن صدها میلیون نفر شرکت دارند ، اشفستگی کامل بوده وهیچ چیز قابل تحسینی در آن نیست. گرچه بسیاری از کسانی که چنین عقیده ای دارند با انهایی که نسبت به نظام سوسیالیستی دشمنی میورزند ، فرق میکنند ، معهدا این عقیده ای کاملاً غلط وبسیار زیانبخش است وتنها میتواند باعث دلسردی خلق گردد. این نادرست است اگر کارمان را از این دیدگاه که همه چیز مثبت است یا از این دیدگاه که همه چیز منفی است ، ارزیابی کنیم .

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷)

مارکسیست ها در بررسی مسائل هم باید کل را ببینند و هم جزء را. یک قورباقه در ته چاه میگوید :اسمان بزرگتر از دهانه چاه نیست این درست نیست ، زیرا اسمان به اندازه دهانه یک چاه نیست. اگر او بگوید: قسمتی از اسمان به اندازه دهانه چاه است، آنوقت صحیح است ، زیرا این با واقیت تطبیق میکند.

درباره تاکتیک مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن (۲۷ دسامبر ۱۹۳۵) آثار منتخب جلد ۱

ما باید بیاموزیم که مسایل را بطور همه جانبه بررسی کنیم و فقط به جنبه های مثبت اشیاء و پدیده ها چشم نیاندازیم، بلکه جنبه های منفی آنها را هم ببینیم. تحت شرایط معینی امکان دارد امر بد به نتایج خوب و امر خوب به نتایج بد منتهی شود.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

ما قبول میکنیم که در جریان عمومی رشد تاریخ ماده تعیین کننده روح و وجود اجتماعی تعیین کننده شعور اجتماعی است؛ ولی در عین حال نیز میپذیریم و حقیقتاً هم باید بپذیریم که روح بر ماده، شعور اجتماعی بر وجود اجتماعی و روبنا بر زیر بنای اقتصادی تاثیر مینهد. بدینسان نه فقط ماتریالیسم نقض نمیشود بلکه ماتریالیسم مکانیکی رد شده و از ماتریالیسم دیالکتیک دفاع میشود.

درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷) منتخب آثار جلد ۱

بخاطر نیل به پیروزی، انهاییکه جنگ را هدایت میکنند، نمیتوانند از چهارچوب شرایط عینی خارج گردند؛ در چهارچوب همین شرایط عینی است که آنها میتوانند و باید نقش دینامیک خود را در کوشش برای نیل به پیروزی ایفاء نمایند. صحنه عملیات فرماندهان در یک جنگ باید روی امکانات عینی ساخته شود، ولی آنها میتوانند بر روی همین صحنه حماسه های پرشکوهی را که مملو از رنگها و اهنکها، و پر از قدرت و عظمت اند، هدایت کنند.

درباره جنگ طولانی (مه ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

مردم باید افکار خود را با شرایط تغییر یافته تطبیق دهند. البته هیچ کس نباید در عالم تصورات و فانتزی های خود حیران و سرگردان گردد و بدون توجه به شرایطی که بوسیله اوضاع عینی معین میشود، برنامه کار خود را تدوین و بکارهایی بپردازد که بنابر واقعیات موجود غیر قابل اجرا هستند؛ ولی امروز مسئله اینطور است که افکار محافظه کارانه راست هنوز در زمینه های زیادی موجب فتنه میگردند و از انطباق کار در این زمینه ها با پیشرفت اوضاع عینی جلوگیری میکنند. مسئله کنونی این است که افراد زیادی انجام کارهایی را که با کوشش و مجاهدت میتوان انجام داد، غیر ممکن میدانند.

مقدمه بر اعتلای سوسیالیستی در روستای چین (۲۷ دسامبر ۱۹۵۵)

ما باید همیشه مغزمان را بکار بیاندازیم و با دقت درباره همه چیز بیاندیشیم. یک ضرب المثل عام میگوید: فقط کافی است که ابروانتان را در هم کشید تا در مغزتان نقشه ای ایجاد گردد، بسخن دیگر انیشتیدن عقل و درایت میاورد. ما باید برای خلاصی از این نابینائی که در حزب ما بطور جدی موجود است ، رفقایمان را تشجیع کنیم که بیاندیشند ،اسلوب تحلیل را بیاموزند و خود را بکار تحلیلی عادت دهند.

آموزش ماواوضاع کنونی (۱۲ اوریل ۱۹۴۴) منتخب آثار جلد ۳

هر گاه پروسه ای حاوی تضادهای متعددی باشد ،یکی از انها ناگزیر تضاد عمده خواهد بود که دارای نقش رهبری کننده و تعیین کننده است در حالیکه بقیه تضادها دارای نقش درجه دوم و تبعی هستند. لذا در مطالعه یک پروسه مرکب که حاوی دو یا چند تضاد است ،باید نهایت سعی در تعیین تضاد عمده شود. بمجرد یکه تضاد عمده معلوم شد ،میتوان کلیه مسائل را باسانی حل کرد .

درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷) منتخب آثار جلد ۱

یکی از دو جهت متضاد لاجرم عمده و دیگری غیر عمده است . جهت عمده جهتی است که نقش تعیین کننده را در تضاد بر عهده دارد . خصلت یک پدیده اساساً بوسیله جهت عمده تضاد معین میشود که موضع مسلط گرفته است. ولی این وضع ثابت نیست: جهت عمده و جهت غیر عمده یک تضاد بیکدیگر تبدیل میشوند و خصلت اشیاء و پدیده ها نیز طبق آن تغییر مییابد.

درباره تضاد (اوت ۱۹۳۷) منتخب آثار جلد ۱

تنها مطرح کردن وظایف کافی نیست ، ما باید بتوانیم مسئله اسلوب اجرای این وظایف را نیز حل کنیم. اگر وظیفه ما عبور از رودخانه باشد ، بدون پل یا قایق نمیتوانیم از آن عبور کنیم. تا وقتیکه مسئله پل یا قایق حل نشود ، صحبت کردن درباره عبور از رودخانه بیهوده است. تا وقتیکه مسئله اسلوب حل نشود ، صحبت کردن درباره وظیفه بی ثمر است.

از رندگی توده ها مواظبت کنیم ، به شیوه کار توجه کنیم (۲۷ ژانویه ۱۹۳۴) آثار

منتخب جلد ۱

در هر کاری بدون یک دعوت عام و همگانی نمیتوان توده های وسیع مردم را برای عمل بسیج کرد. ولی اگر افراد یکه در مقامهای رهبری نشستند، کار خود را فقط بدعوتهای همگانی محدود کنند - یعنی اگر خود را شخصاً در بعضی از سازمانها بطور مشخص و عمیق با کاری که بدان دعوت کرده اند، مشغول نسازند، در یک نقطه معین شکافی باز نکنند، در آنجا تجربه نیاندوزند و از این تجربیات برای هدایت سایر واحدها استفاده نکنند انوقت هیچ امکانی برای آزمودن صحت دعوت همگانی و یا غنی ساختن محتوی آن نخواهند یافت و از اینرو خطر پاسخ ندادن باین دعوت همگانی خواهد رفت.

درباره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

هیچیک از کادرهای رهبری بدون اینکه از تک تک افراد و از وقایع ویژه ایکه در واحد های تابع خود روی میدهد، تجربه مشخص بگیرد، صلاحیت هدایت عمومی واحدهای خود را نخواهد داشت. این شیوه باید بطور وسیع عمومیت بیابد تا اینکه کادر های رهبری مدارج مختلف طرز استفاده از آنها بیاموزند.

درباره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

دریک محل نمیتواند درعین حال چند وظیفه مرکزی وجود داشته باشد. دریک زمان معین فقط یک وظیفه مرکزی وجود دارد که با وظایف درجه دوم و سوم تکمیل میشود. از اینرو مسئول کل یک محل باید با توجه به تاریخچه و وضع مبارزه محل کار خود، وظایف مختلف را بطور مناسب تنظیم کند؛ او نباید هر دستوری را که از سازمان بالاتر می آید، بدون اینکه برنامه مشخصی داشته باشد، بمرحله اجرا گذارد و بدین ترتیب یک سری وظایف مرکزی بیافریند و موجب اغتشاش و بی نظمی اوضاع گردد. یک سازمان بالاتر نیز نباید در یک زمان معین وظایف متعددی را بدون اینکه درجه اهمیت نسبی و فوریت آنها را مشخص کند و یا بدون اینکه تعیین کند کدامیک از آنها مرکزی است، به سازمان پائین تر محول نماید چه در غیر اینصورت سازمان پائین تر در کار خود دچار بی نظمی و سر در گمی میشود و بدینسان نتیجه مطلوب هم بدست نخواهد آمد این نوعی از هنر رهبری است که طبق شرایط تاریخی و وضع موجود هر محل و همچنین با توجه به وضع عمومی، برای هر دوره وظیفه مرکزی و ترتیب اجرای وظایف مختلف را بدرستی تعیین کند و سپس تصمیم متخذه را پیگیرانه بمرحله عمل در آورد تا بتواند تحت هر شرایطی به نتایج پیش بینی شده دست یابد.

درباره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

یک بوروی منطقه ای کمیته مرکزی حزب یا شعبه ای از آن باید همواره به جریان پیشرفت کار توجه کند ، تبادل تجربه نماید و اشتباهات را تصحیح کند ، نه اینکه چند ماه ، یا شش ماه و یا حتی یک سال در انتشار بماند تا یک جلسه جمع بندی برای کنترل عمومی و اصلاح کلی اشتباهات تشکیل شود. در انتظار چنین جلسه هائی ماندن خسران بسیار ببار میآورد ، در حالیکه اصلاح فوری اشتباهات از صدمات میکاهد.

درباره سیاست صنعتی و بازرگانی (۲۷ فوریه ۱۹۴۸) آثار منتخب جلد ۴

نباید دست روی دست گذاشت و سعی در حل مسائل نکرد چه در آنصورت مسائل روی هم انباشته میشوند و درد سر ایجاد میکنند. رهبران باید در پیشاپیش جنبش قرار گیرند ، نه اینکه در پس آن لنگ لنگان بدونند.

مقدمه ای بر مقاله کنتراتهائی فصلی (۱۹۵۵)

آنچه ما بدان نیازمندیم عبارتست از روحیه پر شور ولی آرام کار پر تلاش ولی منظم.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶) آثار منتخب جلد ۱

۲۲- تحقیق و بررسی

هر کس که به کار عملی مشغول است ، باید وضعیت واحدهای پائین را مورد تحقیق و بررسی قرار دهد بویژه آن کسانی باید بچنین بررسی و تحقیقی دست بزنند که دارای معلومات ثنوریک هستند ولی از شرایط واقعی بی اطلاعند ، چه در غیر این صورت قادر به درامیختن ثنوری با پراتیک نخواهند بود. با وجود اینکه گفته من " بدون تحقیق حق صحبت کردن نیست " بعنوان " امپریسم کوتاه نظرانه " بباد تمسخر گرفته شده است ، ولی من تا امروز از این گفته خودم پشیمان نیستم ، پشیمانی که سهل است ، من کما فی السابق مصرم که بدون تحقیق و بررسی بهیچوجه نمیتواند صحبتی از حق بیان در میان باشد. افرادی هستند که " از همان لحظه پیاده شدن از کالسکه " گرد و خاک بلند می کنند ، اظهار نظر میکنند ، از این انتقاد میکنند و آن دیگری را سرزنش میکنند ؛ اما در حقیقت ده یک آنها هم توفیق نخواهند یافت. زیرا این نظرات یا انتقادات که بر پایه تحقیق منظم استوار نشده ، بجز یاوه سرائی های کودکانه چیز دیگری نیست . حزب ما بکرات از دست این " فرستادگان امپراتور " که به اینجا و

آنجا خلاصه بهمه جا هجوم میاورند، زیان دیده است. استالین به حق گفته است: "تئوری هر گاه با پراتیک انقلابی توأم نگردد چیز بی موضوعی خواهد شد"، او همچنین بدرستی افزود ه است که "پراتیک نیز اگر راه خود را با پرتو تئوری انقلابی روشن نسازد، کور و نابینا می گردد". هیچکس رانمیتوان "امپریست کوتاه نظر" خواند، مگر ان "پراتیسین" کور و نابینائی که فاقد دور نما و دور اندیشی است.

پیشگفتار و پسگفتار بر تحقیقات روستایی (مارس و آوریل ۱۹۴۱) آثار منتخب جلد ۳

چنین برخوردی بمعنای تلاش برای جستجوی حقیقت از میان واقعیت است. واقعیات تمام آن اشیاء و پدیده هائی است که بطور عینی موجودند؛ «حقیقت» عبارت از روابط داخلی آنها یعنی قوانین حاکم بر کلیه اشیاء و پدیده هائی است که بطور عینی موجودند؛ و «جستجو کردن» بمعنای مطالعه است. ما بایستی از وضع واقعی داخل و خارج کشور، استان، و شهرستان و بخش آغاز کنیم و قوانین ذاتی آنرا - نه قوانین تخیلی را - بمثابه راهنمای عمل خود از وضع واقعی بیرون بکشیم. بسخن دیگرما باید روابط داخلی حوادثی را که در پیرامون ما رخ میدهد، بیابیم؛ بدین منظور اتکاء به تصورات ذهنی، هیجانات آنی و کلمات بیروح کتب جایز نیست، بلکه باید بر واقعیاتی که بطور عینی موجودند، تکیه نمود. ما باید مدارک جامع و مفصل در دست داشته باشیم و از این مدارک در پرتو اصول عام مارکسیسم - لنینیسم نتیجه گیریهای صحیح بنمائیم.

آموزش خود را از نو بسازیم (مه ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

"چشم بسته بدنبال گنجشک دویدن" یا بسان "نابینائی که کورمال کورمال بصید ماهی میرود"، در کار سطحی بودن و از خود بی دقتی نشان دادن، به لافزنی و گزاف گوئی پرداختن و به معلومات بریده خود غره شدن - چنین سبک کار نهایت ناپسندی که مغایر روح اساسی مارکسیسم - لنینیسم است، هنوز در میان بسیاری از رفقای حزبی ما چشم میخورد. مارکس، انگلس، لنین و استالین بما میاموزند که بایستی وضعیت را دقیقاً بررسی کنیم و واقعیات عینی را اساس قرار دهیم نه تمایلات ذهنی را؛ ولی بسیاری از رفقای ما درست برخلاف این حقیقت عمل میکنند.

آموزش خود را از نو بسازیم (مه ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

آیا مسئله ای هست که از حل آن عاجز باشی؟ اگر هست ، بسیار خوب ، پس وضع کنونی و تاریخچه گذشته مسئله را بررسی کن. وقتیکه مسئله را خوب بررسی کردی، مسلماً براه حل آن دست خواهی یافت. نتیجه گیری همیشه پس از تحقیق بدست میاید ، نه قبل از آن فقط آدم ابله است که به تنهایی و یا در جمع کوچکش بدون تحقیق و بررسی سر خود را برای پیدا کردن راه حل یا برای اینکه شاید فکری بخاطرش برسد بدرد میاورد. باید تاکید کرد که چنین شیوه ای یقیناً راه حل مؤثر و فکر بگری بدست نمیدهد.

علیه کتاب پرستی (ماه مه ۱۹۳۰)

تحقیق و برسی در یک مسئله شبیه ماههای طولانی حاملگی و حل آن مسئله مانند روز زایمان است تحقیق و برسی در یک مسئله در واقع بمعنای حل آنست.

علیه کتاب پرستی (ماه مه ۱۹۳۰)

افراد (با برخورد مارکسیست - لنینیستی) برای بررسی و مطالعه منظم و دقیق اوضاع از ثنوری و اسلوب مارکسیسم - لنینیسم استفاده میکنند. آنها تنها با اتکاء به شور و شوق خود کار نمیکند، بلکه همانطوریکه استالین میگوید: شور انقلابی را با واقع بینی توأم میسازند.

آموزش خود را از نو بسازیم (مه ۱۹۴۱) آثار منتخب جلد ۳

یگانه راه آشنایی با اوضاع مطالعه جامعه است ، یعنی تحقیق در وضع هر طبقه اجتماعی در صحنه واقعی زندگی. اسلوب عمده شناخت اوضاع برای کسانیکه مسئولیت رهبری کاری را بر عهده دارند ، اینست که چند شهر و ده را طبق برنامه معین انتخاب کنند و موافق احکام اساسی مارکسیسم ، یعنی با بکار بردن اسلوب تحلیل طبقاتی ، بیک رشته تحقیقات منظم و همه جانبه دست زنند.

پیشگفتار و پسگفتار بر تحقیقات روستائی (مارس و آوریل ۱۹۴۱) آثار منتخب جلد ۳

یک جلسه فاکت یابی لازم نیست وسیع باشد، شرکت سه تا پنج نفر یا هفت، هشت نفر کافی است. ولی باید در اختیار چنین جلسه ای وقت کافی و طرحی برای تحقیق گذاشته شود، بعلاوه شخص تحقیق کننده باید سئوالات خود را مطرح کند، یادداشت بردارد و با حاضرین در جلسه بمباحثه بپردازد. بنا براین کسی که بدون شوق و حرارت، بدون عزم راسخ باینکه دیده بپائین بدوزد ، بدون اینکه تشنه دانش و معلومات باشد، بدون اینکه قبای زشت

افاده فروشی را بدور اندازد و شاگردی مطیع گردد، مطمئناً یا نمی تواند به کار تحقیقی پردازد و یا نمیتواند آنرا به نحو احسن انجام دهد.

پیشگفتار و پسگفتار بر تحقیقات روستائی (مارس و آوریل ۱۹۴۱) آثار منتخب جلد ۳

تدابیر صحیح یک فرمانده از تصمیمات درست سرچشمه میگیرند، تصمیمات درست او از قضاوتهای درست او ناشی میشوند و قضاوت درست او بر کار اکتشاف دقیق و لازم و بر سنجش تعمیم اطلاعات گوناگونی که از کار اکتشافی بدست آمده، مبتنی هستند. یک فرمانده از تمام اسالیب ممکن و ضرور کار اکتشافی استفاده میکند و کلیه اطلاعات بدست آمده از وضع دشمن را می سنجد، گاه را از گندم جدا میکند آنچه را که نادرست است، حذف و آنچه را که درست است نگه میدارد، یکایک چیزها را از مد نظر میگذراند، از بیرون به درون میروند و نگاه با در نظر گرفتن وضع نیروهای خودی بمطالعه وضعیت دو طرف و ارتباط متقابل آنها میپردازد و در آخر به قضاوت دست میزند، تصمیم میگیرد و نقشه های خود را تنظیم میکند. این است پروسه کامل شناسائی وضعیت که یک استراتژی نظامی باید قبل از تنظیم نقشه استراتژیک و یا نقشه عملیات اپراتیو و یا نقشه عملیات تاکتیکی طی کند.

مسایل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶) آثار منتخب جلد ۱

۲۴- اصلاح نظرات نادرست

حتی اگر ما موفقیت‌های عظیمی هم در کار خود به دست آوریم، باز هم هیچ دلیلی ندارند که به خود غره شویم و فخر بفروشیم. تواضع انسان را به پیش می‌راند، و تکبر انسان را به عقب می‌اندازد. این حقیقتی است که باید آن را در مد نظر داشته باشیم.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره حزب کمونیست چین ۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶

در اثر پیروزی ممکن است در داخل حزب ما چنین روحیه‌هایی پیدا شود: تکبر و غرور، تفرعن و بالیدن به خدمات گذشته، رخوت و عدم تمایل به پیشرفت و ترقی، علاقه به لذایذ و خودداری از ادامه زندگی سخت گذشته. در اثر پیروزی، خلق از ما سپاسگزار خواهد شد و بورژوازی به ما تملق خواهد گفت. این دیگر ثابت شده است که دشمن نمی‌تواند با نیروی اسلحه بر ما چیره شود، ولی امکان این هست که تملق‌های بورژوازی افراد ضعیف‌الاراده را در صفوف ما مغلوب سازد. ممکن است کمونیست‌هایی پیدا شوند که در گذشته مغلوب دشمن تفنگ به دست نشده و به خاطر ایستادگی در برابر دشمن شایسته نام قهرمان باشند، ولی

اکنون نتوانند در مقابل گلوله‌های شکرآلود تاب مقاومت بیاورند؛ آنها مغلوب گلوله‌های شکرآلود خواهند شد. ما باید از وقوع اینگونه حالات پیشگیری کنیم.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹
آثار منتخب، جلد ۴

اشیاء و پدیده‌های زیادی هستند که اگر ما نسبت به آنها کورکورانه و غیر نقادانه برخورد کنیم، ممکن است به بار سنگینی تبدیل شوند و باعث زحمت ما گردند. بگذار به چند مثال رجوع کنیم: شخصی مرتکب خطائی می‌شود و گمان می‌کند که به او لکه‌ای چسبیده است و از اینرو افسرده و ناامید می‌شود؛ شخص دیگری که مرتکب خطایی نشده است، شاید فکر کند که مبری از هر گونه اشتباهی است و از این رو مغرور می‌شود، عدم موفقیت در کار ممکن است موجب بدبینی و افسردگی، و موفقیت سبب غرور و تکبر گردد. رفیقی که در مبارزه کم سابقه است، شاید به این دلیل از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، حال آنکه یک رفیق کار آزموده ممکن است به واسطه داشتن سابقه طولانی در مبارزه خیلی خودرأی گردد. رفقای کارگر و دهقان از فرط غرور به منشاء طبقاتی خود شاید روشنفکران را حقیر بشمارند، در حالی‌که روشنفکران از آنجا که صاحب مقداری دانش‌اند، ممکن است رفقای کارگر و دهقان را پست بدارند. هر مهارت و کاردانی ممکن است به سرچشمه تکبر و تحقیر به دیگران بدل گردد. حتی سن و سال انسان نیز ممکن است به زمینه‌ای برای تکبر بدل شود. جوانان چون باهوش و لایق‌اند، ممکن است پیران را تحقیر کنند، و پیران از آنجا که آزموده و مجرب‌اند، ممکن است به جوانان به دیده تحقیر بنگرند. تمام اینها چنانچه آگاهی نقادانه وجود نداشته باشد، موجب دردسر و بار خاطر خواهند شد.

آموزش ما و اوضاع کنونی ۱۲ آوریل ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

بعضی از رفقای ارتشی دچار کبر و غرور گشته و نسبت به سربازان و توده‌های مردم، دولت و حزب رفتاری تحکم‌آمیز و آمرانه دارند و همیشه رفقای را که مشغول کارهای محلی‌اند، مورد سرزنش قرار می‌دهند ولی هیچگاه تقصیری را به خود وارد نمی‌دانند؛ همیشه موفقیت‌های خود را می‌بینند ولی به عیوب خود هرگز نمی‌اندیشند؛ همیشه از تملق و چاپلوسی استقبال می‌کنند، ولی از انتقاد اصلاً خوششان نمی‌آید.... ارتش باید در ریشه‌کن کردن این عیوب بکوشد.

مشکل شوید! ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ آثار منتخب جلد ۳

کار دشوار چون باری است در برابر ما که ما را به بدوش گرفتن خود دعوت می‌کند. بعضی بارها سبک و بعضی بارها سنگین‌اند. افرادی هستند که بار سبک را بر بار سنگین ترجیح می‌دهند، بار سبک را انتخاب می‌کنند و بر بار سنگین را برای دیگران می‌گذارند. این عمل خوبی نیست. ولی بعضی از رفقا رفتار دیگری دارند؛ آنها راحتی و آسایش را به دیگران روا می‌دارند و خود بار سنگین را به دوش می‌کشند؛ آنها در تحمل مصائب در صفوف مقدم‌اند و در برخورداری از راحتی و آسایش در صفوف آخر. اینها رفقای خوبی هستند. همه ما باید از روحیه کمونیستی آنها سرمشق بگیریم.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

کم نیستند کسانی که در کار خود احساس مسئولیت نمی‌کنند، کار سبک را بر کار سنگین ترجیح می‌دهند، بار سنگین را به دوش دیگران می‌نهند و بار سبک را خود برمی‌دارند. آنها به هر کاری که دست می‌زنند، نخست به خود می‌اندیشند و بعد به دیگران. آنها هر گاه خدمت کوچکی انجام دهند، فکر می‌کنند که دیگر قهرمان شده‌اند و از اینکه مبدا مردم از آن بی‌خبر بمانند، لاف‌زنی و خودستایی آغاز می‌کنند. آنها نسبت به رفقا و مردم نه با گرمی و محبت، بلکه با سردی و بی‌اعتنایی و عدم دلسوزی برخورد می‌کنند. اینگونه افراد در واقع کمونیست نیستند، یا لاقلاً کمونیست تمام عیار نیستند.

به یاد بسیون ۲۱ دسامبر ۱۹۳۹ آثار منتخب جلد ۲

آنهايي که ادعای این نوع استقلال را دارند، معمولاً به دکترین "مناول" محکم چسبیده‌اند و علی‌العموم نسبت به مسئله مناسبات بین فرد و حزب برخورد نادرست دارند. آنها با وجود اینکه در سخن به حزب احترام می‌گذارند، ولی در عمل خود را مقدم بر حزب می‌دانند. این اشخاص در پی چه هستند؟ آنها در پی شهرت و مقامند و می‌خواهند معروفیت پیدا کنند. هر گاه به اینان مسئولیتی واگذار شود، فوراً علم "استقلال" بلند می‌کنند، و بدین منظور بعضی را به سوی خود می‌کشند، بعضی دیگر را طرد می‌کنند، به لاف‌زنی و تملق‌گوئی متشبث می‌شوند و از میان رفقا برای خود مشتری جمع می‌کنند و بدینسان سبک مبتذل احزاب سیاسی بورژوازی را وارد حزب کمونیست می‌سازند. این عدم صداقت خودشان است که موجب ناکامی آنها می‌گردد. من معتقدم ما باید صادقانه کار کنیم، زیرا بدون یک برخورد صادقانه در این دنیا هیچ کاری نمی‌توان کرد.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم ۱ فوریه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

کمونیستها باید این امر را درک کنند که نیازمندی‌های جزئی باید تابع نیازمندی‌های کلی باشند. چنانچه پیشنهادی با وضع ویژه منطبق، ولی با وضع کلی غیر قابل انطباق باشد، در این صورت جزء باید میدان را برای کل خالی کند. و باز چنانچه پیشنهادی با وضع ویژه غیر قابل انطباق، ولی با وضع کلی منطبق باشد، در این صورت نیز جزء باید میدان را برای کل خالی کند. این همان چیزی است که از مفهوم در نظر گرفتن اوضاع در مجموع مستفاد می‌شود.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

راحت‌طلبی. در ارتش سرخ نیز کم نیستند افرادی که اندیویدوآلیسم در آنها به صورت راحت‌طلبی تظاهر می‌کند. آنها همیشه میل دارند که واحدهایشان به شهرهای بزرگ اعزام گردد. کشش آنها به سوی شهرها به خاطر کار نیست، بلکه برای تن‌آسایی است و کار در مناطق سرخ که در آنجا شرایط زندگی دشوار است، هیچ مورد پسندشان نیست.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

ما باید علیه گرایش به تعصب قسمتی خودخواهانه کسانی که بدین وسیله فقط به منافع خود توجه می‌کنند و منافع دیگران را نادیده می‌گیرند، مبارزه کنیم. کسی که در برابر مشکلات دیگران بی‌تفاوت باشد، از قبول تقاضای انتقال کادر به واحدهای دیگر سرباز زند، یا اینکه کادرهای بد در اختیار آنها بگذارد، "مزرعه همسایه را چون مجرای فاضلاب کشتزار خود بداند"، و به شعبات، محله‌ها و مردم دیگر کوچکترین اعتنایی نکند - چنین شخصی دارای تعصب قسمتی خودخواهانه است و روحیه کمونیستی خود را کاملاً از دست داده است. عدم توجه به کل و بی‌تفاوتی نسبت به سایر شعبات، محله‌ها و افراد صفت مشخصه شخصی است که دچار تعصب قسمتی خودخواهانه شده است. ما باید به کوشش خود در زمینه تربیت این اشخاص بیفزاییم و به آنها بفهمانیم که تعصب قسمتی خودخواهانه گرایشی است سکتاریستی که چنانچه برشدهش ادامه دهد، بسیار خطرناک می‌گردد.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم ۱ فوریه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

لیبرالیسم به اشکال گوناگون ظاهر می‌شود. وقتی که به روشنی معلوم شود که شخصی اشتباه کرده است و فقط به این علت که او یک نفر آشنا، یک همشهری، یک همکلاسی، یک دوست صمیمی، یکی از عزیزان، یک همکار یا زیردست قدیمی است، از بحث اصولی با او

سرباز زدن، برای حفظ صلح و دوستی کارها را به حال خود رها کردن، یا به خاطر حفظ مناسبات حسنه به عوض حل نهایی مسائل با آنها به طور سطحی برخورد کردن؛ نتیجه این خواهد شد که هم تشکیلات لطمه می‌بیند و هم شخص مورد نظر - اینست اولین شکل ظهور لیبرالیسم.

در غیاب افراد، بدون احساس مسئولیت از آنها انتقاد کردن، پیشنهادات خود را به طور فعال به تشکیلات ارائه ندادن، نظرات خود را درباره اشخاص در حضورشان مطرح نکردن ولی پشت سر آنها حرف زدن، از صحبت در جلسه خوددراى نمودن، ولی بعد از جلسه پرحرفی کردن، یا نسبت به اصول زندگی کلکتیو بی‌اعتنا بودن و خود را به ولنگاری و بی‌بندوباری عادت دادن - اینست دومین شکل ظهور لیبرالیسم.

هر کاری که به شخص خود مربوط نباشد، به دست پیشامدها سپردن؛ در صورت وقوف کامل به نادرستی مطلبی از اظهار نظر درباره آن تا حد ممکن خودداری کردن، رندانه درصدد حفظ و نگهداری خود برآمدن و فقط شخص خود را از ارتکاب به اشتباه مصون نگاه داشتن - ایست سومین شکل ظهور لیبرالیسم.

از دستورات اطاعت نکردن ولی نظرات خود را بر آنها ارجح دانستن، فقط از تشکیلات توقعات بیجا داشتن ولی از انضباط تشکیلاتی بوئی نبردن - اینست چهارمین شکل ظهور لیبرالیسم.

به عوض اینکه به خاطر وحدت یا ترقی و یا به نظم و ترتیب در آوردن کارها به بحث و جدل پرداختن و علیه نظرات نادرست مبارزه کردن، به حملات شخصی توسل جستن، دعوا و مرافعه به راه انداختن، کینه و دشمنی خود را بیرون ریختن و انتقام جویی کردن - اینست پنجمین شکل ظهور لیبرالیسم.

رد نکردن نظرات نادرستی که شنیده می‌شود و حتی اظهارات عناصر ضد انقلابی را شنیدن ولی گزارش ندادن، بلکه آنها چنان با خونسردی تلقی کردن که گویی اصلاً اتفاقی نیفتاده است - اینست ششمین شکل ظهور لیبرالیسم.

در میان توده‌ها تبلیغ و تهییج نکردن، در جلسات صحبت نکردن، تحقیق نمودن، از وضع توده‌ها سؤال نکردن، به درد دل توده‌ها نرسیدن، در برابر توده‌ها بی‌تفاوت بودن،

فراموش کردن اینکه او یک کمونیست است و بالاخره یک عضو حزب کمونیست را با اشخاص معمولی غیر کمونیست هم طراز ساختن - اینست هفتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

در برابر اعمال کسی که منافع توده‌ها را پایمال می‌کند، خشمگین نشدن، تذکر ندادن، ممنوع ساختن و برای او دلیل و منطق نیاوردن، بلکه جلوی این گونه اعمال را باز گذاشتن - اینست هشتمین شکل ظهور لیبرالیسم.

با جدیت کار نکردن، برنامه معین و سمت مشخص نداشتن، بلکه کارها را به طور سرسری انجام دادن و زندگی را به پیشامدها واگذار کردن - "تا زمانی که انسان راهب است، فقط کارش به صدا درآوردن ناقوس است" - اینست نهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

خویشتر را آنچه‌ان شخصی دانستن که خدمات ذی قیمتی در راه انقلاب انجام داده است، به سابقه خود نازیدن، شایستگی انجام وظایف مهم نداشتن ولی از به عهده گرفتن مأموریت‌های کم اهمیت‌تر رو گرداندن، در لاقیدی و تحصیل از خود سستی نشان دادن - اینست دهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

به اشتباهات خود پی بردن، ولی به خاطر اصلاح آنها تلاش نکردن، نسبت به شخص خود روش لیبرالیستی اتخاذ کردن - اینست یازدهمین شکل ظهور لیبرالیسم.

علیه لیبرالیسم ۷ سپتامبر ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۲

لیبرالیسم در یک جمع انقلابی پدیده‌ایست بسیار زیان‌بخش. لیبرالیسم به منزله خوره‌ایست که یکپارچگی و وحدت را به تدریج می‌خورد، پیوندها را می‌گسلد و موجب رکود و اختلاف نظر می‌گردد. لیبرالیسم بر باد دهنده تشکیلات محکم و انضباط پولادین صفوف انقلاب است، مانع اجرای کامل رهنمودهای سیاسی است و بالاخره سازمان‌های حزبی را از توده‌هایی که تحت رهبری حزب قرار دارند، جدا و دور می‌سازد. این گرایش بسیار بدی است.

علیه لیبرالیسم ۷ سپتامبر ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۲

لیبرال‌ها به اصول مارکسیسم به دیده دگم‌های خشک و تجریدی می‌نگرند. آنها مارکسیسم را می‌پسندند ولی حاضر نیستند آن را به مرحله عمل درآورند؛ آنها حاضر نیستند مارکسیسم را جایگزین لیبرالیسم خود نمایند. این اشخاص هم صاحب مارکسیسم خاص بودند و هم لیبرالیسم خود را حفظ می‌کنند. آنها از مارکسیسم دم می‌زنند ولی به شیوه

لیبرالیسم عمل می‌کنند: آنها در مورد دیگران مارکسیسم را به کار می‌بندند ولی در مورد خود لیبرالیسم را. در انبان آنها هم این موجود است و هم آن، و هر کدام مورد استعمال خاصی دارد. چنین است شیوه تفکر برخی از افراد.

علیه لیبرالیسم ۷ سپتامبر ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۲

دولت توده‌ای حافظ و نگهبان خلق است. خلق تنها با داشتن چنین دولتی است که می‌تواند در مقیاس تمام کشور و با مشارکت خود را با شیوه‌های دموکراتیک آموزش و تجدید تربیت دهد و از زیر نفوذ مرتجعین داخلی و خارجی (که هنوز بسیار زیاد است و مدت خیلی طولانی دوام خواهد داشت و نمی‌تواند به این زودی‌ها زایل شود) آزاد سازد، عادات و افکار ناپسند و مضموم مکتسبه از جامعه کهن را به دور افکند، نگذارد که از طرف مرتجعین به گمراهی کشانده شود و به پیشرفت خود به سوی جامعه سوسیالیستی و کمونیستی ادامه دهد.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۲۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

کمی کار نیک کردن مشکل نیست؛ مشکل آنست که انسان در تمام طول عمر خود کار نیک کند، از کارهای نکوهیده و مضموم بپرهیزد، در جهت منافع توده‌های وسیع مردم و جوانان و انقلاب عمل کند، و سال‌های متمادی لاینقطع سخت مبارزه کند؛ این واقعاً کار بسیار مشکلی است!

نطق تهنیت آمیز به مناسبت شصتمین سال تولد رفیق او یوی جان ۱۵ آوریل ۱۹۴۰

۲۵- وحدت

وحدت کشور و همبستگی خلق و ملیتهای مختلف کشور ما ضامن اساسی پیروزی حتمی امر ماست.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

فقط از طریق وحدت حزب کمونیست است که می‌توان به وحدت تمام طبقه و تمام ملت دست یافت و فقط از طریق وحدت تمام طبقه و تمام ملت است که می‌توان بر دشمن غلبه نمود و انقلاب ملی و دموکراتیک را به سرانجام رساند.

به خاطر جلب توجه‌های میلیونی به سوی جبهه واحد ملی ضدژاپنی مبارزه کنید. ۷ مه ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

ما باید کلیه نیروهای حزب را بر اساس اصول سازمانی و انضباطی مرکزیت دموکراتیک، استوارانه گرد هم آوریم. ما باید با هر رفیقی، هر که باشد، مشروط به اینکه بخواهد برنامه، اساسنامه و تصمیمات حزب را اجرا نماید، وحدت کنیم.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

در سال ۱۹۴۲ ما این شیوه دموکراتیک حل تضادهای درون خلق را به صورت فرمول " وحدت - انتقاد - وحدت " درآوردیم. اگر مشروح‌تر بگوییم این فرمول بدین معنی است که با تمایل به وحدت کار را آغاز کنیم، سپس از طریق انتقاد یا مبارزه تضادها را حل کنیم و سرانجام به وحدتی نوین بر پایه نوین دست یابیم. به طوریکه تجربه ما نشان می‌دهد این شیوه برای حل تضادهای درون خلق، شیوه درستی است.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

این ارتش ما هم در داخل و هم در خارج صفوف خود، به وحدت قابل ملاحظه‌ای رسیده است. در داخل ارتش - میان افسران و سربازان، میان مافوق‌ها و مادون‌ها، میان کار نظامی، کار سیاسی و کارپردازی وحدت برقرار است؛ در خارج ارتش - میان ارتش و خلق، میان ارتش و ارگان‌های دولتی، میان ارتش ما و ارتش‌های دوست وحدت حکمفرماست. هر چیزی را که به این وحدت زیان برساند، باید طرد نمود.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

۲۶- انضباط

در درون صفوف خلق، دموکراسی با سانترالیسم و آزادی و انضباط در ارتباط است. آنها دو جهت متضاد یک واحد کل را تشکیل می‌دهند که گر چه باهم در تضادند، ولی در عین حال با یکدیگر در وحدت نیز هستند. بنابراین ما نباید به طور یک جانبه یکی از این دو جهت را تأکید کنیم و جهت دیگر را نفی نماییم. در درون صفوف خلق به انضباط بدون آزادی و به آزادی بدون انضباط نمی‌توان قناعت کرد و همچنین به سانترالیسم بدون دموکراسی و به دموکراسی بدون سانترالیسم نمی‌توان اکتفا نمود. سانترالیسم دموکراتیک ما به معنای وحدت

دموکراسی و سانترالیسم، وحدت آزادی و انضباط است. در چنین سیستمی خلق از دموکراسی و آزادی وسیع برخوردار می‌شود ولی در عین حال نیز باید در چارچوب انضباط سوسیالیستی بماند.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

ما باید از نو انضباط حزبی را تأکید کنیم، بدین معنی: ۱- تبعیت فرد از تشکیلات؛ ۲- تبعیت اقلیت از اکثریت؛ ۳- ارگان‌های پایینی از ارگان‌های بالایی؛ ۴- تبعیت تمام اعضای حزب از کمیته مرکزی. کسی که این چهار ماده انضباطی را نقض کند، وحدت حزب را مختل کرده است.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ جلد ۲

یکی از شروط انضباط حزبی تبعیت اقلیت از اکثریت است. اقلیت چنانچه نظرش رد شود، موظف است از تصمیم اکثریت پشتیبانی کند. اقلیت در صورت لزوم می‌تواند مسئله را مجدداً در جلسه دیگری مطرح سازد، و الا اقلیت به هیچ وجه مجاز نیست عملی که مغایر تصمیم متخذه باشد، انجام دهد.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

سه اصل انضباطی عبارتند از:

- از فرامین در کلیه عملیات خود اطاعت کنید؛

- از توده‌ها حتی یک سوزن و یا یک تکه نخ هم نگیرید؛

- همه غنایم را تحویل دهید.

هشت ماده مقرراتی عبارتند از:

- مؤدبانه صحبت کنید؛

- هر چه می‌خرید بهایش را منصفانه بپردازید؛

- هر چه به امانت می‌گیرید، پس دهید؛

- هر خسارتی که وارد می‌آورد، جبران کنید؛

- مردم را کتک نزنید، به آنها دشنام ندهید؛

- به محصول زیان نزنید؛

- به زنان جسارت و بی‌احترامی نکنید؛

- اسرا را اذیت و آزار نکنید.

درباره انتشار مجدد سه اصل انضباطی و هشت ماده مقرراتی - دستور ستاد کل ارتش آزادی‌بخش توده‌ای چین ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

آنها [کلیه افسران و سربازان ارتش ما] باید روحیه‌ی انضباطی خود را تقویت کنند و دستورات را با قطعیت اجرا نمایند، سیاست ما و سه اصل انضباطی و هشت ماده مقرراتی را رعایت کنند، و با تحقق وحدت ارتش و مردم، وحدت ارتش با دولت، وحدت افسران و سربازان و وحدت تمام ارتش به هیچ گونه نقض انضباطی راه ندهند.

مانیفست ارتش آزادی‌بخش توده‌ای چین اکتبر ۱۹۴۷ آثار منتخب جلد ۴

۲۷- انتقاد و انتقاد از خود

حزب کمونیست از هیچ انتقادی واهمه ندارد، زیرا ما مارکسیست هستیم، حقیقت با ماست، توده‌های عمده - کارگران و دهقانان در طرف ما هستند.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

ماتریالیست‌های تمام عیار افراد نترسی هستند. ما امیدواریم که هم‌زمان ما با جرأت از عهده مسئولیت‌های خود برآیند و تمام مشکلات را برآورده سازند، از شکست یا طعنه و استهزاء نترسند و از انتقاد از ما کمونیست‌ها و یا طرح پیشنهادهای خود به ما پروایی نداشته باشند. "کسی که از چهار شقه شدن نترسد، جرأت دارد که قیصر را هم از اسب به زمین کشد". ما باید در مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم، چنین روحیه متهورانه‌ای داشته باشیم.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین درباره کار تبلیغاتی ۱۲ مارس ۱۹۵۷

ما سلاح مارکسیستی - لنینیستی انتقاد و انتقاد از خود را در دست داریم. ما قادریم که اسلوب‌های ناپسند را به دور افکنیم و اسلوب‌های پسندیده را حفظ کنیم.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ۵ مارس ۱۹۴۹
آثار منتخب جلد ۴

صفت مشخصه‌ای که حزب ما را از سایر احزاب سیاسی متمایز می‌سازد، انتقاد صادقانه از خود است. همانطور که ما قبلاً گفتیم، اگر اتاق را مرتب تمیز نکنیم، گرد و خاک انباشته خواهد شد؛ اگر صورت خود را مرتب نشوئیم، کثیف خواهد شد. ممکن است ذهن رفقای ما و کار حزب ما را نیز گرد و خاک بگیرد، و از اینرو احتیاج به روییدن و شست و شو دارد. ضرب‌المثل "آب جاری ممکن نیست بگنجد و پاشنه در هرگز موریانه نمی‌زند" به این معنی است که حرکت دائم مانع تأثیر فاسد کننده میکروب‌ها و طفیلی‌ها می‌گردد. بررسی مداوم کار خودمان و در این پروسه توسعه سبک دموکراتیک کار، نهراسیدن از انتقاد و انتقاد از خود و پیروی کردن از این پندهای آموزنده خلق چین: "درباره آنچه که می‌دانی سکوت اختیار مکن، آنچه گفتنی داری برای خودت نگه مدار"، "هیچ کسی را به خاطر حرفی که زده است گناهکار ندان، بلکه از گفته‌های او پند بگیر"، "اگر عیبی داری، آن را اصلاح کن و اگر نداری، مراقب باش" - اینست یگانه وسیله مؤثر برای حفظ رفقا و ارگانیزم حزب ما از سرایت گرد و خاک و میکروب‌های سیاسی.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

در درون حزب مقابله و مبارزه بین نظرات مختلف دائماً در جریان است؛ این در درون حزب انعکاسی از تضاد بین طبقات و تضاد بین کهنه و نو در اجتماع. چنانچه در حزب تضادها و مبارزه ایدئولوژیک برای حل آنها وجود نمی‌داشت، زندگی حزب پایان می‌یافت.

درباره تضاد اوت ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۱

ما طرفدار مبارزه فعال ایدئولوژیک هستیم، زیرا این مبارزه سلاحی است که وحدت را در داخل حزب و سازمان‌های انقلابی به سود پیکار ما تضمین می‌کند. این سلاح را هر کمونیست و هر انقلابی باید به دست گیرد. اما لیبرالیسم مبارزه ایدئولوژیک را رد می‌کند و صلح و آرامش غیر اصولی را توصیه می‌نماید و از این رو موجب پیدایش یک شیوه عمل

منحط و مبتذل و فساد سیاسی در بعضی واحدها و افراد حزب و سازمان‌های انقلابی می‌گردد.

علیه لیبرالیسم ۷ سپتامبر ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۲

ما باید در مبارزه علیه سوپژکتیویسم، سکتاریسم و سبک الگوسازی حزبی به دو اصل توجه کنیم: نخست - "پند گرفتن از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباهات آینده"، و دوم - "معالجه مرض برای درمان بیمار". اشتباهات گذشته را باید بدون در نظر گرفتن حساسیت اشخاص بر ملا ساخت و آنچه را که در گذشته بد بوده است، به طرز علمی تحلیل کرد و به باد انتقاد گرفت تا آنکه کار آینده بتواند با دقتی بیشتر و بهتر انجام یابد. این درست مفهوم این جمله است که می‌گوید: "پند گرفتن از اشتباهات گذشته برای اجتناب از اشتباهات آینده". ولی هدف ما از برملا ساختن خطاها و انتقاد کردن از نقایص باید درست مانند هدفی باشد که پزشک از معالجه بیمار تعقیب می‌کند، یعنی اینکه بیمار را نجات دهیم نه اینکه او را به دست مرگ بسپاریم. شخصی که مبتلا به بیماری آپاندیسیت است، وقتی نجات می‌یابد که دکتر آپاندیس او را عمل کند. ما باید از هر کسی که اشتباهی کرده ولی نمی‌خواهد بیماری خود را از ترس معالجه پنهان کند و روی اشتباه خود تا آنجا که آخر الامر بیماریش غیر قابل علاج شود، اصرار ورزد، بلکه به عکس از روی صداقت و صمیمیت به معالجه و اصلاح خود علاقه نشان می‌دهد، استقبال کنیم و او را معالجه کنیم تا بتواند رفیق شایسته‌ای گردد. چنانچه ما جلو خودمان را ول کنیم و او را بیرحمانه بگویم، هرگز موفقیتی به دست نخواهیم آورد. در معالجه بیماری‌های ایدئولوژیک یا سیاسی هرگز نباید تندی و خشونت به کار برد، بلکه باید شیوه "معالجه مرض برای نجات بیمار" را یگانه شیوه صحیح و مؤثر است، برگزید.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم ۱ فوریه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

نکته دیگری که باید در رابطه با انتقاد درون حزبی خاطر نشان گردد، اینست که بعضی از رفقا در انتقادات خود مسائل اصلی را نادیده می‌گیرند و توجه خود را به مسائل فرعی محدود می‌سازند. آنها نمی‌فهمند که وظیفه عمده انتقاد نشان دادن اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی است. اما نواقص شخصی در صورتی که با اشتباهات سیاسی و سازمانی مربوط نباشند، برای آنکه خاطر رفقا پریشان نگردد، نباید زیاد مورد ایراد قرار گیرند، وانگهی چنانچه دامنه چنین انتقاداتی بسط یابد، ممکن است این خطر بزرگ پیدا شود که توجه اعضای

حزب فقط بر روی نواقص کوچک متمرکز شود، همه به افراد محتاط و جبون بدل گردند و وظایف سیاسی حزب به دست فراموشی سپرده شود.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

در انتقاد درون حزبی باید از قضاوت های سوپراکتیویستی و انتقادات مبتذل پرهیز کرد، اظهارات باید مستند و انتقاد باید جنبه سیاسی داشته باشد.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

انتقاد درون حزبی سلاحی است که به امر استحکام تشکیلات حزب و تقویت نیروی رزمنده حزب خدمت می کند. ولی انتقاد در سازمان حزبی ارتش سرخ همیشه چنین خصلت ثابتی نداشته بلکه بعضی اوقات حتی به حملات شخصی تبدیل شده است. در نتیجه، این امر که یکی از مظاهر اندیویدوآلیسم خرده بورژوازی است نه تنها به افراد، بلکه به سازمان های حزبی هم صدمه زده است. به منظور ریشه کن کردن این پدیده، باید به اعضای حزب فهمانند که منظور از انتقاد ارتقای نیروی رزمنده حزب جهت نیل به پیروزی در مبارزه طبقاتی است و از انتقاد نباید به مثابه سلاحی برای حملات شخصی استفاده کرد.

درباره اصلاح نظرات نادرست در حزب دسامبر ۱۹۲۹ آثار منتخب جلد ۱

ما به خلق خدمت می کنیم و از این رو اگر نواقصی داشته باشیم، از تذکر و انتقاد دیگران هراسی نداریم. نشان دادن نواقص ما از طرف هر کس که باشد، جایز است؛ و اگر او بر حق باشد، ما آن نواقص را اصلاح خواهیم کرد. هر گاه پیشنهادی که او مطرح می کند، به سود خلق باشد، ما حتماً طبق آن عمل خواهیم کرد.

خدمت به خلق ۸ سپتامبر ۱۹۴۴ آثار منتخب جلد ۳

ما کمونیستهای چین که منافع والای توده های وسیع خلق چین را مبنای تمام عملیات خود قرار می دهیم و به حقانیت مطلق امر خویش ایمان داریم و آنچه را که جنبه شخصی دارد، بیدرنگ فدای این امر می سازیم و پیوسته حاضریم زندگی خویش را در راه آن نثار کنیم، آیا می توانیم با حذف هر فکر، هر نظر و عقیده یا اسلوبی که موافق نیازمندی های خلق نباشد، مخالف باشیم؟ آیا ممکن است به چرکی ها و میکروب های سیاسی راه دهیم که بیایند و پاکی چهره ما را آلوده گرداند و ارگانسیم سالم ما را بیمار سازند؟ خاطره شهیدان بیشمار

انقلاب ما که جان خود را در راه منافع خلق فدا کرده‌اند، زندگان را غرق در اندوه می‌سازد - آیا در چنین صورتی می‌تواند چنان منافع شخصی وجود داشته باشد که نتوان آن را فدا ساخت و آیا می‌تواند عیبی وجود داشته باشد که نتوان آن را اصلاح کرد!

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

ما به هیچ وجه نباید به هر موفقیتی قانع و خشنود شویم. ما درست همان طوری که برای حفظ نظافت و از بین بردن کثافت روزانه دست و رویمان را می‌شوئیم و کف اطلاق را جاروب می‌کنیم، باید جلوی این فحاشی و خشنودی را هم بگیریم و پیوسته نواقص خود را مورد انتقاد قرار دهیم.

متشکل شوید ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ آثار منتخب جلد ۳

انتقاد را باید به موقع کرد، نباید خود را به این عادت داد که بعد از وقوع حوادث انتقاد کرد.

درباره مسئله کنوپراتیوه کردن کشاورزی ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵

ما با آموختن از اشتباهات و پس نشینی‌ها با درایت‌تر شده‌ایم و از این جهت کارمان را بهتر اداره می‌کنیم. برای یک حزب سیاسی و یا یک فرد مشکل است که از اشتباه برکنار بماند، اما ما می‌خواهیم که حتی‌الامکان کمتر اشتباه رخ دهد. همینکه اشتباهی روی داد، باید فوراً تصحیح شود، البته هر چه زودتر و هر چه کاملتر بهتر.

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق ۳۰ ژوئن ۱۹۴۹ آثار منتخب جلد ۴

۲۸- کمونیست‌ها

یک کمونیست باید صادق، وفادار و فعال باشد، مصالح انقلاب را گرانبها تر از جان خود بداند و منافع شخصی را تابع مصالح انقلاب نماید؛ او باید همیشه و در همه جا بر روی اصول صحیح پافشاری کند و علیه هر گونه فکر و عمل نادرست به طور خستگی‌ناپذیر مبارزه نماید تا آنکه زندگی کلکتیو حزب را مستحکم و رابطه حزب را با توده‌ها استوار گرداند؛ او باید به حزب و توده‌ها بیشتر از هر شخص دیگر ارجحیت دهد؛ باید به دیگران بیشتر از شخص خود توجه کند. تنها در چنین صورتی است که او را می‌توان یک فرد کمونیست نامید.

علیه لیبرالیسم ۷ سپتامبر ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۲

باید به هر رفیق فهماند که نخستین ملاک هر گفتار و هر کردار یک کمونیست باید عبارت باشد از انطباق آن با منافع والای اکثریت قاطع خلق و برخورداری از پشتیبانی آنها.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

یک کمونیست هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی نباید منافع شخصی خود را در مرتبه اول قرار دهد؛ او باید منافع خود را تابع مصالح ملت و توده‌های مردم سازد. از اینجاست که خودخواهی، سستی و سهل‌انگاری در کار، انحطاط و فخر فروشی و غیره خصایل بسیار نکوهیده خوانده می‌شوند؛ در حالی که از خود گذشتگی، فعالیت پرشور در کار، فداکاری به خاطر رفاه عمومی و کار کوشنده و آرام مورد احترام قرار می‌گیرد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

کمونیستها باید پیوسته برای دفاع استوار از حقیقت آماده باشند، زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است؛ کمونیستها باید پیوسته برای دفاع استوار از حقیقت آماده باشند زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است؛ کمونیستها باید پیوسته برای اصلاح اشتباهات خویش آماده باشند، زیرا که اشتباهات با منافع خلق در تضادند.

درباره دولت ائتلافی ۲۴ آوریل ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۳

کمونیستها به هر مسئله‌ایکه بر می‌خورند، باید سؤال کنند: "چرا؟" و "برای چه؟"، آنها باید با مغز خود بیندیشند و با دقت فکر کنند که آیا با این واقعیت وفق می‌دهد یا نه، و آیا واقعاً بر اساس صحیحی مبتنی است یا نه؟ آنها به هیچ وجه نباید کورکورانه از دیگران تبعیت کنند و اطاعت برده‌وار را تبلیغ نمایند.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم ۱ فوریه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

ما باید رفقا را تشویق کنیم که منافع عموم را در نظر بگیرند. هر عضو حزب، هر بخش از کار، هر اظهار نظر و هر گونه عملی باید در جهت منافع عمومی سراسر حزب سیر کند؛ نقض این اصل مطلقاً غیر مجاز است.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم ۱ فوریه ۱۹۴۲ آثار منتخب جلد ۳

کمونیسته‌ها باید نمونه واقع‌بینی و دوراندیشی باشند، زیرا فقط با واقع‌بینی است که می‌توانند وظایف محوله را به انجام برسانند، و فقط دور اندیشی است که می‌تواند آنها را از گم کردن سمت حرکت به جلو باز دارد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

کمونیسته‌ها باید از خود حداکثر دوراندیشی، از خودگذشتگی و پیگیری را نشان دهند و در سنجش اوضاع تعصب را به حداقل پائین بیاورند، به اکثریت توده‌ها اتکا کنند و پشتیبانی آنها را نسبت به خود جلب نمایند.

وظایف حزب کمونیست چین در دوره جنگ مقاومت علیه ژاپن ۳ مه ۱۹۳۷ آثار منتخب جلد ۱

کمونیسته‌ها باید در آموزش نیز سرمشق باشند و همیشه هم معلم توده‌ها باشند و هم شاگرد آنان.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

هر کمونیست که در میان توده‌ها کار می‌کند، باید دوست توده‌ها باشد، نه ارباب آنها؛ آموزگاری خستگی‌ناپذیر باشد، نه سیاست بازی بوروکراتیک.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

کمونیسته‌ها هرگز نباید خود را از اکثریت توده‌ها جدا سازند، و یا با هدایت چند دسته مترقی به طور منفرد و شتابزده پیش روند و اکثریت توده‌ها را فراموش کنند، بلکه باید بیشتر بکوشند که بین عناصر پیشرو و توده‌های وسیع پیوندی نزدیک برقرار سازند. این همان چیزی است که از مفهوم اندیشیدن به اکثریت مستفاد می‌شود.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

ما کمونیسته‌ها مانند دانه هستیم و خلق چون خاک. ما به هر جا که می‌رویم، باید توده‌های مردم در آمیزیم تا بتوانیم در میان آنها ریشه دوانده و شکوفه نمائیم.

درباره مذاکرات چون کین ۱۷ اکتبر ۱۹۴۵ آثار منتخب جلد ۴

ما کمونیستها باید بتوانیم خود را در تمام امور با توده‌ها پیوند دهیم. اگر اعضاء حزب ما خود را تمام عمر در چهار دیواری خانه محبوس نمایند و برای مواجهه با جهان هرگز از آن چهار دیواری خارج نشوند و از طوفان احتراز جویند، آن وقت چگونه می‌توانند به حال خلق چین سودمند واقع شوند؟ البته که نخواهند توانست، ما را به چنین اشخاصی به عنوان عضو حزب نیازی نیست. ما کمونیستها باید با جهان روبرو شویم و خود را به میان طوفان‌ها بیفکنیم - این جهان کبیر مبارزه توده‌ای است، این طوفان عظیم مبارزه توده‌ای است.

متشکل شوید! ۲۹ نوامبر ۱۹۴۳ آثار منتخب جلد ۳

نقش پیشرو و نمونه‌وار کمونیستها دارای اهمیت حیاتی است. کمونیستهای ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید باید در تهور به نبرد، در اجرای دستورات، در رعایت انضباط، در انجام کار سیاسی و در حفظ وحدت و همبستگی درونی سرمشق و نمونه باشند.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

یک کمونیست هرگز نباید خود رأی و مستبد باشد و یا آمرانه و تحکم‌آمیز عمل کند و خیال کند هر کاری که او می‌کند خوب و هر کاری که دیگران می‌کنند، بد است؛ او هیچگاه نباید خود را در اطاقی کوچک محبوس نماید، و یا با فخرفروشی و خودستایی بر دیگران استبداد کند.

سخنرانی در مجلس نمایندگان ناحیه مرزی شن سی - گان سو - نین سیا ۲۱ نوامبر ۱۹۴۱ آثار منتخب جلد ۳

کمونیستها باید به نظرات افراد خارج از حزب به دقت گوش دهند و به آنها امکان صحبت کردن بدهند. اگر چه آنچه آنها می‌گویند، صحیح باشد، ما باید از آن استقبال کنیم و باید از نقاط مثبت آنها بیاموزیم؛ و اگر آنچه آنها می‌گویند صحیح نباشد باید اجازه دهیم تا صحبت خود را تمام کنند و آنگاه با صبر و بردباری جریان امر را برای آنها توضیح دهیم.

سخنرانی در مجلس نمایندگان ناحیه مرزی شن سی - گان سو - نین سیا ۲۱ نوامبر ۱۹۴۱ آثار منتخب جلد ۳

کمونیستها نباید از شخصی که در کارش مرتکب خطائی شده است، دوری جویند - مگر آنکه اصلاح‌ناپذیر باشد - بلکه باید او را قانع کنند تا بدین وسیله خود را از اساس اصلاح کند، کهنه را به دور افکند و از نو آغاز نماید.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

کمونیستها نباید به افرادی که از نظر سیاسی عقب مانده‌اند، کم بها دهند و یا آنان را تحقیر کنند، بلکه باید به آنها نزدیک شوند، با آنها متحد گردند، آنها را قانع سازند و به پیشروی تشجیع کنند.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی اکتبر ۱۹۳۸ آثار منتخب جلد ۲

۲۹- کادرها

ما برای تضمین اینکه رنگ حزب و دولت مان عوض نشود، باید نه تنها مشی و سیاستی صحیح اتخاذ کنیم، بلکه باید میلیونها جانشینی که بتوانند امر انقلاب پرولتاریایی را ادامه دهند، تربیت و آماده نماییم.

مسئله تربیت جانشینانی که امر انقلاب پرولتاریایی را ادامه دهند، در آخرین تحلیل، مسئله ایست مربوط به اینکه آیا کسانی پیدا خواهند شد که بتوانند امر انقلابی مارکسیستی-لنینیستی را که از طرف نسل سالمند انقلابیون پرولتاریایی آغاز شده، ادامه دهند یا نه، آیا رهبری حزب و دولت در دست انقلابیون پرولتاریایی باقی خواهد ماند یا نه، آیا نسلهای آینده ما در راه صحیح مارکسیستی-لنینیستی پیش خواهند رفت یا نه، بسخن دیگر، آیا ما می توانیم از پیدایش روزیونیسم خروشچفی در چین بزور موفقیت آمیز جلوگیری کنیم یا نه؟ سخن کوتاه، این مسئله ای فوقالعاده مهم است، مسئله ایست که با بود و نبود حزب و دولت ما بستگی دارد، مسئله ایست که برای آینده امر انقلاب پرولتاریایی تا صد یا هزار و یا حتا ده هزار سال دیگر نیز همچنا دارای اهمیت اساسی خواهد بود. کاهنین امپریالیسم با استناد به تغییرات اتحاد شوروی امید خود را به "تحول مسالمت آمیز" نسل سوم یا چهارم حزب چین بسته اند. ما این پیش بینی امپریالیستها را حتما عقیم خواهیم گذارد. ما باید از عالیترین ارگان سازمانی گرفته تا پایین ترین آن، در همه جا به تربیت و آماده ساختن ادامه دهندگان امر انقلاب توجه دائمی مبذول داریم. ادامه دهندگان شایسته امر انقلاب پرولتاریایی، دارای چه کیفیتی باید باشند؟ آنها باید مارکسیست-لنینیست های واقعی باشند، نه اینکه روزیونیستهایی چون خروشچف که قبای "مارکسیسم-لنینیسم" بر تن کرده است. آنها باید

انقلابیونی باشند که یک دل و یک جان به اکثریت قاطع خلق چین و خلقهای سراسر جهان خدمت کنند، نه افرادی چون خروشچف که در کشور خود به منافع مشتی عناصر بورژوازی که قشر ممتاز را تشکیل می دهند، و در مقیاس بین المللی به منافع امپریالیستها و مرتجعین خدمت می کند.

آنها باید سیاستمداران پرولتاریایی باشند و کار کنند. آنها نه تنها باید با کسانی که با آنها هم عقیده اند، متحد شوند، بلکه باید بتوانند با کسانی که با آنها اختلاف عقیده دارند، و حتی با کسانی که در گذشته مخالف آنها بوده اند، ولی پراتیک خطاهای آنان را ثابت کرده است، نیز وحدت یابند. ولی آنها در برخورد با مقام پرستها و دسیسه بازانی نظیر خروشچف باید بویژه هشیار باشند و از غضب رهبری درجات مختلف سازمانهای حزبی و دولتی از طرف چنین عناصر مضرى جلو گیرند.

آنها باید در عمل ساختن مرکزیت دموکراتیک در حزب سرمشق باشند، شیوه رهبری مبنی بر اصل "از توده ها، به توده ها" را فرا گیرند، سبک کار دموکراتیک را بوجود آورند و بتوانند به ندای توده ها گوش فرا دهند. آنها نباید مثل خروشچف مرکزیت دموکراتیک را در حزب نقض کنند، خودمختاری کنند، بطور ناگهانی و بدون دلیل برافقا حمله ور شوند و بر آنها ظلم و دیکتاتوری نمایند. آنها باید فروتن و مأل اندیش باشند و از خودپسندی و تند خویی بپرهیزند، سرشار از روحیه انتقاد از خود باشند و جسارت داشته باشند نواقص و اشتباهات کار خود را تصحیح کنند. آنها به هیچ وجه نباید مثل خروشچف خطاهای خود را روپوشی کنند و تمام خدمات را بخود نسبت دهند و همه اشتباهات را به گردن دیگران بیاندازند.

ادامه دهندگان امر انقلاب پرولتاریایی در جریان مبارزه توده ای پا بعرصه هستی می گذارند و در توفان های انقلاب رشد نموده و آبدیده می شوند. کادرها را باید در جریان طولانی مبارزه توده ای آزمود و شناخت و ادامه دهندگان امر انقلاب را از میان آنان برگزید و آموزش و پرورش داد.

نقل شده در " دربارہ کمونیسم کاذب خروشچف و آموزشهای تاریخی آن برای جهان " (۱۴ ژوئیه ۱۹۶۴)

سازمانهای حزبی ما باید در سراسر کشور گسترش بیابند و ما باید آگاهانه ده ها هزار کادر و صدها رهبر درجه اول تربیت کنیم. آنها باید کادرها و رهبرانی باشند که در مارکسیسم-لنینیسم تبحر و زبردستی داشته باشند. از نظر سیاسی دور اندیش باشند، در کار صلاحیت داشته باشند، سرشار از روحیه فداکاری باشند، قادر باشند با مسائل بطور مستقل برخورد کنند، در مقابل دشواریها استوار و محکم بایستند و با صداقت و وفاداری به ملت، به

طبقه، و به حزب خدمت کنند. حزب با اتکاء به این کادرها و رهبران است که می تواند با اعضای حزب و توده ها ارتباط پیدا کند، حزب با اتکاء به رهبری استوار آنها بر توده ها است که می تواند در کوبیدن دشمن توفیق بیابد. چنین کادرها و رهبرانی باید از خودخواهی، از قهرمان بازی اندیویدوآلیستی، خودنمایی، تنبلی، پاسیویته و سکتاریسم متکبرانه مبرا باشند، بلکه بعکس آنها باید قهرمانان از خود گذشته ملی و طبقاتی باشند، چنین است کیفیت و سبک کاری که از اعضاء، کادرها و رهبران حزب طلب می شود.

در راه جلب توده های میلیونی بطرف جبهه واحد ملی ضد ژاپنی مبارزه کنیم (۷ مه ۱۹۳۷) اثار منتخب جلد ۱

مشی سیاسی به محض آنکه معین شود، کادرها به عوامل تعیین کننده بدل می شوند. از اینرو تربیت نقشه مند تعداد زیادی کادرهای جدید وظیفه رزمنده ما می باشد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) اثار منتخب جلد ۲

معیار و ملاکی که حزب کمونیست در سیاست خود نسبت به کادرها در دست داشته باشد، عبارت از: اینکه آیا یک کادر در اجرای مشی حزب قاطع است یا نه، انضباط حزبی را رعایت می کند یا نه، رابطه نزدیک با توده ها برقرار می سازد یا نه، قادر است وظایف خود را بطور مستقل انجام دهد یا نه، و آیا در کار خود فعال، با پشتکار و از خود گذشته است یا نه. این همان چیزی است که از مفهوم "گماشتن افراد بر حسب شایستگی" مستفاد می شود.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) اثار منتخب جلد ۲

سیستم شرکت کادرها در کار تولیدی جمعی باید بطور پیگیر اجرا شود. کادرهای حزبی و دولتی ما اربابانی نیستند که بر گرده خلق سوار شده باشند، بلکه زحمتکشان ساده هستند. کادرها از طریق شرکت در کار تولیدی جمعی با مردم زحمتکش پیوندهای وسیع، دائمی و نزدیک برقرار می سازند. این امری است بس خطیر که برای سیستم سوسیالیستی اهمیت دارد و به برطرف ساختن بوروکراتیسم و پیشگیری از پیدایش رویونیسم و دگماتیسم کمک می کند.

نقل شده در "درباره کمونیسم کاذب خروشچف و آموزشهای تاریخی آن برای جهان (۱۴ ژوئیه ۱۹۶۴)

ما باید طرز قضاوت در باره کادرها را بدانیم. ما نباید قضاوت مان را در باره یک کادر فقط به یک دوره کوتاه یا یک واقعه مشخص از زندگی او محدود کنیم، بلکه باید تمام زندگی و مجموعه کارهایش را در نظر بگیریم. این است اسلوب اصلی برای قضاوت در باره کادرها.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

ما باید طرز استفاده صحیح از کادرها را بدانیم. رهبری در تحلیل نهایی دارای دو مسئولیت عمده است. ایده دادن و استفاده صحیح از کادرها. نقشه کشیدن، تصمیم گرفتن، فرمان و دستور صادر کردن - همه اینها از مقوله "ایده دادن" می باشند. برای اینکه ایده ها به مرحله عمل در آیند، ما باید کادرها را متحد گردانیم و به عمل تشجیع کنیم، این متعلق به مقوله "استفاده صحیح از کادرها" است.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

ما باید بدانیم که چگونه باید از کادرها مواظبت کنیم. برای مواظبت از کادرها طرق متعددی موجود است: اولاً هدایت آنها، یعنی اینکه باید به آنها در کارشان آزادی عمل داد تا در تقبل مسئولیت جرأت بیابند، ولی در عین حال نیز باید آنها را به موقع راهنمایی کرد تا اینکه تحت هدایت مشی سیاسی حزب بتوانند نیروی ابتکار خود را بطور کامل بکار اندازند. ثانیاً ارتقاء سطح آنها، یعنی اینکه باید به آنها امکان آموختن داد و آنها را از این طریق تربیت نمود تا آنکه بتوانند بر دانش تئوریک خود بیافزایند و قدرت کار خود را بالا برند. ثالثاً کنترل کارهای آنها و کمک به آنها در جمع بندی تجربیاتشان، افزون بر موفقیت هایشان، و اصلاح اشتباهاتشان. محول کردن کار بدون کنترل آن، بلکه فقط پس از اینکه اشتباهات جدی رخ داد، به آن توجه کردن - این به هیچ وجه طرز مواظبت کردن از کادرها نیست. رابعاً، علی العموم، استفاده از شیوه اقناع نسبت به کادرهایی که مرتکب خطا شده اند، کمک کردن برای تصحیح خطاهایشان، توسل به شیوه مبارزه فقط نسبت به آن افرادی جائز است که مرتکب خطا های جدی شده اند و از قبول هر گونه راهنمایی سرباز می زنند. در اینجا صبر و شکیبایی لازم است این نادرست است اگر فوراً به مردم مهر "پورتونیست" زده یا به سهولت روش "مبارزه" علیه آنها در پیش گرفته شود. خامسا کمک کردن به آنها برای رفع مشکلاتشان، اگر کادری در نتیجه بیماری با مشکل روبرو شود یا در مضیقه مادی قرار گیرد و یا مسائل خانوادگی یا معضلات دیگری داشته باشد، ما باید حتماً نسبت به او در چهارچوب امکانات مان توجه کنیم. اینست طرز مواظبت کردن از کادرها.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

گروه رهبری ایکه واقعا متحد گشته و با توده ها پیوند یافته باشد، فقط می تواند بطور تدریجی در پروسه مبارزه توده ای، نه جدا از آن، تشکیل یابد. در پروسه یک مبارزه بزرگ، ترکیب گروه رهبری در بسیاری از موارد نباید و نمی تواند در سراسر مرحله اول، مرحله وسط و مرحله آخر کاملا بلا تغییر بماند، فعالینی که در جریان مبارزه رشد می کنند، باید دائما برای تعویض آن اعضای اولیه گروه رهبری که در مقایسه به آنها شایستگی کمتری دارند و یا انحطاط یافته اند، بالا برده شوند.

در باره بعضی از مسائل مربوط به شیوه های رهبری (۱ ژوئن ۱۹۴۳) آثار منتخب جلد ۳

اگر حزب ما فاقد تعداد زیادی کادر جدید باشد که بتواند در اتحاد و همکاری با کادر های قدیمی کار کنند، مسلما امر ما در نیمه راه از حرکت باز خواهد ایستاد. بدین جهت همه کادرهای قدیمی باید با شور و حرارت فراوان از کادرهای جدید استقبال کنند و نسبت به آنها توجه نمایند. یقین، کادرهای جدید دارای کمبودهایی هستند. آنها مدتی نیست که در انقلاب شرکت جسته اند و هنوز تجربه کافی ندارند، بعضی از آنها بطور اجتناب ناپذیر رسوبات ایدئولوژی ناسالم جامعه کهن یعنی بقایای ایدئولوژی اندیویدوآلیستی خرده بورژوازی را همراه آورده اند. ولی این کمبودها با کار تربیتی و آبدیدگی در انقلاب می تواند رفته رفته بر طرف گردند. برتری کادرهای جدید همانطور که استالین می گوید، در این است که آنها سرشار از احساس نسبت به هر پدیده نوینی هستند و بدینسان خود را با شور و حرارت و فعالیت زیاد ممتاز می سازند - این همان چیزی است که بعضی از کادرهای قدیمی فاقد آنند. کادرهای جدید و قدیمی باید به یکدیگر احترام بگذارند، از یکدیگر بیاموزند، با یاد گرفتن از نقاط مثبت یکدیگر کمبودهای خود را بر طرف سازند تا بتوانند برای امر مشترک چون تنی واحد متحد شوند. و خود را از گرایش های سکتاریستی بر کنار دارند.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم (۱ فوریه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

ما نه فقط باید به کادرهای حزبی بلکه باید به کادرهای غیر حزبی نیز توجه کنیم. بسیاری افراد لایقی که خارج از حزب اند و ما کمونیستها نباید آنها را از دیده فرو گذاریم. وظیفه هر کمونیست این است که حاشیه نشینی و تکبر را بدور افکند و با کادرهای غیر حزبی خوب همکاری کند، به آنها صمیمانه کمک نماید، نسبت به آنها برخوردی گرم و

رفیقانه داشته باشد و فعالیت شان را در جهت امر کبیر جنگ مقاومت ضد ژاپنی و ساختمان کشور سوق دهد.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

۳۰- جوانان

جهان در عین اینکه متعلق به ماست، به شما نیز تعلق دارد، ولی در آخرین تحلیل جهان از آن شماست. شما جوانان که در عنفوان شباب سرشار از شادابی و نیروی حیاتی، چون آفتاب ساعت هشت و نه صبح می درخشید. چشم امید ما به شماست.

گفتگو با دانشجویان و کارآموزان چین مقیم مسکو (۱۷ نوامبر ۱۹۵۷)

ما باید به جوانان بفهمانیم که کشور ما در حال حاضر هنوز کشوری بسیار فقیر است و تغییر ریشه ای این وضع در مدتی کوتاه میسر نیست و فقط و فقط با مساعی مشترک نسل جوان و تمام مردم ما که با دستان خود کار می کنند، چین می تواند در عرض چند ده سال به کشوری غنی و مقتدر بدل گردد. استقرار نظام سوسیالیستی راهی را در پیش پای ما گشوده است که به جهان ایده آل می رود، ولی تحقق این آرمان نیاز به کار خستگی ناپذیر ما دارد.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق (۲۷ فوریه ۱۹۵۷)

از آنجا که تعداد زیادی از جوانان فاقد تجربه زندگی سیاسی و اجتماعی اند، لذا قادر به مشاهده اختلاف بین چین کهن و چین نوین نیستند. برای آنها درک عمیق این حقیقت مشکل است که خلق ما در نتیجه مبارزات سخت و دشوار غیر قابل تصور توانسته است خود را از یوغ امپریالیسم و ارتجاع گومیندان برهاند. برای آنها درک عمیق این مطلب نیز دشوار است که بنای جامعه خوشبخت سوسیالیستی چه کار سخت و طولانی می طلبد. از این روست که باید در میان توده ها بطور مداوم کار تربیتی سیاسی زنده و موثر انجام گیرد، باید مشکلات موجود را دائما به آنها بروشنی نشان داد و با آنها در باره چگونگی رفع این مشکل به مباحثه پرداخت.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

جوانان فعالترین و شاداب ترین نیروهای جامعه هستند. آنها از همه بیشتر علاقه مند به آموزش و در تفکر خود از همه کمتر محافظه کارند. این حقیقت بویژه در عصر سوسیالیسم بیشتر صدق می کند. ما امیدواریم که سازمانهای حزبی نقاط مختلف به واحدهای سازمان جوانان کمک کنند، با آنها همکاری نمایند و این مسئله را بدقت بررسی کنند که چگونه باید از انرژی جوانان به بهترین وجه استفاده کرد. سازمانهای حزبی نباید به جوانان به چشم مردم عادی بنگرند و خصوصیات آنها را نادیده بگیرند. البته خوانان نیز باید از پیران و سالمندان بیاموزند و حتی الامکان سعی کنند با موافقت آنها به فعالیتهای گوناگون مفید بپردازند.

مقدمه بر مقاله "دسته ضربتی جوانان نهمین کنفرانس تولیدات کشاورزی در ده سین پین در شهرستان جون شان" (سال ۱۹۵۵)

چگونه باید سنجید که یک جوان انقلابی است؟ با کدام معیار باید آنرا اندازه گرفت؟ تنها یک معیار می تواند وجود داشته باشد، و آن این است که آیا این جوان مایل است با توده های وسیع کارگران و دهقانان در آمیزد و آیا بدان عمل می کند یا نه. چنانچه او مایل به درآمیختن با توده های وسیع کارگران و دهقانان باشد و واقعا نیز بدان عمل کند، آنگاه فردی انقلابی است، والا فردی غیر انقلابی یا ضد انقلابی است. اگر او امروز با توده های کارگران و دهقانان در آمیزد، او را امروز می توان فردی انقلابی نامید، ولی چنانچه او فردا از آنان ببرد و حتی بر مردم ساده ستم کند، آنوقت فردی غیر انقلابی و یا ضد انقلابی خواهد شد.

سمت جنبش جوانان (۴ مه ۱۹۳۹) آثار منتخب جلد ۲

تا زمانیکه روشنفکران با دل و جان خود را بمیان مبارزه انقلابی توده ای نیافکنند اند یا تصمیم قطعی نگرفته اند که به منافع توده ها خدمت کنند و با آنها یکی شوند، اغلب بشیوه تفکر ذهنی و منش انفرادی گرایش دارند، افکار آنها غالبا عملی نیست و در فعالیت خود اغلب ناپایداری نشان می دهند. به این جهت با وجود اینکه توده روشنفکران انقلابی چین می تواند نقش پیشتاز و حلقه رابط با توده ها را بازی کند، همه آنها قادر نخواهند بود تا پایان انقلابی بمانند. بخشی از آنان در لحظات بحرانی صفوف انقلاب را ترک می کنند و دست از فعالیت بر می دارند و حتی ممکن است تعداد کمی از آنها به دشمنان انقلاب بدل شوند. روشنفکران تنها در جریان شرکت طولانی در مبارزه توده ای است که می توانند معایب خود را مرتفع سازند.

"انقلاب چین و حزب کمونیست چین" (دسامبر ۱۹۳۹) آثار منتخب جلد ۲

سازمان جوانان صرف نظر از اینکه باید در مورد وظیفه مرکزی حزب بهم سویی با حزب ادامه دهد، باید کار خود را نیز که متناسب با ویژگیهای جوانان است، انجام دهد. چین نوین باید از جوانان خود مواظبت کند و نسبت به رشد نسل جوان توجه نماید. جوانان باید بیاموزند و کار کنند، ولی چون آنها در سنین رشد جسمانی هستند، باید هم به کار و آموزش و هم به تفریح، ورزش و استراحت آنان توجه کامل مبذول داشت.

گفتگو در ملاقات با هیئت رئیسه دومین کنگره ملی سازمان جوانان (۳۰ ژوئن ۱۹۵۳)

۳۱- زنان

یک مرد چینی معمولاً تحت تسلط سه سیستم قدرتی قرار می گیرد (قدرت سیاسی، قدرت قبیله ای و قدرت مذهبی) ... راجع به زنان، آنها علاوه بر تحت تسلط این سه قدرتند، زیر سلطه مردان (قدرت شوهر) نیز قرار می گیرند. این چهره قدرت سیاسی، قبیله ای، مذهبی و قدرت شوهر، تمام ایدئولوژی و نظام فئودالی - پدر شاهی را متبلور می سازد و چهار طناب بسیار کلفتی است که دست و پای خلق چین و بویژه دهقانان چین را می بندد. چگونگی برافکندن قدرت سیاسی ملاکین از طرف دهقانان در بالاشرح داده شد. قدرت سیاسی ملاکین ستون فقرات تمام سیستمهای قدرتی دیگر است. بدنبال بر افکندن قدرت سیاسی ملاکین، پایه های قدرت قبیله ای، قدرت مذهبی، و قدرت شوهر نیز شروع به تزلزل می کند... قدرت شوهر همیشه در میان دهقانان فقیر ضعیفتر بوده است زیرا زنان آنها در مقایسه با زنان طبقات ثروتمند از روی ضرورت اقتصادی می بایستی بیشتر به کار بدنی اشتغال ورزند و درست به همین جهت است که آنها حق بیان بیشتر و حتی قدرت بزرگتری در تعیین مسائل فامیلی در اختیار دارند. با ورشکستگی روزافزون اقتصاد روستایی طی سالهای اخیر، اساس تسلط مردان بر زنان نیز فرو ریخته است. زنان اکنون به موازات اوج جنبش دهقانی در بسیاری از نقاط دست به تشکیل اتحادیه های دهقانی زنان زده اند، اکنون زمان سربلند کردن زنان در رسیده است، قدرت شوهر روزبروز متزلزلتر می شود. در یک کلام، تمام ایدئولوژی و نظام فئودالی - پدرشاهی با رشد و اعتلای قدرت دهقانان بلرزه درآمده است.

گزارش در باره بررسی جنبش دهقانی در استان خونان (مارس ۱۹۲۷) آثار منتخب

جلد ۱

بخاطر بهبود موقعیت اقتصادی و سیاسی زنان متحد شوید و در فعالیتهای تولیدی و سیاسی شرکت جویند.

دستخطی برای مجله "زنان چین نوین" (۲۰ ژوئیه ۱۹۴۹)

از منافع جوانان، زنان و کودکان دفاع کنید - به جوانانی که از حق تحصیل محرومند، یاری رسانید، به جوانان و زنان در راه متشکل شدن بخاطر شرکت متساوی الحقوق در کلیه فعالیتهایی که برای جنگ مقاومت ضد ژاپنی و برای ترقی اجتماعی مفید باشد، کمک کنید، آزادی زناشویی و تساوی بین مرد و زن را تامین نمایید و به جوانان و کودکان آموزش سودمند دهید.

در باره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

در تولید کشاورزی وظیفه اساسی ما تعدیل متشکل نیروی کار و تشویق زنان بکار کشاورزی است.

سیاست اقتصادی ما (۲۳ ژانویه ۱۹۳۴) آثار منتخب جلد ۱

بخاطر بنا نهادن یک جامعه کبیر سوسیالیستی بسیج توده های وسیع زنان برای شرکت در فعالیت تولیدی دارای اهمیت بسیار بزرگی است. مردان و زنان باید در کار تولیدی در مقابل کار مساوی دستمزد مساوی دریافت کنند. تساوی حقوق واقعی بین مرد و زن تنها در پروسه تحول سوسیالیستی تمام جامعه می تواند تحقق یابد.

مقدمه بر مقاله "زنان در جبهه کار گام نهدهاند" (۱۹۵۵)

پس از پایان کئوپراتیوه کردن کشاورزی، بسیاری از کئوپراتیوها دچار کمبود نیروی کار شده اند. از اینرو لازم آمد که توده بزرگی از زنانرا که در گذشته در کار زراعت شرکت نمی کردند، برای شرکت در جبهه کار بسیج نمود.... زنان چینی ذخیره عظیم نیروی کارند. این نیروی ذخیره را باید در مبارزه بخاطر ایجاد یک کشور کبیر سوسیالیستی وارد عرصه کرد.

مقدمه بر مقاله "رفه مشکل کمبود نیروی کار بوسیله بسیج زنان برای شرکت در کار

تولیدی" (۱۹۵۵)

برای هر زنی که بتواند کار کند، باید وسیله ای فراهم ساخت تا مقام خود را در جبهه کار طبق اصل دستمزد مساوی برای کار مساوی اشغال کند، این امر باید هر چه زودتر تحقق یابد.

در باره دولت ائتلافی (۲۴ آوریل ۱۹۴۵) آثار منتخب جلد ۳

۳۲- فرهنگ و هنر

در دنیای امروز، هر فرهنگ، هر ادبیات و هنری متعلق به طبقه معینی است و از مشی سیاسی مشخصی ناشی می شود. در واقع هنر برای هنر، هنر مافوق طبقات و یا هر هنری که خارج از سیاست یا مستقل از آن باشد، وجود ندارد. ادبیات و هنر پرولتاریایی بخشی از مجموعه امر انقلابی پرولتاریا است و همان طور که لنین می گفت: "یک چرخ کوچک و یک پیچ کوچک" از مکانیسم کلی انقلاب است.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

فرهنگ انقلابی، سلاح انقلابی نیرومندی است در دست توده های مردم که زمینه را از نظر ایدئولوژیک قبل از وقوع انقلاب آماده می سازد و در طول انقلاب بخش مهم و ضرور جبهه عمومی انقلاب را تشکیل می دهد.

در باره دموکراسی نوین (ژانویه ۱۹۴۰) آثار منتخب جلد ۲

تمام ادبیات و هنر ما در خدمت خلق و در درجه اول در خدمت کارگران، دهقانان و سربازان است، ادبیات و هنر ما برای آنها خلق شده و مورد استفاده آنها قرار می گیرد.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

کارمندان ادبی و هنری ما باید از عهده این وظیفه بر آیند و موضع خود را تغییر دهند، آنها باید قدم بگذارند و سربازان، دهقانان و کارگران، بسوی پرولتاریا، گام بردارند، از این راه که به میان آنها روند، خود را در قلب مبارزه عملی بیافکنند و مارکسیسم و جامعه را مطالعه نمایند. فقط به این طریق است که ما می توانیم ادبیات و هنری بیافرینیم که واقعا در خدمت کارگران، دهقانان و سربازان قرار گیرد - ادبیات و هنر اصیل پرولتاریایی.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

(مقصود از اجتماع امروز ما این است که) کاری کنیم که ادبیات و هنر با مکانیسم عمومی انقلاب بمثابه جزیی از آن بخوبی منطبق گردد، بصورت سلاح نیرومندی برای وحدت

و آموزش خلق، برای درهم کوبیدن و نابود ساختن دشمن درآید، به خلق کمک کند تا یک دل و یک جان علیه دشمن برزند.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

انتقاد ادبی و هنری شامل دو ملاک است: یکی سیاسی و دیگری هنری....

دوملاک وجود دارد - یکی سیاسی و دیگری هنری، رابطه میان این دو چیست؟ ممکن نیست میان سیاست و هنر، میان جهان بینی کلی و شیوه های آفرینش هنری و انتقاد هنری علامت تساوی گذاشت. ما نه فقط منکر وجود ملاک سیاسی مجرد و مطلقا ثابت، بلکه منکر وجود ملاک هنری مجرد و مطلقا ثابت نیز هستیم. هر طبقه در هر جامعه طبقاتی دارای ملاک سیاسی و هنری خویش است. در عین حال هر طبقه در هر جامعه طبقاتی، ملاک سیاسی را در درجه اول و ملاک هنری را در درجه دوم می گذارد..... آنچه که ما خواستار آن هستیم، وحدت سیاست و هنر، وحدت مضمون و شکل، وحدت مضمون سیاسی انقلابی و شکل هر چه کاملتر هنری می باشد. آثاریکه فاقد ارزش هنری هستند، هر قدر هم از لحاظ سیاسی مترقی باشند، فاقد قدرند. از اینجهت ما در عین حال هم مخالف آن آثار هنری هستیم که بیان کننده نظرات غلط سیاسی هستند و هم مخالف این گرایش هستیم که آثاری با "سبک شعار و اعلان" بوجود آیند که نظرات سیاسی آنها درست ولی فاقد نیروی بیان هنری باشد. ما باید در ادبیات و هنر در دو جبهه مبارزه کنیم.

سخنرانی در محفل ادبی و هنری ین آن (مه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

رهنمود سیاسی "بگذار صد گل بشکفت" و "بگذار صد مکتب با هم رقابت کنند"، رهنمودی است که سبب تسریع شکوفای هنر و پیشرفت علم و رونق فرهنگ سوسیالیستی کشور ما می گردد. اشکال و سبک های گوناگون هنر می توانند آزادانه تکامل یابند و مکاتب مختلف علوم می توانند آزادانه با هم رقابت کنند. ما فکر می کنیم که تحمیل اجباری سبک های هنری و نظرات علمی معین و قدغن کردن سبکها و نظرات دیگر بوسیله تدابیر اداری، به رشد علم و هنر زیان می رساند. درستی یا نادرستی در علم و هنر، باید از طریق بحث آزادانه هنرمندان و دانشمندان و کار پراتیک علمی و هنری تعیین شود، نه بطریق سطحی و ساده.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

ارتشی که فرهنگ نداشته باشد، ارتش نادانی است و یک ارتش نادان قادر به درهم شکستن دشمن نیست.

جبهه واحد در امور قهرنگی (۳۰ اکتبر ۱۹۴۴) آثار منتخب جلد ۳

۳۳- آموزش

مابرای تحول چین از یک کشور کشاورزی عقب مانده به یک کشور صنعتی پیشرو با وظیفه سخت و دشواری روبرو هستیم و تجربه ما هنوز خیلی مانده است که کافی باشد. به اینجهت ما باید بتوانیم بنحو شایسته ای بیاموزیم.

نطق افتتاحیه در هشتمین کنگره حزب کمونیست چین (۱۵ سپتامبر ۱۹۵۶)

اوضاع دائما در تغییر است و کسی که بخواهد افکارش را با اوضاع جدید تطبیق دهد، باید بیاموزد، حتا آنهایی که با مارکسیسم نسبتا خوب آشنا هستند و موضع پرولتاریایی نسبتا استواری اتخاذ کرده اند، نیز باید به آموزش خود ادامه دهند، پدیده های نوین را بپذیرند و مسائل تازه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین در باره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷)

مائانجه را که سابقا نمی دانستیم، میتوانیم یاد بگیریم. ما نه فقط قادر به ویران ساختن جهان کهن هستیم، بلکه بخوبی نیز می توانیم جهان نوینی را بر پا داریم.

گزارش به دومین پلنوم هفتمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۵ مارس ۱۹۴۹)

آثار منتخب جلد ۴

در باره آموزش دو روش مختلف موجود است. اولی روش دگماتیستی است که می گوید باید از همه چیز صرفنظر از اینکه برای شرایط کشور ما مناسب باشد یا نه، اقتباس کنیم. این روش درستی نیست. روش دیگر این است که ما باید هنگام آموزش فکر خود را بکار اندازیم و آن چیزی را بیاموزیم که با شرایط کشور ما تطبیق می کند، یعنی کلیه تجاربی را بپذیریم که برای ما مفید هستند. ما درست نیازمند چنین روشی هستیم.

درباره حل صحیح تضادهای درون خلق ۲۷ فوریه ۱۹۵۷

تئوری مارکس، انگلس، لنین و استالین دارای اعتبار جهان شمول است. ما باید به این تئوری نه به عنوان یک دگم، بلکه چون راهنمای عمل بنگریم. آموزش فقط یاد گرفتن عبارات و جملات مارکسیستی - لنینیستی نیست، بلکه یاد گرفتن مارکسیسم-لنینیسم بمثابه علم انقلاب است. کافب نیست که فقط قوانین عامی را که مارکس، انگلس، لنین و

استالین بر مبنای مطالعه همه جانبه خود از زندگی واقعی و تجارب انقلابی بدست آورده اند، درک کنیم، بلکه باید موضع گیری و اسلوب آنها را در بررسی و حل مسائل نیز بیاموزیم.

نقش حزب کمونیست در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

اگر ما یک تئوری صحیح داشته باشیم، ولی فقط در باره آن پر حرفی کنیم، آنرا در قفس جبس نماییم و بعمل در نیاوریم، آنگاه این تئوری هر اندازه هم که خوب باشد، بی اهمیت خواهد شد.

درباره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

تئوری مارکسیستی را باید فرا گرفت و در عمل بکار برد، و آنرا فقط به منظور بکار بردنش فرا گرفت. اگر شما بتوانید با استفاده از نظر مارکسیستی - لنینیستی یک یا دو مسئله عملی را توضیح دهید، باید مورد تقدیر قرار گیرید و باید آنرا بعنوان دست آوردی به حسابتان گذاشت. هر قدر که شما مسائل بیشتری را توضیح دهید و هر قدر که این توضیحات شما جامع تر و ژرفتر باشند، دست آورد شما ارزنده تر خواهند شد.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم (۱ فوریه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

چگونه باید تئوری مارکسیستی - لنینیستی را با پراتیک انقلاب تلفیق داد؟ با یک جمله عام می توان به این سؤال پاسخ داد: "تیراندازی به هدف". رابطه بین مارکسیسم - لنینیسم و انقلاب چین درست شبیه رابطه بین تیر و هدف است. ولی بعضی از رفقا بدون هدف تیراندازی می کنند، الکی تیر می اندازند، چنین مردمانی خیلی به آسانی می توانند به انقلاب زیان برسانند.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم (۱ فوریه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

آن کسانی که در کار صاحب تجربه اند، باید به آموختن تئوری بپردازند و بطور جدی مطالعه کنند، فقط در این صورت است که آنها می توانند به تجارب خود نظم و ترتیب بخشد، آنها را تعمیم دهند و به سطح تئوری برسانند، فقط در این صورت است که آنها تجارب جزئی را اشتباها به مثابه حقیقت عام تلقی نخواهند کرد و دچار خطاهای امپریستی نخواهند شد.

سبک کار حزب را اصلاح کنیم (۱ فوریه ۱۹۴۲) آثار منتخب جلد ۳

کتاب خواندن آموختن است، اما آموخته را بکار بستن نیز آموختن است و حتا نوع مهمتر آن. اسلوب اصلی ما آموختن جنگ در جریان جنگ است. حتا شخصی هم که امکان مدرسه رفتن نداشته است، می تواند علم جنگ را بیاموزد- او می تواند جنگ را طریق جنگ بیاموزد. جنگ انقلابی کار توده های مردم است و غالبا موضوعی نیست که ابتدا آموخته شود و بعد بعمل درآید، بلکه امری است که ابتدا باید بعمل در آید و سپس آموخته شود، زیرا عمل کردن خود آموختن است.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶) آثار منتخب جلد ۱

بین یک غیر نظامی و یک سرباز فاصله موجود است، ولی این فاصله دیوار بزرگ چین نیست و می تواند بسرعت از میان برداشته شود، و راه از بین بردن آنهم شرکت در انقلاب و جنگ است. وقتیکه ما می گوئیم آموختن و بکار بستن امر آسانی نیست، مقصودمان این است که آموختن جامع و بکار بستن ماهرانه کار سخت و مشکلی است. وقتیکه ما می گوئیم یک غیر نظامی می تواند بسرعت به یک سرباز تبدیل شود، منظورمان این است که عبور از مرز بین این دو مشکل نیست. در توصیف وحدت این دو جکم ضرب المثلی از چین قدیم بجا مانده است که می گوید " در جهان هیچ مشکلی نیست که در برابر انسان با اراده تاب مقاومت آورد." عبور از موانع مشکل نیست. تبحر و استادی نیز امری است امکان پذیر فقط مشروط به اینکه بکوشد و قادر به آموختن باشد.

مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین (دسامبر ۱۹۳۶) آثار منتخب جلد ۱

ما باید کار کردن در رشته اقتصادی را از تمام آنکسانیکه به این فن آشنایی دارند (هر که می خواهد باشد) یاد بگیریم. ما باید آنها را معلم خود بشمریم و با صداقت و احترام از آنها بیاموزیم، در صورت ندانستن نباید تظاهر به دانایی نمود.

در باره دیکتاتوری دموکراتیک خلق (۳۰ ژوئن ۱۹۴۹) آثار منتخب جلد ۴

معلومات - این علم است و در اینجا دیگر نه جای تقلب و دغل بازی است و نه جای تکبر و خودبینی، بلکه بعکس صداقت و تواضع لازم می آید.

در باره عمل (ژوئیه ۱۹۳۷) آثار منتخب جلد ۱

قانع بودن دشمن آموزش است. اگر بخواهیم واقعا چیزی بیاموزیم، باید از قانع بودن بهره‌ییزیم. همانطور که می گویند: "از خود آموزی سیر مشو"، "از آموختن به دیگران خسته مگرد" - این است برخوردی که ما باید نسبت بخود و دیگران داشته باشیم.

نقش حزب کمونیست چین در جنگ ملی (اکتبر ۱۹۳۸) آثار منتخب جلد ۲

بعضی ها که چند کتاب مارکسیستی خوانده اند، خود را خیلی دانا می پندارند، ولی آنچه را که خوانده اند عمیقا در نیافته اند و در مغزشان ریشه ندوانده است و بنابر این نمی دانند چگونه باید آنرا بکار ببندند و احساسات طبقاتی آنها نیز همان احساسات طبقاتی قدیمی مانده است. افراد دیگری نیز هستند که بسیار متکبر و مغرورند و هنوز چند جمله بیش نخوانده که خود را آدم فوق العاده قلمداد می نمایند و فکر می کنند که از دماغ فیل افتاده اند. آنها به مجرد اینکه توفانی بر می خیزد، موضعی اتخاذ می کنند که کاملا با موضع کارگران و اکثریت دهقانان زحمتکش متفاوت است. موضع آنها متزلزل است در حالیکه موضع کارگران و اکثریت دهقانان زحمتکش استوار می باشد، موضع آنان تار و مبهم است در حالیکه موضع اینان صاف و روشن می باشد.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین در باره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷)

برای فرا گرفتن واقعی مارکسیسم، باید مارکسیسم را نه تنها از خلال کتابها بلکه بطور عمده از طریق مبارزه طبقاتی، کار عملی و تماس نزدیک با توده های کارگران و دهقانان آموخت. وقتیکه روشنفکران ما علاوه بر مطالعه آثار مارکسیستی، از طریق تماس نزدیک با توده های کارگران و دهقانان و از طریق کار عملی تا اندازه ای به درک آن دست یافتند، همه ما نه فقط در مورد میهن پرستی و نظام سوسیالیستی بلکه در مورد جهان بینی کمونیستی نیز زبان مشترک پیدا خواهیم کرد. چنانچه چنین امری تحقق پذیرد، کار همگی ما به یقین خیلی بهتر انجام خواهد یافت.

سخنرانی در کنفرانس کشوری حزب کمونیست چین در باره کار تبلیغاتی (۱۲ مارس ۱۹۵۷)

